

سرگذشت اپرت در عصر مشروطیت

از سال ۱۲۹۵ تا سال ۱۳۰۹ شمسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سرگذشت اپرت^۱ در ایران، همانند سرگذشت دیگر هنرهای مدرن (سینما، تئاتر) از زمان مشروطیت آغاز می‌شود. هنوز چند سالی از آویختن نخستین پرده سینما سبک توگراف برای مردم (در سال ۱۲۸۶ شمسی) و بالابردن نخستین پرده تیاتر (به سبک جدید) در سالن‌های نمایش عمومی نگذشته بود که در سال ۱۲۹۵ گروه هنری هوهانس توماسیان نخستین اپرت را در تهران بر روی صحنه برد. اپرت مزبور در واقع کمدی موزیکال آرشین مال‌آلان (بزاز دوره‌گرد) ساخت عزیز عبدالحسین اُغلو حاجی بیف (حاجی بگف قفقازی) هنرمند آذری^۲ بود که چهار سال قبل از آن برای نخستین بار در باکو اجرا شده بود.

نقش آفرینان اپرت از میان اعضای «انجمن خیریه زنان ارمنی تهران» انتخاب شدند. اپرت مزبور در ابتدا در مدرسه محله حسن‌آباد، بعداً^۳ در محوطه کاخ گلستان و سرانجام در تالار گراند هتل به مورد اجرا گذارده شد.^۴

۱- اپرت Opérette، ابرای کمیکی است با موسیقی‌ای نه چندان هنرمندانه و دارای خصلتی بسیار سبک.

۲- در خصوص زندگی‌نامه حاجی بگف، و نیز اپرت آرشین مال‌آلان، ر.ک. ملک‌پور، ادبیات نمایشی در ایران، ۱۳۶۳، صص ۹۰ تا ۹۷ و صص ۱۱۶ تا ۱۱۹.

۳- ر.ک. هویان، آندرانیک، «تئاتر ارمنیان در تهران»، فصل‌نامه تئاتر، دوره جدید، شماره ۴ و

۵، شماره مسلسل ۲۰ و ۲۱ پائیز و زمستان ۱۳۷۸، صص ۲۰۰-۲۰۲.

گروه هنری آبوویان

مدت کوتاهی پس از اجرای فوق، گروه هنری مسیو آبوویان به تهران آمده و در نخستین هفته‌های سال ۱۲۹۶ اپرت آرشین مال‌آلان را به روی صحنه برد. براساس مفاد اعلان منتشره (اعلان شماره ۱) گروه هنری مسیو آبوویان «که به تازگی از روسیه» آمده بود، اپرت آرشین مال‌آلان را در «سالن گراند هتل به نمایش» گذارد. اپرت مزبور «به زبان ترکی» و همراه با «ساز و موزیک مخصوص به خود» و «در چهار پرده» به نمایش درآمد.

استقبال از برگزاری اپرت به حدی بود که در طول یک ماه پس از آن، سه بار دیگر بر روی صحنه رفت (اعلان شماره ۳) چند هفته پس از آخرین اجرای «آرشین مال‌آلان» گروه آبوویان اپرت «آدم و حوا و پورتسیمان» را در بیستم شعبان ۱۳۳۰ قمری بر روی صحنه برد. (اعلان شماره ۴).

به نظر می‌رسد پس از اجرای اپرت «آدم و حوا» گروه آبوویان ر ایران رفت. ولی شش ماه بعد در ۱۱ دی ۱۲۹۶ (اول ژانویه ۱۹۱۸) بار دیگر «آرتیست آبوو بان پس از مسافرت از قلیس، به تازگی با یک دسته آکتر و آکتریس» به تهران بازگشت. (اعلان شماره ۵) پس از آن طی سه ماه زمستان سال ۱۲۹۶ اپرت‌های «کج السون، شیرین السون، عاشق غریب، اصلی و کرم، آرشین مال‌آلان و اولماسون بوالسون،^۱ هر یک یک بار به زبان ارمنی و یک بار به زبان ترکی توسط این گروه هنری به اجرا درآمد. (اعلان‌های ۶ تا ۱۴)

پس از برگزاری اپرت‌های فوق دیگر گزارشی از برگزاری و اجرای اثری هنری از

۱- تقریباً تمامی اپرت‌های مذکور نوشته عزیز عبدالحسین أغلو حاجی بیف (حاجی بگف قفقازی) است. ملک‌پور در کتاب ادبیات نمایشی در ایران (ج ۲ صص ۹۸ تا ۱۱۲) توضیح مفصلی در مورد هر یک از آنها می‌دهد. همچنین برای توضیحات بیشتر ر.ک. گوران، هیوا، ک شش‌های نافرجام، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۰، صص ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۳۵.

سوی گروه آبوویان در دسترس قرار ندارد.

در ماههای بعد، اپرتی در تهران به نمایش درنیامد. مگر در یک مورد خاص در آذر ماه ۱۲۹۷ (دسامبر ۱۹۱۸) که «از طرف آرتیست‌های معروف روسی دومین تیاتر (اپرا) به موقع نمایش» گذارده شد. (اعلان شماره ۱۵).

گروه هنری مسیو آرمینیان

در طول زمستان سال ۱۲۹۷ (سه ماهه اول ۱۹۱۹) گروه هنری مسیو آرمینیان به تهران آمده و چندین برنامه اجرا کرد. در ادامه، در اوایل سال ۱۲۹۸^۱، این گروه اپرت دیگری را به صحنه برد که در صدر اعلان آن نوشته شده بود: «برای خداحافظی از ایران، در سالن گراند هتل، دفعه آخر» (اعلان شماره ۱۶).

ولی حدود یک سال و نیم بعد در آبان ۱۲۹۹، گروه هنری مسیو آرمینیان پس از بازگشت به ایران، اپرت دیگری را در تهران به صحنه برد. اپرت مزبور یا «اپرای مشرق زمینی» همان اپرای «اصلی و کرم» بود که علاوه بر «آرتیست معروف آرمن آرمینیان» با «اشتراک مادام درویان آرمینیان» و مسیو «آوانسیان و آماتورهای تهران همراه با گر از دو نوع موزیک اروپایی و ساندارهای قفقازی» به صحنه رفت.^۲ (اعلان

۱- در خصوص وضعیت اجرای اپرت در ایران در سال ۱۲۹۸، گوران می‌نویسد: «در این زمان مدتی بود که اجرای کمدی موزیکال مورد توجه و علاقمندی دست‌اندرکاران بسیاری قرار گرفته بود. علت این علاقه استقبال بود که مردم از آن می‌کردند. این شیوه نمایشی زیر نفوذ مستقیم کمدی موزیکال قفقاز بود. زیرا که گروه‌های قفقازی و روسی بودند که این نوع کمدی را به مردم شناساندند و رفتند.»

«همچنین در همین سال است که رضا کمال (شهرزاد) کمدی موزیکال را تشکیل داد که در آن دختران ارمنی ایفاگر نقش مهمی بودند». ر.ک. گوران، هیوا، همان، صص ۱۱۶ و ۱۷۷.

۲- همزمان با اجرای فوق، گروه هنری مسیو گستانیان نیز همین اپرت را به صحنه برد که در سطور بعدی به آن اشاره می‌شود.

شماره ۱۷).

اجرای این اپرت، دستاورد دیگری نیز به همراه داشت که همانا شروع نقدنویسی بر اجرای اپرت در مطبوعات است. در مقاله‌ای تحت عنوان «اپرا، به مناسبت نمایش اخیر» (اسناد شماره ۱ و ۲) ابعاد مختلف اجرای اپرت «اصلی و کرم» توسط گروه مسیو آرمینان مورد بررسی قرار گرفت. البته باید کمی به حاشیه رفت و متذکر شد که حدود یک سال و نیم پس از نگارش نقد فوق، به دنبال اجرای مجدد اپرت اصلی و کرم در اوایل اردیبهشت ۱۳۰۱، بار دیگر اجرای مزبور مورد بررسی نقادانه‌ای از سوی سعید نفیسی قرار گرفت (سند شماره ۳) علیرغم نامشخص بودن گروه اجراکننده اپرت، بررسی همه جانبه آن و خصوصاً بخش موسیقیایی اش ویژگی مقاله «در اطراف نمایش اصلی و کرم» (سند شماره ۳) است.

استقبال معاریف تهرانی از اپرت اصلی و کرم در آبان ۱۲۹۹ (سند شماره ۲) برگزارکنندگان آن را تشویق کرد تا بار دیگر در ۱۲ بهمن همان سال، مجدداً اپرت اصلی و کرم را اجرا کنند. (اعلان شماره ۱۸).

پس از اجرای اپرت فوق دیگر خبری از گروه آرمینان نشد تا اینکه کمتر از یک سال بعد در آبان سال ۱۳۰۰ «به یادگار آرتیست آرمینان» نمایش آدم و حوا در گراند هتل بر صحنه رفت. (اعلان شماره ۱۹) این آخرین باری بود که نام هنرمند مذکور در اعلانی ذکر شد.

گروه هنری گستانیان

یکی دیگر از گروه‌های هنری فعال در زمینه اپرت، گروه مسیو گستانیان بود. این گروه فعالیت خود را در تهران از بهمن سال ۱۲۹۸ (فوریه ۱۹۲۰) با اجرای اپرت آرشین مال آلان به زبان فارسی آغاز کرد. (اعلان شماره ۲۰) از جمله دیگر هنرمندان این گروه خانم گل صباح بود که هم «می‌رقصید و هم آواز می‌خواند».

در ماه‌های بعد، اپرت‌های «مشهدی عباد (به زبان فارسی)»، «سه نامزد و یک عروس»، «جوان پنجاه ساله» و بالاخره «اصلی و کرم» توسط گروه گستانیان اجرا شد

(اعلان‌های شماره ۲۱ تا ۲۴) اپرت «اصلی و کرم» در فاصله چهار روز پس از اجرای گروه آرمینان، توسط گروه گستانیان به صحنه رفت و در مقایسه، با توجه به اسناد موجود (سند شماره ۲) به نظر می‌رسد که اجرای گروه آرمینان مورد توجه بیشتری قرار گرفت.

با شروع سال ۱۳۰۱ بار دیگر این گروه اپرت (مشهدی عباد) را در تهران اجرا کرد. اطلاع ما از اجرای این اپرت از خلال مقاله‌ای است که در همان زمان و در ارتباط با اجرای مزبور چاپ و منتشر شد. در این مقاله تحت عنوان «تاتر و موسیقی» (سند شماره ۴) انتقادات زیادی از اجرای مذکور می‌شود. علیرغم انتقادات مزبور، گروه گستانیان به فعالیت خود ادامه داد. اجرای اپرت «دیوار اشکبار» در خرداد ۱۳۰۱ (اعلان شماره ۲۵) اپرت انوش یا شیرین در آبان همان سال (اعلان‌های شماره ۲۶)، اپرت‌های مشهدی عباد، آرشین مال‌آلان، اصلی و کرم، جوان پنجاه سازه در آذر ۱۳۰۱ (اعلان‌های شماره ۲۷ تا ۳۲) و بالاخره اجرای اپرت «یک عروس و سه داماد» در دی‌ماه همان سال، کارنامه گروه هنری گستانیان در سال ۱۳۰۱ را تشکیل می‌دهند.^۱ علاوه بر فعالیت گروه‌های سابق‌الذکر در اواخر اسفند سال ۱۲۹۸ اپرت «اردشیر و استر به منفعت معارف بنی اسرائیل» در گراند هتل اجرا شد. این اپرت «به زبان فارسی» بوده و با ارکستر مخصوص «همراهی می‌شد» و «در پرده اول و آخر آن مادموازل مری» می‌رقصید. (اعلان شماره ۳۳)

۱- «در سالهای اوایل دهه ۱۳۱۰، گستانیان، یا قسطنیان و همسرش آوانسیان باشگاهی به نام «سنو تیاتر» در تهران تشکیل دادند که درس هنرپیشگی و سینما می‌داد.» ر.ک. گوران، هیرا، همان، ص ۱۲۲.

همچنین برای اطلاعات بیشتر در مورد گروه نئاتری گستانیان، نک: هویان، آندرانیک، «معرفی گروه نئاتری گوستانیان»، فصل‌نامه نئاتر، ش ۱۵، پانیز ۱۳۷۰، صص ۱۲۰ - ۱۵۰.

خیزش هنرمندان ایرانی

در نیمه دوم سال ۱۲۹۹ شاهد شروع یک تحول جالب در عرصه اپرت هستیم. این تحول تلاش هنرمندان ایرانی جهت مشارکت در ساخت و اجرای اپرت است. نخستین تلاش، اجرای اپرت «قوزی» در آبان ۱۲۹۹ بود. این نمایش: «اولین اپرتی است که به زبان فارسی داده می‌شود. در سه پرده و دارای ۲۵ آهنگ جدید موسیقی. ریاست ارکستر با آقای هنری است که شخصا آهنگ‌های موسیقی را به نظم درآورده و ترکیب نموده‌اند.» (اعلان شماره ۳۴).

اپرت دکتر ریاضی‌دان: سه‌ماه پس از اجرای اپرت «قوزی» اپرت «دکتر ریاضی‌دان» بر صحنه گراند هتل به نمایش گذاشته شد. این اپرت «نتیجه افکار آقای میرزا ابراهیم خان رئیس موزیک بریگاد مرکزی و معلم ویلون کمپوزیتور اپرت و اثر قلم شاهزاده احمد میرزا خسروانی مصنف پیس فوق‌الذکر (است که) در سالن گراند هتل به معرض نمایش گذارده خواهد شد.» (اعلان شماره ۳۵) مشارکت هنرمندان ایرانی در ساخت یک اپرت مورد استقبال جامعه هنری و منتقدین آن روز تهران قرار گرفت. در مقالات «تجدید حیات موسیقی» نوشته میرزا حسن خان ناصر (سند شماره ۵) و «تیاتر و موسیقی» به امضاء مستعار «تماشاچی» (سند شماره ۶)، شرح و بررسی جامعی از اپرت مذکور ارائه می‌شود. در این میان مقاله «تیاتر و موسیقی» به دلیل نگرش همه‌جانبه آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. البته اپرت دکتر ریاضی‌دان یک بار دیگر در آذرماه ۱۳۰۱ با حمایت شرکت کمدی ایران به اجرا گذارده شد. (اعلان‌های شماره ۳۶ و ۳۷).

میرزاده عشقی و اپرت رستاخیر سلاطین ایران

چندی پس از نخستین اجرای اپرت «دکتر ریاضی‌دان» در نخستین روزهای اردیبهشت سال ۱۳۰۰ میرزاده عشقی، هنرمند و شاعر پرآوازه ایرانی، نخستین

اپرت خود با نام «رستاخیز سلاطین ایران» را به روی صحنه برد.^۱ میرزاده عشقی با اعتقاد به اینکه نباید «کلمه دیگری بر کلمات اجنبی در زبان پارسی اضافه» شود، «اپرا را نمایش آهنگی» ترجمه کرد. اپرای مزبور قبل از تهران، یک بار در اصفهان اجرا شده و «باعث بسی شگفتی و حیرت تماشاچیان» شده بود. (اعلان شماره ۳۸) با چنین اوصافی اپرای رستاخیز سلاطین ایرانی در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ در سالن گراند هتل بر روی صحنه رفت. چه این اجرا و چه اجراهای بعدی آن (در آبان ۱۳۰۰، تیر ۱۳۰۱ و آبان ۱۳۰۱) (اعلان‌های شماره ۳۹ تا ۴۱) انعکاس مثبتی در بین هنردوستان داشت. در مقاله‌ای با عنوان «رستاخیز سلاطین ایران» (سند شماره ۷) از اپرت مزبور به عنوان «بهترین وسیله‌ای که می‌توان قلب‌های حساس را به رقت درآورد» یاد می‌شود.

علاوه بر «رستاخیز سلاطین ایرانی» میرزاده عشقی اپرت دیگری تحت عنوان «بچه‌گدای معشوق و دکتر نیکوکار» را نیز تصنیف و به مورد اجرا گذارد. (اعلان‌های شماره ۴۰ و ۴۲) فعالیت هنری میرزاده عشقی در کنار فعالیت سیاسی او انجام می‌شد، و همین عامل، یعنی فعالیت سیاسی، سبب در تنگنا قرار گرفتن هنرمندی شد که بدون شک در صورت تداوم فعالیت‌های هنری‌اش، یکی از ستارگان و نویسندگان طراز اول ایران می‌شد، ولی عرصه سیاست با میرزاده مدارا نکرد و در اواخر سال ۱۳۰۲ وضع او به گونه‌ای شد که با انتشار اعلامیه‌ای تحت عنوان «آخرین گدایی» ضمن تذکر «زندگانی پرمقروض، فقیر، پریشان و بیچاره» خود از مردم درخواست کرد با شرکت در آخرین اجرای اپرت «رستاخیز سلاطین ایرانی» به او کمک کرده تا به قول خودش زندگانی‌اش بیش «از این مخلوط با عزا و بی‌نوایی

۱- برای بررسی جزئیات اپرت‌های ساخته میرزاده عشقی ر. ک. گوران، هیوا، همان، صص ۱۵۹ و

نباشد و شاید بتوانم گریبانم را از دست این محیط...^۱ خلاص نموده و چندی در خارج از این سرزمین زندگانی نمایم.» (اعلان شماره ۴۳).

یک ماه پس از انتشار اعلامیه فوق، هیأت ترقی خواهان زردشتی با صدور اعلامیه‌ای (اعلان شماره ۴۴) خبر از برگزاری اپرتی داد که با توجه به نوع کلمات به کار برده شده در آن، به احتمال قریب به یقین منظور همان اپرت «رستاخیز سلاطین ایران» است.

پس از آن در غوغای بحران سیاسی جمهوری خواهی رضاخانی در ایران، میرزاده عشقی در صف مخالفین سردار سپه و جمهوری خواهان قرار گرفت و با انتشار اشعار نغز خود تلاش بسیاری را در مخالفت با جمهوری خواهی مبذول داشت. این تلاش‌ها خشم و غضب رضاخان سردار سپه (رئیس الوزرای وقت) را به همراه داشت. تا اینکه در تیر ماه ۱۳۰۳ به دستور رضاخان، میرزاده عشقی توسط دو تن از عوامل نظمیہ ترور شد.

اپرت پری چهر و پری زاد: روند هنرآفرینی هنرمندان ایرانی در صحنه اپرت، از سال ۱۳۰۰ به بعد رشد شتابانی پیدا کرد. اجرای اپرت پری چهر و پری زاد نوشته رضا کمال (شهرزاد) و با بازیگری هنرمندان ایرانی و ارمنی گام مهمی در این راستا به شمار می‌رود.^۲ اپرت مزبور که در نخستین اعلان (اعلان شماره ۴۵) از آن با عنوان «آپویه لریک یا درام تاریخی مخلوط با موزیک» یاد می‌شود «اثر فکر دقیق آقارضا کمال» بوده که «قسمت موزیکی پیس مزبور با نهایت دقت به اشتراک چند نفر موسیقیدان ماهر ترکیب شده است و به مساعدت بهترین و یا برترین اکتور و آکتریس‌های ارامنه به معرض نمایش گذارده می‌شود.» براساس مندرجات اعلان

۱- در اصل نقطه چین.

۲- برای آشنایی بیشتر با رضا کمال (شهرزاد) و اپرت پری چهر و پری زاد، ر. ک. گوران، هیوا،

همان، صص ۱۶۲ تا ۱۶۴.

مزبور «تقریباً» سی نفر از زن و مرد در این نمایش شرکت می‌کنند. رل بری‌چهر توسط آرتیست مشهور تحصیل کرده اروپا مادام آقابایوف و رل شاه توسط استاد ماهر مسیو طریان بازی می‌شود. ارکستر در تحت ریاست مسیو اقیاناک با بهترین طرزی اداره خواهد شد.

در اعلان بعدی (شماره ۴۶) مشخصات دقیق‌تری از قسمت‌های موسیقیایی اپرت مزبور ارائه می‌شود. اپرت «پری‌چهر و پری‌زاد» برای نخستین بار در آذر ماه ۱۳۰۰ (دسامبر ۱۹۲۱) در تهران بر صحنه رفت. این اجرا و همچنین اجرای بعدی آن در دی ماه ۱۳۰۰ (ژانویه ۱۹۲۲) (اعلان شماره ۴۷) با استقبال فراوان منتقدین روبرو شد. (اسناد شماره ۸ تا ۱۰) به همین مناسبت مقاله مفصلی از سعید نفیسی تحت عنوان «شعر و موسیقی (سند شماره ۱۱) در همان زمان منتشر شد که با این عبارت به پایان می‌رسد:

«در نمایش پری‌چهر و پری‌زاد شاعر و موسیقیدان و آکتورها یعنی به عبارت مختصره آرتیست‌های این تاتر که غیر از شعر و موسیقی چیزی نبوده این مهارت خارق‌العاده و مافوق قدرت را به ظهور رساندند. یعنی مترجم احساسات طبیعت که عامل زندگی و روح اجتماع است، واقع شدند و برای حضار چیزی را به زبان موسیقی و شعر که همه ما می‌فهمیم، ترجمه کردند که به هیچ زبان بر نمی‌آید.»

در آبان سال ۱۳۰۱ و خرداد ۱۳۰۳ اپرت پری‌چهر و پری‌زاد مجدداً در سالن گراند هتل به اجرا درآمد. (اعلان‌های شماره ۴۸ و ۴۹) اجراهای مزبور نیز با استقبال منتقدین روبرو شد که نمونه‌ای از مقالات منتشره در این خصوص در ذیل سند شماره ۱۲ ارائه شده است.^۱

۱- برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد اپرت پری‌چهر و پری‌زاد و نیز زندگی‌نامه رضا کمال شهرزاد نک: پاکروان، مشعله، رضا کمال شهرزاد «فصلنامه تئاتر»، ش ۴.

اپرت الاهه

در نخستین روز پائیز سال ۱۳۰۱ اپرت «آلاهه» یا «خدای زن» ترجمه «فقیه دانشمند آقای مجتبی طباطبایی در سالن گراند هتل تهران» به روی صحنه رفت. در اعلامیه برگزاری اپرت مزبور (اعلان شماره ۵۰) اطلاع داده می‌شود که «قسمت موزیک اپرت» نیز از «آثار فقیه مزبور است». علیرغم کوتاه بودن اعلان مربوط به برگزاری اولین اجرای اپرت الاهه، در خلال مقاله رشید یاسمی که در همین ارتباط چاپ شد (سند شماره ۱۳) اطلاعات زیادی از نحوه اجرای اپرت وجود دارد. به عقیده یاسمی «این نمایش چندان مفصل دارای آنتریک‌ها و دسیسه‌های حیرت‌انگیز نبود. ولی زیبایی صحنه و موزیک ساده، مطلب را جبران می‌کرد. عشق ساده و اصلی که سزاوار ملکه بود، عشقی که مخلوط به شعر و موسیقی و شوق ظهور کرده و با ناکامی و بیم و اندوه ادامه یافته و بالاخره با حدت و خودکشی به اتمام رسید و جز دسته‌گلی از آثار خود چیزی باقی نگذارد. مادام آقابایوف این را بازی می‌کرد و آواز صاف و روشن ایشان هر نوع ابهامی که در مکالمه دختران دیگر بود را رفع می‌کرد. و در حقیقت توضیح می‌داد که در اطراف او چه می‌گذرد.»

رشید یاسمی در وصف مصنف اپرت الاهه بیان می‌دارد: «همین که ترکیب‌کننده آن مرحوم آقا مجتبی طباطبایی توانسته است از عهده برآید، بسیار شایان تقدیر است. اگر آقامیرزا سعیدخان نفیسی در ابتدای پرده دوم شرح حال و فضایل آن جوان ناکام را با مهارت و فصاحت مخصوص خودشان بیان نکرده بودند حق بود که این مقاله صرف شمردن فضایل آن فقیه شود.»

ولی چند ماه بعد در هنگام دومین اجرای «اپرت عالی اروپایی یا نمایش باشکوه آلاهه» تغییراتی در آن داده شده بود. در این اجرا اپرت به عنوان «تصنیف آرتیست شهیر مادام آقابایف (پری)، و ترجمه فقیه دانشمند مرحوم طباطبایی «ذکر شده که» با تغییرات و تکمیلاتی که در اصل بیس و آهنگ‌های آن داده شده با بهترین طرزی،

زبان فارسی
در لیله جمعه ۳ جمادی الثانی
در سالون کراوند هتل
◀ اپرات و اپرت ▶

اصلی و کرم و جوان پنجاه ساله

که بنا بود در ایله دو شنبه ۲۸ ربیع الثانی داده شود در ایله جمعه ۳ جمادی
اول بدون هیچ تاخیر و مسامحه داده خواهد شد بفتابید برای خرید يك بلیط
دیدن دو نمایش

قیمت از ۳۰ قران الی ۳ قران

بلیط ها در محل های ذیل قبلا بفروش میرسد لاله وار مغازه برادران کرپالاف -
مغازه انکیس - مغازه - ایقه - مغازه فاروس - شرکت اروپا - شب نمایش از ساعت ۸
بعد از ظهر در کیشه فائز کراوند هتل شروع نمایش ساعت ۱۲ نصف شب تمام خواهد شد

مطبعه «فاروس» طهران

توسط ماهرترین آکتر و آکتريس‌های ایرانی و ارمني به معرض نمايش درمی‌آید.» (اعلان شماره ۵۱). در سالهای بعد، اپرت الهه چند بار ديگر بر صحنه رفت (اعلان‌های شماره ۵۲ تا ۵۷) به نحوی که در اعلامیه‌ای که به مناسبت اجرای آن در بهمن ماه ۱۳۰۸ منتشر شد، آمده است: اپرت الهه «برای بیست و پنجمین بار در تهران بر روی صحنه آمد. (اعلان شماره ۵۸) در مقاله‌ای که به همین مناسبت چاپ شد (سند شماره ۱۴) بار ديگر هنرنمایی مادام پری آقابایوف مورد توجه قرار گرفته و نوشته می‌شود: «اگر دفعات قبل هم با این خوبی بازی می‌کرد که راستی مردم حق داشتند هر کدام چند بار برای تماشای الهه حاضر شوند.»

ديگر تلاش‌ها

در طی سالهای مورد بحث، اپرت‌های ديگری نیز با مشارکت و همکاری هنرمندان ایرانی و خارجی اجرا شد که مروری مختصر بر آنها، ما را با ابعاد حضور هنرمندان ایرانی در این عرصه آشنا تر می‌سازد.

در تیرماه ۱۳۰۰ (ژوئن ۱۹۲۱) اپرت «میرزا مراد در چهار پرده» روی صحنه فت. این اپرت «اثر فکر یک جوان ایرانی» بود. (اعلان شماره ۵۹) اجراهای ديگر از اپرت مزبور در شهریور ماه ۱۳۰۰ و تیرماه ۱۳۰۱ برگزار شد. در اعلان‌های مربوط به آنها (شماره‌های ۶۰ و ۶۱) اطلاعات بیشتری در مورد چگونگی اجرای اپرت میرزا مراد وجود دارد. در اجرای شهریور ماه ۱۳۰۰ «رقص‌هایی توسط سوری خانم با رنگ‌های جدید چهارگاه و بیات اصفهان» برگزار شد، و در تیر ۱۳۰۱ رقص سوری خانم با همراهی ارکستری بود که «تحت ریاست مسیو و اقیاک اداره می‌شد.» در آن شب «آماتورهای ایرانی و آکتريس‌های ارامنه» اجرای اپرت «میرزا مراد» را به عهده داشتند.

در خردادماه ۱۳۰۰ گروه هنری «غلام‌رضا شریف‌زاده به اشتراک متجاوز از

شصت نفر از بهترین آکترها و آکتویس‌های ماهر قفقازی و ایرانی «اپرت کاوه آهنگر را» که نیروی آهنگین روح مقاومت ایرانیان باستان بود» بر روی صحنه برد. (اعلان شماره ۶۲) در این اپرت «رقص‌ها و اجرای مراسم آئین جم با البسه فاخر قدیم به طرزى که تاکنون در صحنه‌های تاترهای تهران نظیر نداشته به معرض نمایش گذاشته و سرودها و رقص‌ها با نواهای فرح‌بخش شرقی مجری خواهد شد. برای این نمایش رخت‌های مخصوص مطابق تصاویر تاریخی تهیه و تدارک شده است.»

اپرت کاوه آهنگر یک بار دیگر در فروردین ماه سال ۱۳۰۱ توسط گروه هنری «شریف‌زاده» و به مدیر مسئولی «جهانگیر - مصور رحمانی» بر روی صحنه رفت (اعلان شماره ۶۳) قبل از آن در مرداد ۱۳۰۰ گروه هنری «شریف‌زاده و هیأت آکترال اپرای آذربایجان» اپرت «لیلی و مجنون را در سالن گراند هتل تهران» به اجرا درآورده بودند. (اعلان شماره ۶۴).

یکی دیگر از نمونه‌های جالب همکاری هنرمندان ایرانی و خارجی، فعالیت گروه هنری سلطنتی ترکستان «ر. آرش» است. این گروه نخستین بار در بهمن ماه ۱۳۰۰ اپرت «یک زن و دو شوهر» را در تهران بر صحنه برد. متن اپرت تألیف عزیز بیک اپرانویس قفقازی و ترجمه آقای جاهد بود. (اعلان شماره ۶۴) چند ماه بعد در خردادماه ۱۳۰۱ گروه هنری مذکور «به منفعت مریض‌خانه بلدی» اپرت‌های «مقایسه اوضاع صحی امروز با دیروز در یک پرده» و «حیله عشاق یا اراده عشق در سه پرده» را بر روی صحنه برد. (اعلان شماره ۶۶) اشعار اپرت‌های فوق از «افکار آقای جاهد و ارکستر آن توسط رضاخان مترنم» بود.

علاوه بر موارد فوق نمونه‌های پراکنده دیگری نیز از اجرای مشترک اپرت توسط هنرمندان ایرانی و خارجی در سالهای ۱۳۰۲ - ۱۳۰۰ وجود دارد که اعلان‌های شماره ۶۷ تا ۷۰ مشخصات دقیقتری را از آنها ارائه می‌دهند. همان گونه که مشاهده می‌شود هنرمند اصلی تقریباً تمامی اپرت‌های مذکور مادام پری آقابایوف است. در سالهای مورد بحث، یکی از مهمترین هنرنمایی‌های او، اجرای نقش اول اپرای

کارمن در آذرماه ۱۳۰۲ در تهران بود. در مقاله‌ای که به همین مناسبت نوشته شد (سند شماره ۱۵) آمده است:

«در موقع مقرر نمایش شروع و پرده اول عبارت از یک قسمت کنسرت اروپایی بود که به واسطه انتخاب قسمت‌های موسیقی اروپایی که کاملاً به مذاق ما آشنا بود، دلنشین واقع شد. مخصوصاً خانم محترم آقا بایوف تنها خواننده ماهر ما، همان‌طور که سابقاً آوازهای ایرانی ایشان مرا فریفته نموده بود، در قسمت نغمات اروپایی بیش از پیش مجذوب و مقنوم ساخت. بالاخره یقین کردم که خانم مشارالیه با (تالانت) بزرگی که دارند به زودی موفقیت مهمی را در بین آرتیست‌های دنیا احراز خواهند نمود.»^۱

جامعه باربد^۲

در سالهای مورد بحث این مقاله، چند گروه هنری دیگر نیز به اجرای اپرت پرداختند که مهمترین آنها جامعه باربد بود.

اپرت ^۱ عدالت شاه که در آبان ۱۳۰۷ در «تئاتر جدید البناى بلديه» به روی صحنه آمد کار جامعه باربد بود. (اعلان شماره ۷۱) اپرت عدالت شاه «یکی از بهترین پیس‌هایی» بود «که از اشعار و غزلیات شعرای نامی و مفاخر ایران از قبیل سعدی و حافظ و موسیقی خالص ایرانی به وسیله آرتیست‌های قابل، ترکیب [شده] و مبالغ

۱- در کتاب کوشش‌های نافرجام نوشته هیوا گوران، در مورد پری آقابایوف آمده است: «پری آقابایوف (آقابابیان) در بهار ۱۲۷۹ شمسی (۱۹۰۰) در تهران در یک خانواده ارمنی به دنیا آمد. او برای تحصیل موسیقی و آواز به کنسرواتوار شارلنبرگ برلن رفت. در آغاز جنگ جهانی اول به مسکو رهسپار شد و سرانجام تحصیل خود در زمینه موسیقی، آواز و باله و تئاتر را در کنسرواتوار سلطنتی مسکو، رم و فرانسه ادامه داد. سپس به ایران آمد و در جمعیت‌های ارامنه خوانندگی کرد. در ادامه به تئاتر روی آورد و همکاری با شهرزاد (رضا کمال) را آغاز کرد.»

ر.ک. گوران، هیوا، همان، ص ۱۲۰.

۲- برای آشنایی بیشتر با جامعه باربد، ر.ک. گوران، هیوا، همان، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

هنگفتی برای تهیه لباس‌های فاخر و تزئینات دیگر به مصرف نمایش گذارده خواهد شد.»

چند ماه بعد اپرت «خسرو، شیرین و فرهاد» توسط جامعه بارید روی صحنه رفت. این اپرت قبل از آن در اردیبهشت ۱۳۰۶ نیز یک بار دیگر در تهران اجرا شده بود (اعلان شماره ۷۲) که احتمالاً آن نیز به مدیریت جامعه بارید بود. به هر روی در بهمن ۱۳۰۷ اپرت مزبور از «سوی جامعه بارید در سالن زردشتیان به معرض نمایش گذارده شد.» در مقاله اسمعیل دهلوی که در ارتباط با برگزاری اپرت مزبور به چاپ رسید جزئیات بیشتری از آن نمایان می‌شود. (سند شماره ۱۶)

نقش اول اپرت «خسرو، شیرین و فرهاد» را خانم «م. سیران ملکوتیان» به عهده داشت، ولی در اجرای دیگری از اپرت مزبور که باز هم توسط جامعه بارید و در اسفندماه ۱۳۰۹ در تهران برگزار شد. نقش اول به عهده «ملوک خانم ضرابی» بود. در ارتباط با نقش آفرینی ملوک ضرابی، در مقاله‌ای که به مناسبت اجرای اپرت به چاپ رسید (سند شماره ۱۷)، آمده است:

«ملوک خانم ضرابی رل شیرین را در عهده گرفته بود که البته نمی‌توان بهتر از این انتظار داشت زیرا اولین دفعه بود که یک رُل مهم داشت و نسبتاً خوب از عهده برآمد.» و در ادامه مقاله مذکور جزئیات دقیقتری از نحوه برگزاری اپرت ارائه می‌شود.

یکی دیگر از فعالیت‌های جامعه بارید، اجرای اپرت «لیلی و مجنون» در آذرماه ۱۳۰۹ بود. در آن سال اپرت مزبور دوبار به روی صحنه رفت. نخستین بار در اردیبهشت ماه بود که در ارتباط با آن، تفسیر شرح گونه‌ای در دسترس است که در ذیل سند شماره ۱۸ ارائه شده است. چند ماه پس از برگزاری نخستین اجرا، در آذرماه ۱۳۰۹ بار دیگر و این بار جامعه بارید اپرت «لیلی و مجنون» را به روی صحنه برد. علی صادقی منتقد هنری در نوشته‌ای به نقد و بررسی اجرای مذکور و مقایسه آن با

نخستین اجرای اپرت لیلی و مجنون در سال ۱۳۰۹ پرداخت.^۱ (سند شماره ۱۹)

مدرسه عالی موسیقی

یکی دیگر از گروه‌های هنری که در سال ۱۳۰۹ فعالیت خود را در زمینه اپرت آغاز کرد، هنرجویان مدرسه عالی موسیقی بود. هنرجویان مذکور در دی‌ماه ۱۳۰۹ اپرت گلرخ را بر صحنه بردند. (اعلان شماره ۷۳) بازیگران این اپرت، به گفته ناقدی که در حین برگزاری آن، حضور داشت «آماتورهای مدرسه عالی موسیقی بودند» که اغلب «بازی‌های قابل انتقادی از خود به نمایش گذاردند.» (سند شماره ۲۰)

همزمان با اجرای اپرت توسط گروه‌های فوق‌الذکر، اجراهای دیگری نیز توسط گروه‌های دیگر انجام می‌گرفت. در اول بهمن سال ۱۳۰۶ اپرت «مهر و وفا» در تهران بر روی صحنه رفت (اعلان شماره ۷۴) متصدیان برگزاری اپرت مزبور جهت جذب تماشاگر، مسابقه‌ای را نیز تدارک دیدند. این مسابقه «کشف سیر عظیم» بود که در اپرت عالی مهر و وفا» وجود داشت به کاشفین جوایز داده می‌شد.

در اواخر سال ۱۳۰۹ و همزمان با برگزاری اپرت گلرخ توسط هنرجویان مدرسه عالی موسیقی، یک گروه هنری ارمنی اپرت «شکار لالوار» را در سالن زردشتیان تهران به مورد اجرا گذاشتند. این اپرت به زبان ارمنی اجرا شد و در آن مناظر طبیعی، آداب و رسوم دهقانی» توسط سی نفر هنرمند با استفاده از «موزیک، آواز و رقص» به نمایش گذاشته شد. (اعلان شماره ۷۴) همانند دیگر اپرت‌ها، طبق یک رسم

۱- هویان در مقاله تئاتر ارمنیان در تهران بیان می‌دارد که در دسامبر ۱۹۲۸ (آذرماه ۱۳۰۷) آشوت آروستامیان به اتفاق همسرش آروسباگ و گغام استپانیان و هامو استپانیان، به تهران آمد و تا اوایل سال ۱۹۳۰ (حدود سال ۱۳۰۹) نمایشنامه‌های بل بوقی» و... «لیلی و مجنون» را به صحنه آورد. ر.ک. هویان، آندرانیک «تئاتر ارمنیان در تهران» فصل‌نامه تئاتر، دوره جدید، ش ۴ و ۵، ص

پسندیده، پس از برگزاری اپرت «شکار لالوار» نیز منتقدین به بررسی ابعاد آن پرداختند که مفاد آن در ذیل سند شماره ۲۱ ارائه شده است.



این چنین سازندگان و اجراکنندگان نخستین اپرت‌ها در ایران نیز همانند دیگر هنرهای مدرن (سینما، تیاتر) آرامنه و گروههای قفقازی بودند که محیط تسامح‌آمیز ایران دهه ۱۲۹۰ شمسی را جهت فعالیت خود مناسب تشخیص دادند. از سال ۱۲۹۵ تا مدتی، اپرت در ایران منحصراً توسط گروههای هنری آرامنه که از قفقاز به ایران سفر می‌کردند، اجرا می‌شد. و همانگونه که اسناد و اعلان‌ها نشان می‌دهد تمامی اپرت‌های مزبور ساخت هنرمندان قفقازی و بالاخص حاجی بگف است. لیکن تنها چهارسال زمان لازم بود تا هنرمندان ایرانی خیزش خود در عرصه اپرا را آغاز نمایند. از سال ۱۲۹۹ به لطف نامدارانی چون «میرزاده عشقی»، «رضا کمال (شهرزاد)» و «پری آقابایوف» اندک اندک عرصه اپرا نیز محلی برای هنرنمایی هنرمند ایرانی شد. البته بدیهی است نمی‌توان و نباید انتظار داشت که محصول هنری آنان قابل قیاس با اپراهای اروپایی و حتی اپرت‌هایی که توسط هنرمندان قفقازی نوشته و اجرا می‌شد، باشد.

هنگامی که میرزاده عشقی نخستین تلاش را برای ساخت اپرت و یا به قول خودش «نمایش آهنگین» به کار بست، از ورود اپرت به ایران تنها پنج سال می‌گذشت. آیا با توجه به چنین سابقه‌ای و نیز با توجه به محیط اجتماعی و فرهنگی آن روز ایران، می‌توان انتظار داشت که این «نمایش آهنگین» منطبق با اصول علمی و قابل مقایسه با اپرت‌های مشهور اروپایی و حتی قفقازی باشد؟ خصوصاً که هنرمندان ایرانی به اشکال مختلف تحت تأثیر اوضاع سیاسی آن روز ایران قرار داشتند. مرحوم میرزاده عشقی هنرمندی که از سر ناسازگاری روزگار، سیاست را پیشه خود ساخت و در انتها قربانی آن شد، و یا مرحوم رضا کمال (شهرزاد) که از

سیاست و جور روزگار به تنگ آمده و خود را از دنیا راحت کرد. بدون تردید هر یک از آنها اگر در یک محیط هنری (نظیر آنچه که در یک قصبه اروپایی وجود داشت) متولد شده و زندگی می‌کردند، یقیناً آثار گرانبهای هنری به جامعه بشریت ارائه می‌کردند. افسوس که هر یک در عنفوان جوانی رفتند و جامعه ایران را از فیض وجود خود محروم ساختند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(اعلان شماره ۱)

اعلان نمایش

در ليله چهارشنبه ۱۰ رجب در سالن گراند هتل

نمایش آرشین مال آلان

اپرت به زبان ترکی با ساز و موزیک مخصوص به خود در چهارده پرده تالیف غدیر بیک حاجی بیک اف از طرف آکتورها یی که به تازگی از روسیه آمده‌اند. مسیو آبویان و مادام کناریک و غیره داده خواهد شد. این اپرت عالی در روسیه در هر فصل دویست مرتبه بیشتر بازی شده است. در پرده سیم مادام کناریک می‌خواند و رقص می‌کند. (من عاشق شدم)

قیمت بلیط‌ها

لژ بالا (۴ نفری) ۵ تومان، لژ پائین (۴ نفری) ۱۰ تومان، درجه اول ۲۵ قران، درجه دوم ۲۰ قران، درجه سوم ۱۲ قران، درجه چهارم ۶ قران، ایستاده ۳ قران.

محل فروش

در مطبعه (فاروس) و (گراند هتل)^۱

(اعلان شماره ۲)

نمایش آرشین مال آلان

با کمال تأسف خاطر آقایان محترم را مستحضر می‌دارد نمایش آرشین مال آلان را که قرار بود در ليله چهارشنبه گذشته باشد اینک به ليله یکشنبه ۱۴ شهر جاری موکول گردید، محل فروش عصرها درب گراند هتل. بلیط‌های گذشته در ليله یکشنبه قبول و پذیرفته است.

آرتیست آبویان^۲

۱- روزنامه ایران، ش ۶۸، ۵ رجب ۱۳۳۵ قمری، ص ۴.

۲- همان، ش ۷۰، ۱۰ رجب ۱۳۳۵ قمری، ص ۴.

(اعلان شماره ۳)

آرشین مال آلان

برای سومین دفعه آکتر و آکتریسها در ليله یکشنبه ۲۸ رجب در سالن گراندهتل نمایش آرشین مال آلان را خواهند داد. چون آخرین دفعه است عجله فرمائید که این اپرت عالی مشرق زمینی را ندیده نگذارید. چرا که ندیده پشیمان [می شود] باور نمی کنید از دیده سؤال نمائید.

محل فروش بلیطمغازه شیک، گراندهتل.^۱

(اعلان شماره ۴)

نمایش اپرت**آدم و حوا - و پورتسیمان**

توسط آکترها و آکتریس های آرامنه در ليله دوشنبه بیستم شعبان در سالن گراندهتل داده خواهد شد. اقسام تماشاها و آوازهای ندیدنی را خواهید دید. هر کس (آرشین مال آلان) را دیده مهارت این آکترها و آکتریس ها را می داند، تابستان شد دیگر وقت نیست.

محل فروش بلیط: گراندهتل.^۲

(اعلان شماره ۵)

اعلان و اطلاع**به عموم آقایان محترم**

که آرتیست آبیوان پس از مسافرت از تفلیس به تازگی با یک دسته آکتر و آکتریس به گراندهتل

۱- همان، ش ۷۶، ۲۴ رجب ۱۳۳۵ قمری، ص ۳.

۲- همان، ش ۸۶، ۱۷ شعبان ۱۳۳۵ قمری، ص ۴.

هتل خیابان لاله‌زار ورود نموده و برای تمام زمستان هفته‌ای دو شب در سالن گراند هتل نمایش‌های اپرت ذیل را یک شب به زبان ترکی و یک شب به زبان ارمنی خواهد داد. (گج السون شیرین السون) (عاشق غریب) (اصلی کرم) (آرشین مالالان) (اولماسون بوالسون) آقایانی که بلیط اپرت‌های فوق را یک مرتبه خریداری نمایند صدی ده تخفیف داده می‌شود. این پیس‌ها متعلق به اول مصنفین ترک و قفقاز است و به توسط دوازده نفر آکتر، چهار خانم و هشت مرد با ساز و رقص بسیار عالی بازی می‌شود.

نمایش اول لیلہ پنج‌شنبه ۱۹ شهر جاری [ربیع‌الاول برابر ۱۳ جدی] ساعت هشت و نیم قرنگی داده خواهد شد.

اپرت کج السون شیرین السون. به زبان ارمنی

در فواصل برنامه‌ها موزیک قزاق‌خانه است. خود اپرت با ارکس (ارکستر) با پیانوی آقای نصرالله خان نصرالسلطان رئیس کل موزیک قزاق‌خانه بوده، مسلماً هر کس اپرت آرشین مالالان را دیده است، عجله خواهد نمود.

قیمت درجات از دو تومان الی دو قران است. محل فروش بلیط فقط در گراند هتل^۱

(اعلان شماره ۶)

آرشین مالالان

به زبان ارمنی با ساز و رقص، لیلہ دوشنبه ۲۳ ربیع‌الاول [جدی] بعدازظهر در سالن گراند هتل توسط آرتیست آباویان با سایر آکتر و آکتریست‌ها داده می‌شود. قیمت بلیط از دو تومان الی دو قران است.^۲

۱- جریده رعد، ش ۳۱، ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ قمری، ص ۴.

۲- همان، ش ۳۳، ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ قمری، ص ۴.

بمنفعت جویده قانون

نمایش با شکره

پریچهر و پرزاد

آب‌په لیریک (یا درام تاریخی غناوط با موزیک)

زبان فارسی

در پنج پرده

اثر فکر دقیق آقای رضاخان کمال

در ایله سه‌شنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۴۰

قسمت موزیکی پس مزبور با نهایت دقت با اشتراك چند نفر موثق دان ماهر ترکیب شده است و به ساعدت بهترین و مادرترین آکتور و آکتریسمهای ارامنه به عرض نمایش گذارده میشود و تقریباً سی نفر از زن و مرد در این نمایش شرکت می کنند .

رل پرچهر توسط آرتیست مشهور تحصیل کرده اروپا مادام آقا بابوف

ورل شاه توسط استاد ماهر مایو ماریان بازی میشود

ارگست در تحت ریاست مسیو واقیناک با بهترین طرزی اداره خواهد شد

محل فروش بلیط

عجاتا خیابان تصریه اداره روزنامه قانون اداره جریده شریفه ایران

اداره جریده شریفه اتحاد

(اعلان شماره ۷)

گنج السون، شیرین السون

اپرت در سه پرده به زبان ارمنی در گراند هتل پنج‌شنبه سیم [ربیع‌الثانی برابر ۲۶ جدی] ساعت هشت و نیم توسط آرتیست ابویان و سایر آکتوریس‌ها بازی خواهد شد. قیمت بلیط از دو تومان الی دو قران است.^۱

(اعلان شماره ۸)

اوالماسون بوالسون

خیلی دیدنی است

اپرت در سه پرده به زبان ارمنی با ساز و رقص توسط آرتیست ابویان و سایر آکتوریس‌ها در سالن گراند هتل در لیله چهارشنبه نهم شهر حال ساعت هشت و نیم فرنگی شروع خواهد شد. عروسی مشهدی عباد پیر با دختر ۱۴ ساله.

گراند هتل.^۲

(اعلان شماره ۹)

دیدنی است!!!
مطالعات فرنگی

اوالماسون بوالسون یا عروسی مشهدی عباد پیر

به زبان ترکی

اپرت در سه پرده از تصنیفات نمریر بیک حاجی بیک اف مصنف مشهور در منتها درجه قشنگی با ارکس و پیانوی آقای نصرالله خان رئیس موزیک قزاق‌خانه به توسط آکتور ابویان و مادام کناریک با آکتور و آکتوریس‌های دیگر با بهترین هوا و رقص‌های مشرق‌زمینی در لیله جمعه

۱- همان، ش ۴۱، س ۹، ۳۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ قمری، ص ۴.

۲- همان، ش ۴۷، س ۹، ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ قمری.

شهر جاری دو ساعت از شب گذشته در سالن گراند هتل داده خواهد شد.

به آقایان صاحب منصبان ارشد و درجه اول و دوم صد بیست تخفیف داده محل فروش بلیط اگر تمام نشده باشد، در گراند هتل است.^۱

(اعلان شماره ۱۰)

آرشین مال آلان

نظر به اینکه عده کثیری از ارباب ذوق و کمال با یک اشتیاق مفرط تقاضای تجدید و تکرار نمایش معروف (آرشین مال آلان) را می نمودند اینک برای دومین دفعه این نمایش و اوپرت عالی شب شنبه ۱۲ ربیع الثانی در گراند هتل باشکوه و رونق هر چه تمامتر و موزیک، اورکست عالیتر به معرض نمایش گذاشته خواهد شد. این دفعه یک ثلث از عایدات نمایش در تحت نظارت مجمع آذربایجانیان به توسط کمیسیون خیریه مرکزی برای دارالمساکین تخصیص داده می شود. قیمت بلیط از ۲۵ قران الی ۲ قران است.

محل فروش بلیط دروازه قزوین آخر خط واگون، مغازه محبت،
خیابان ناصریه، مغازه آذربایجان

و در خود گراند هتل^۲

(اعلان شماره ۱۱)

اولماسون، بوالسون

این یکی نشد، آن بشود

بنا به خواهش جمعی از آقایان با ذوق باز هم مشهدی عباد می خواهد توسط پول زیاد زن

اختیار کند.

۱- همان، ش ۵۳، س ۹، ربیع الثانی ۱۳۳۶ قمری، ص ۴.

۲- روزنامه ایران، ش ۱۶۳، ربیع الثانی ۱۳۳۶ قمری، ص ۲.

لیله شنبه ۲۶ شهر حال ساعت دو از شب رفته به زبان ترکی در سالن گراند هتل شروع خواهد شد. آقایان صاحب منصبان از لژ و درجه اول و دوم صد سی تخفیف دارند.^۱

(اعلان شماره ۱۲)

عاشق غریب یا رویای صادق

(خوشبختی پس از بدبختی هفت ساله)

اپرت در پنج پرده به زبان ارمنی از بهترین بیس‌ها که تا امروز داده نشده است توسط آرتیست ابویان و دسته خود با ارکستر* و نواهای خوب و رقص بسیار عالی در لیله دوشنبه ششم ج ۱ [جمادی الاول] دو ساعت و نیم از شب گذشته در سالن گراند هتل داده خواهد شد. آقایان صاحب منصبان از لژ و درجه اول و درجه دوم صد سی تخفیف دارند. فروش بلیط فقط در گراند هتل است.^۲

(اعلان شماره ۱۳)

اعلان

در سالن گراند هتل به توسط آرتیست ابویان، مادام کناریک، مادمازل لوسی، و آرتیست‌های دیگر امشب که دوشنبه ۲۷ جمادی الاولی است اول دفعه در تهران نمایش داده می‌شود.

به زبان ترکی گج السن شیرین السن

بلیط‌ها در دفتر گراند هتل به فروش می‌رسد.

۱- روزنامه رعد، ش ۶۳، س ۹، ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ قمری، ص ۴.

*- در اصل ارکست.

۲- همان، ش ۶۹، س ۹، ۳ جمادی الاول ۱۳۳۶ قمری، ص ۴.

عایدی این نمایش بعد از وضع مخارج به فقرای تهران داده می‌شود. قیمت بلیط از سه تومان الی دو قران.^۱

(اعلان شماره ۱۴)

نمایش عالی در سالون گراند هتل

در ليله چهارشنبه ۷ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۶. به منفعت فقراء بعد از وضع مخارج. به زبان ترکی اوالماسون بواولسون (این نباشد آن باشد) یا مشهدی عباد در سه پرده. بیائید، بخندید، حظ کنید.

چون به منفعت فقراء است تعجیل کنید برای خریدن بلیط که تمام می‌شود. محل فروش بلیط در دفتر گراند هتل.^۲

(اعلان شماره ۱۵)

اعلان

در ليله یکشنبه دهم شهر ربیع الاول ۱۳۳۷ در سالن گراند هتل از طرف آرتیست‌های معروف روسی دومین تیاتر (اپرا)^۳ به موقع نمایش گذارده خواهد شد. شروع نمایش ساعت ۸ بعدازظهر و اتمامش ساعت ده و نیم است.

قیمت بلیط از دو قران الی چهار تومان خواهد بود.

بلیطها در دفتر تیاتر گراند هتل از ساعت ده‌ونیم تا ظهر و چهارونیم الی هفت بعدازظهر فروخته خواهد شد.

۱- همان، ش ۸۷، س ۹، ۲۶ جمادی الاول ۱۳۳۶ قمری، ص ۴.

۲- ایران، ش ۱۸۷، دوشنبه ۵ جمادی الثانی ۱۳۳۶، ص ۴.

۳- در اصل: اوپرا.

تفضیل در اعلان‌های مخصوص است.^۱

(اعلان شماره ۱۶)

برای خداحافظی از ایران در سالن گراند هتل

دفعه آخر

در لیلۀ دوشنبه ۲۸ جمادی الثانی، هفت ساعت بعد از ظهر به زبان فارسی به استثنای بعضی از سن‌ها که به زبان ارمنی است.

آرشیین مال آلان

اپرت در چهار پرده در تحت نظر مسیو ارمنیان و به توسط آرتیست مادام دوریان، ارمنیان، در پرده سوم مادام دوریان، ارمنیان می‌خواند و رقص می‌کند. عاشق شدم. ارکستر تمامی و آواز جدید است.

قیمت بلیط از ۳ الی ۱۰۰ قران

محل فروش بلیط مطبعه تهران و در شب نمایش در صندوق تاتر^۲

(اعلان شماره ۱۷)

اپرای مشرق زمینی

دفعه دوم در تهران، نمایش باشکوه اپرای مشرق زمینی

به توسط آرتیست معروف «آرمن آرمنیان» و اشتراک مادام «درویان ارمنیان» و مسیو «اوانسیان» و آما توره‌های تهران با کُر از دو نوع موزیک اروپایی و ساندراهای قفقازی که مدتها در انتظار آن بودیم.

۱- همان، ش ۳۴۵، ۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۷، ص ۱.

۲- روزنامه رعد، ش ۳، س ۱۰، ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۳۷ قمری، ص ۴.

اصلی و کرم

درام مخلوط و در پنج تابلو.

که مسیو «آرمن ارمنیان» از حکایت معروف مشرق زمینی تشکیل داده است. با رقص‌ها و آوازهای اشتراکی و تنهایی.

در پرده دوم مادام «دوریان ارمنیان» رقص معروف «چرم» به جا می‌آورد.
سوختن عاشق و معشوق در آتش شهوت.

تعلیم و رسیدگی به موزیک به توسط خود مسیو «ارمنیان»

قیمت بلیط‌ها: از چهل قران الی پنج قران. لژیست تومان.

بلیطها قبلاً فروخته می‌شود در مغازه سلیقه خیابان لاله‌زار و در شب نمایش درب دخول نمایش‌های اعلان شده مسیو ارمنیان را نباید اشتباه کرد با نمایش‌های سایرین.

در سالن گراند هتل ليله دوشنبه ۱۱ ربیع الاول ۱۳۳۹ در ساعت هشت و نیم بعد از ظهر شروع می‌شود.^۱

(سند شماره ۱)

اپرا به مناسبت نمایش اخیر

این صنعت صعب با دو شعبه مهم از «صنایع مستظرفه» مربوط است. اول ادبیات، دوم موسیقی. باید اعتراف کرد که ما تا این سنوات اخیر حتی نمونه‌ای از این هنر را هم ندیده بودیم. و در این اواخر هر چند مشاهده کردیم تکه‌هایی است که از همسایه‌ها به خانه ما سرایت کرده است. این را نمی‌شود منکر شد که هنوز در مملکت ما ادبای مقتدری هستند که آشنای موسیقی هم می‌باشند و اگر هم‌تی بگذارند و اوقاتی در تدقیق و تحقیق تیاتر و انواع آن صرف کنند، ممکن است که در

ظرف اندک مدتی ما را استعاره و اقتباس متاع همسایه مستغنی بدارند. بدبختانه آنچه نیست همان همت است که ما را به همه چیز محتاج می‌دارد. ولو «تماشاچی» هم باشد.

نمایش اپرایی به عنوان «اصلی و کرم» اخیراً اعلان شده بود. چون این صنعت را خود ما نداریم و از آنجا که انسان طبعاً دشمن فضایی است که در خود سراغ ندارد، با یک حس مخالفت و با یک فکر تنقید در محل نمایش حاضر شدم و تمام هوش خود را به محاسن و معایب این نمایش دادم. ولی از انصاف نباید گذشت. نظریه فقدان وسایلی که در ایران و حتی در تهران ما موجود است، چندان خرده نتوانستم بگیرم و اعتراض زیادی هم ندارم.

موضوع این اپرا از افسانه‌ای مأخوذ است که در آذربایجان و تفقاز مشهور و به مناسبت اینکه هروتین (یعنی عروس و قعه) یک دختر ارمنی است، در ارمنستان هم معروف است.

خلاصه حکایت عبارت از این است که پسر شاه عباس (کرم) و دختر کشیش اصفهان (اصلی) یکدیگر را در عالم رویا دیده و عاشق همدیگر می‌شوند و تصادف عالم حقیقت معاشقه‌شان را تأیید می‌کند. مخالفت مذهب از وصال آنها مانع نمی‌شود. فداکاری می‌نمایند. جانبازی می‌کنند. و فقط مرگ ایشان را در آغوش هم می‌اندازد.

این اپرا از طرف آقای ارمنیان به موقع نمایش گذارده شد. ارمنیان فن ارکستری را در پاریس تحصیل و اکمل نمونه و مخصوصاً در این نمایش عادات و اخلاق شرقی را بیش از هر مستفرنگی - که در اروپا تحصیل کرده باشد - منظور داشته بود.

گریم آنها خیلی مناسب و فقط شاه عباس را با کلاه بلند و قدیم تصویر کرده بودند. نه، این خطایی فاحش بود و اقلاً در این خصوص بایستی به تصاویر تاریخ «سرجان ملک» رجوع نمایند. ارکستر تقریباً شرقی و نزدیک به آوازه‌هایی بود که

چنوری‌ها در نقل خود «اصلی و کرم» می‌زنند.

از آکترها، مادام «بایایف» که رل اصلی را برداشته بود از عهده وظایف خود به خوبی برآمد. او انسیان که رل «کرم» را برداشته بود [یک کلمه ناخوانا] اینکه او از مناسب با اپرا نداشت و بلکه ژست‌های خود را هم نمی‌توانست ایفا کند و از این رو سبب می‌شد که هروتین هم نتواند استعداد خود را کاملاً جلوه دهد.

بالی که از طرف مادام ارمنیان داده شد واقعا "جالب دقت بود. کسانی که رل درویش و کشیش را برداشته بودند از عهده وظایف خود به خوبی درآمدند. افسوس که دکوراسیون یعنی آردیش صحنه، مطابق ترتیبات دیگر نمایش نبود. و نواقص آن بیشتر به نظر می‌زد.

با وجود این همه، نمایش از اول تا آخر مورد تحسین تماشاچیان واقع گردید. ما امیدواریم همین اپرا که در روز یکشنبه ۱۷ ربیع الاول در همان تیاتر با زبان فارسی داده خواهد شد، با دقت و اهتمام بیش از اینها به معرض نمایش گذارده شود.^۱

(سند شماره ۲)

مکتوب

امضاءکنندگان ذیل به وسیله آن جریده محترمه تشکرات خود را به مسیو ارمنیان مصنف تئاتر و ترکیب‌کننده موزیک‌های شرقی تقدیم می‌دارند. از این که در پیس اخیر خود، اصلی و کرم، اقتباسات به موقعی از اشعار و مضامین شعرای بزرگ ایران کرده و بدین طریق نام پیشوایان ادبیات ما را در عالم موسیقی نیز احیا نموده است، بی‌اندازه مسرور خواهیم شد، اگر مشارالیه به تألیف پیس‌های جدید و اپراهای تازه نپرداخته* و فعلا" همان نمایش اصلی و کرم را با تکمیل مختصر

۱- همان، ش ۷۸۷، ربیع‌الاول ۱۳۳۹ قمری، ص ۲.

*- در اصل پرداخته.

نواقص آن تکرار نمایند.

به امضای قریب سی نفر از معاریف

به اعتقاد ما بهتر این است که ترجمه فارسی این اثر از ادبای متخصص گذشته و به جای آنچه از آثار قدما اقتباس شده، همان تکه‌های اصلی اثر به زبان ادبی، موافق قوانین نظم و مطابق قواعد موسیقی اصلاح شود، تا اینکه جریان وقعه از موضوع خود خارج نگردد و زحمات مسیو ارمنیان که واقعا شایان تقدیر است بیشتر جالب نظر و مظهر توجه واقع شود.

ایران^۱

(سند شماره ۳)

در اطراف نمایش [اپرا] «اصلی و کرم»

«اصلی و کرم» چند شب قبل به منفعت جریده ستاره ایران به نمایش گذاشته شد. این پیس گویا دفعه اول نیست که در تهران داده شده و ظاهرا در نمایش‌های عدیده‌ای که در قفقاز از آن داده‌اند خیلی مورد توجه واقع گشته است و این مسئله بیشتر مرا متعجب می‌کند، چه نمایش مزبور قبل از هر چیز نظر نقاد نوسنده را جلب می‌کند و ناظر هر قدر آسان‌پسند باشد باز نمی‌تواند از انتقاد خودداری نماید قبل از اینکه وارد در انتقاد از منشی و بازیگرهای این نمایش بشوم لازم است مخصوصاً الحان موسیقی آن را تمجید کنم. یا من در موسیقی آنقدر ذوق ندارم و یا اینکه الحان نمایش مزبور جاذب بود، در هر صورت مرا جلب کرد و من هم تنها نبودم و همسایه‌های خود را آن شب می‌دیدم که همه مجذوب و مفتون الحان دل‌انگیز آن شده بودند. مخصوصاً توام ساختن سازهای ایرانی (تار و کمانچه) با

سازهای اروپایی (ویلن و پیانو) ارکستر خیلی مطبوع و دلنشینی تشکیل داده بود و من فقط آن شب متوجه حسن قریحه این موسیقی دان شدم و تعجب کردم چه شده است که دیگران تا به حال به این خیال نیفتاده‌اند. ولی این نکته را نیز در ضمن نباید نهفته گذاشت که چون این اپرت از قرار معلوم قدیمی‌ترین اپرت شرق متوسط است می‌توان پی‌برد الحان موسیقی و شاید تیاترهای موزون که در این مدت چه در ایران و چه در قفقاز ساخته شده است، از بین برداشته شده، چه اغلب شباهت بین الحان «اصلی و کرم» و اوزان سایر اپرت‌ها محسوس می‌شد. اما در اصل پیس مجبورم انتقادات خود را دو قسمت کنم:

یکی انتقادات وارد بر نویسنده. نویسنده «اصلی و کرم» بی‌وقوفی خود را دو جا به کلی وانمود کرد: اولاً در جایی که کرم پادشاه‌زاده ایرانی، به قول نویسنده پسر ولیعهد شاه عباس صفوی، در صورتی که تاریخ چنین پسری و چنین جانشینی برای این شاهنشاه نشان نمی‌دهد، در اصفهان و در خواب عاشق اصلی دختر کشیش ارمنی شده و کشیش هم برای فرار از عشق پادشاه‌زاده و از اینکه دختر خود را به همسری او ندهد به حلب فرار کرده و از اصفهان پیاده [چند کلمه ناخوانا] هیچ [چند کلمه ناخوانا] که صوفی نام [چند کلمه ناخوانا] خارج شده در راهی که به سوی حلب می‌رفت، به درویش مصادف گشت و درویش ایشان را وادار کرد که دیدگان خود را به هم نهند و سپس وردی خوانده و یک مرتبه صحنه سن از حوالی اصفهان به حلب رفته و ایشان خود را در حلب دیدند.

ثانیاً: در آخر پیس که بالاخره کرم به معاضدت پاشای حلب به وصال اصلی رسید و او را بوسید و از اثر بوسه آتش در اندرون او تولید شده و فوراً به شکلی که عدم مهارت اداره‌کنندگان تیاتر را مشهود می‌ساخت او را محترق ساخت.

این دو ایراد مهم هر دوناشی از این مسئله است که تیاتر خاصه در قرن بیستم باید طبیعی و ظاهرکننده طبایع بشر باشد. یعنی چیزی در صحنه تیاتر اتفاق نیفتد که



«گروه نمایشی آرشین مالان»

وقوع آن در خارج و در حوزه زندگانی محال و یا معذور و حتی نادر باشد. نه فقط در تیاتر بلکه در شعر و رمان و غیر هم. در این صورت در قرنی که کسی به اعجاز درویش که سهل است به کرامات بالاتر از آن هم اعتقاد ندارد، یعنی چون اتفاق نیفتاده و کسی ندیده است پس معتقد نیست، درویش را روی صحنه تیاتر آوردن و در تحت تأثیر او دو نفر را در عرض چند دقیقه از اصفهان به حلب بردن دور از طبیعت است بنابراین تیاتر را خراب می‌کند و شبیه به افسانه‌های الف و لیل می‌شود. به همین جهت آتش گرفتن کسی از بوسه محبوب خود هم خارق عادت و هم محال است.

در اشعار مشرق زمین این معنی کرارا دیده می‌شود کسی از عشق یا بوسه بسوزد، نه تنها من، بلکه کسی را هم سراغ ندارم که با چنین واقعه مصادف شده باشد. (از) بعضی معایب دیگر هم [چند کلمه ناخوانا] خودداری می‌کنیم. یک فتره انتقاد دیگر صنعتی است که به بازیگران آن شب وارد می‌آید. بزرگترین ایراد این است که چون یک نفر از بازیگرها فارسی نمی‌دانست، مجبور بود اظهارات خود را به زبان اصلی پیس یعنی ترکی ایراد نماید. سایرین همه جواب او را به فارسی می‌دادند. حالا ببینید چه قدر مضحک می‌شده، کسی ترکی حرف بزند و همه او را به فارسی جواب گویند. مخصوصاً برای من و جمعی دیگر که ترکی نمی‌دانستیم مضحک‌تر بود. سؤال‌ها را می‌فهمیدیم ولی جواب را درک نمی‌کردیم یا بالعکس. نتیجه این می‌شود که مطلب سر و دست شکسته در دماغ ما وارد می‌شد و بالاخره وقتی که برخاستیم هیچ نفهمیده بودیم. اگر بخوایم مکالمه را به چیزی تشبیه کنیم باید بگویم کسی است که با تلفن با دیگری صحبت می‌کند. شما از این مکالمه یا جواب‌ها را می‌شنوید و یا سؤال‌ها را. وقتی که بخواهید آنچه را که شنیده‌اید بنویسید. چنین عبارت مضحکی بدست می‌آید: آقا... رفتم... خیر... شاید... عرض می‌کنم...

فرداد.....* مرحمت زیاد.

به علاوه همین بازیگر الحان را می‌خواند ولی چطور؟ صدای او مطبوع بود ولی وزن‌هایی که ادا می‌کرد همه اوزان مغموم و حزن‌انگیز بودند. بالاخره چیزی به دست می‌آمد مثل مرثیه‌خوانی در ایام عزا و اشعاری که در معابر و دستجات دوره‌گرد ادا می‌کنند. یک نفر دیگر از بازیگرها که رل شاه را بازی می‌کرد نظر نقاد مرا به نوبه خویش جلب نمود. او می‌بایست شاه عباس باشد ولی شاه عباس به کلی برخلاف آنچه در صورت‌های عمارات اصفهان و در تواریخ دیده‌ایم. شاه عباس پیر، با ریش سفید، کوتاه قد، با صدای نازک. خیلی در نشست و برخاستند و بالاخره کسی که بیشتر به شخص عاجز و درمانده شبیه بود تا به پادشاه مقتدر و فکور و متین. آن [چند کلمه ناخوانا] و می‌بایست جمعا الحان و ترانه‌ها را بخوانند چندان ماهر نبودند. مثل این بود که ایشان را درست مشق نداده و معتاد نساخته بودند و الحان را به حفظ ایشان نسپرده بودند. چه یکی دوبار اتفاق افتاد در موقعی که موسیقی‌دان‌ها شروع به نواختن کردند و نوبه ایشان رسید که اشعار را بخوانند، اشتباه کردند و اشعار بند دیگر را شروع نمودند تا بالاخره رئیس ارکستر مجبور شد ایشان را به ضبط متوجه کند.

اما از این مسائل که بگذریم یک چیز در تاتر مزبور بود که یک قسمت بزرگ از این معایب را ترمیم می‌کرد و آن صدای دلنشین و مهارت استادانه بازیگری بود که رل اصلی، دختر کشیش را بازی می‌کرد. چون تا به حال همکاران من در مقالات انتقادی خود این آرتیست ماهر را تحسین کرده‌اند و من هم از نوشتن معتاد به شخصیات نیستم، فقط اکتفا می‌کنم که طرفداران تیاتر ایران را به وجود این آرتیست و استاد ماهر مژده می‌دهم.

سعید نفیسی، عضو دانشکده^۱

*- در اصل نقطه چین.

۱- جریده شفق سرخ، ش ۲۰، ۱۰ نور ۱۳۰۱، صص ۳ و ۴.

(اعلان شماره ۱۸)

اعلان جالب توجه

در سالن گراند هتل، روز دوشنبه ۲۲ جمادی الاول شش ساعت بعدازظهر در تحت ریاست ارمن ارمنیان به اشتراک مادام دوریان ارمنیان و مادام آقابا یوف و اکتورهای جدید تماماً به زبان فارسی.

«اصلی و کرم»

در پرده دوم مادام دوریان ارمنیان رقص معروف بالت به جا می‌آورد.
قیمت بلیط از ۴۰ قران الی ۵ قران^۱

[اعلان شماره ۱۹]

به زبان فارسی

به یادگار آرتیست مشهور

مسیو

ارمن ارمنیان

نمایش عالی باشکوه در سالون گراند هتل در دو قسمت:

جنایت عشق یا حکایت کنجاوی زن

یا

آدم و حوا

در ليله جمعه دهم ربیع الاول هفت ساعت بعدازظهر داده خواهد شد.

محل فروش بلیط: دفتر سینمای فاروس^۱

[اعلان شماره ۲۰]

آرشیین مال آلان

به زبان فارسی و ترکی - اپرت در چهار پرده

در لیلہ سه شنبه ۱۹ شهر جاری در سالن گراند هتل در ساعت شش و نیم بعد از ظهر شروع می شود.

توسط مسیو قوستانیان و خانم گل صباح و بعضی آرتیست های دیگر توضیح اینکه بعضی از آرتیست های نمایش قبل عوض شده اند. فقط دو نفر به زبان ترکی حرف می زنند، در پرده سوم خانم گل صباح می رقصد و آواز می خواند (عاشق شدم) برای سهولت از جمعیت زیاد خریداران بلیط در شب نمایش، از آقایان محترم خواهشمند است که قبلاً بلیط را خریداری نمایند که ساعت شش و نیم شروع می شود.

محل فروش بلیط: تهران - خیابان لاله زار - مطبعه تمدن.^۲

[اعلان شماره ۲۱]

مشهدی عباد به زبان فارسی

در شب جمعه ۱۳ جمادی الثانی در سالن گراند هتل

اپرت در سه پرده

بسیار خنده دار و عالی توسط مسیو قوستانیان و خانم گل صبا و بعضی آرتیست های دیگر. در پرده سوم مشهدی عباد عروسی می کند.

خانم گل صبا با آوازهای تازه و رقص های جدید می خواند و می رقصد. بلیط ها قبلاً در

۱- جریده قانون، ش ۸، ص ۱، ۱۸، ۱۳۰۰، ص ۴.

۲- روزنامه رعده، ش ۲۴۵، ص ۱۰، ۱۷، جمادی الاول ۱۳۳۸ قمری، ص ۴.

مطبعه تهران به فروش خواهد رسید.^۱

[اعلان شماره ۲۲]

فقط یک دفعه

دفعه اول در تهران، در سالن گراند هتل، به زبان فارسی
در ليله ۱۷ شوال مطابق ۱۲ سرطان، توسط مسيو قوستانيا و خانم گل صبا و آرتيست‌هاى
ديگر نمايش داده مى‌شود.

سه نامزد و يك عروس، يا: دير باشد، اوش باشد.

اپرت خنده‌دار تازه در سه پرده

خانم گل صباح مى‌خواند و رقص مى‌کند. موزيک نظامى مترنم خواهد بود. و ارکستر توسط
مسيو واقيناک.

قيمت بليط: از پنج تومان الی سه قران، بليط‌ها قبلاً به فروش مى‌رسد.

محل فروش بليط: خيابان لاله‌زار مطبعه فاروس، مغازه سليقه - در بوفه گراند هتل و شب
نمايش درب گراند هتل.

بشتاييد که از خنده باز نمايند. در ساعت هشت بعدازظهر شروع مى‌شود.^۲

[اعلان شماره ۲۳]

در سالن گراند هتل

در ليله چهارشنبه ۱۷ ذى‌حجه ۱۳۳۸ مطابق ۳۱ اوت ماه فرنگى در ساعت هشت و نيم
بعدازظهر شروع خواهد شد.

توسط مسيو قوستانيان و خانم گل صباح و آرتيست‌هاى ديگر نمايش داده مى‌شود. حسب

۱- همان، ش ۲۶۵، س ۱۰، ۱۲ جمادى الثانى ۱۳۳۸ قمرى، ۱۴ حوت ۱۲۹۸، ص ۴.

۲- روزنامه ايران، ش ۶۹۵، ۱۳ شوال ۱۳۳۸ قمرى.

خواهش آقایان عظام با قیمت خیلی مناسب.

دفعه دوم در تهران به زبان فارسی

جوان پنجاه ساله

اپرت و کم‌دی خنده‌دار تازه در سه پرده، موزیک نظامی و ارکستر مفصل مترنم خواهد شد. و در آنتراک موزیک قفقازی سازند.

قیمت بلیط: از ۲۵ قران الی دو قران لژ چهار نفری ۱۲ تومان.

بلیط‌ها قبلاً به فروش می‌رسد در مطبعه فاروس و در شب نمایش. در درب دخول^۱

[اعلان شماره ۲۴]

اپرت اصلی و کرم

دفعه اول به زبان فارسی، در سالن گراند هتل، لیل جمعه ۱۵ ربیع‌الاول

اپرت جدید در شمش قسمت

قسمت آکتر معروف (مسیو قوستانیان) و آکتریس معروف در تاترهای فارسی (خانم گل

صبح) و سایرین.

در ساعت هفت و نیم بعد از ظهر شروع خواهد شد.

ژل (اصلی) را (خانم گل صباح) به زبان ترکی بازی خواهد کرد و رل (کرم) را (مسیو

قوستانیان) به زبان ترکی، پانزده نفر از خانم‌ها و ده نفر از آقایان دیگر هم در رل‌های این

نمایش شرکت خواهند داشت.

رقص و آواز تمام به زبان فارسی است.

در این نمایش (گل صباح خانم) آوازهای ذیل را می‌خواند:

شهناز کرد - بیات اصفهان - ماهور - سه گاه - شور - آواز کرم - شکسته قره‌باغی، به انضمام

آوازا و رقص‌های جدید.

ارکستر قوی سالن در تحت ریاست (مسیو واقیناک) خواهد بود. و در بیرون سالن موزیک ژاندارمری و سازنده بادکوبه مترنم است.

قیمت بلیط: از ۴۰ قران الی ۴ قران، لژ چهار نفری درجه اول ۲۰۰ قران. درجه دوم ۱۵۰ قران، شاگردان مدرسه سه قران.

محل فروش بلیط‌ها: قبل از وقت در مطبوعه فاروس و در شب نمایش از چهار ساعت بعد از ظهر در صندوق تئاتر به فروش می‌رسد.

اخطار می‌شود که چون این نمایش (اصلی و کرم) به زبان فارسی است با اعلان‌های (اصلی و کرم) سابق اشتباه نشود و نمایش‌های مسیو قوستانیان و گل صباح خانم "تماما" به زبان فارسی است.^۱

[سند شماره ۴]

تاتر و موسیقی

لیله ۲۷ رجب در سالون گراند هتل نمایش ایرانی به اسم مشهدی عباد در تحت ریوسوری اکتور ارامنه مسیو گستانیان داده شد. مؤلف پیس مشهدی عباد عزیز بیک حاجی بیکوف است. از بدو پرده اول الی انتهای نمایش متأسفانه اثری از اصل پیس مذکور عرض اندام نشد. مایه بسی تأسف است که اثر فکر عالم فکور قفقاز را که صفحات تاریخ در اعداد علماء نام آن را تزئین می‌کند در انتظار مردم به این نحوه جلوه دهند. نمی‌دانیم ایشان بی‌اطلاعند یا اینکه تهران را خالی از مطلعین می‌بینند. ولی چندان هم جای تأسف نیست. بجهت اینکه در مملکت ما معارف وجود ندارد. اینک ما که نسبتاً اطلاعی از نمایش مذکور داریم معایب آن را به طور مختصر ذیلاً به عرض عموم می‌رسانیم. و از آقای مسیو گستانیان هم تمنا داریم محض نفع شخصی اینگونه نمایش‌ها را در صحنه تاتر که آئینه زندگی بشر است جلوه‌گر نکنند.

- ۱) در عوض مقامات پيس، تصانیف نامناسب غير اپرت مجری شد.
- ۲) اکثر آهنگ‌ها ناقص و يا مخالف کتاب و بلکه بکلی محو شده بود.
- ۳) رل حسن قلی بيک بکلی محو شده بود. همچنين بعضی رل‌های ديگر.
- ۴) سرور عاشق نبود و مانند بيگانه در صحنه بازی می‌کرد.
- ۵) گلناز معلوم نبود که آسيه آرئين مال آلان است يا گلناز مشهدی عباد.
- ۶) مشهدی عباد اگر اضافات غير موقوع نمی‌کرد، نبود.
- ۷) ستم - بی‌چادر بود یعنی غير طبيعي

امضاء - مطلع^۱

[اعلان شماره ۲۵]

نمایش حیرت‌بخش

دیوار اشکبار^۲

لیله شنبه ۲۷ شوال به توسط و اشتراک آر تیسست شهیر مادام آقابایوف و عده‌ای از خانم‌ها و آقایان اکتوریس و اکتوریه به صحنه گذارده خواهد شد.

از جمله اکتوریس‌های ماهر این نمایش، مادموازل ماری مشهور، مادموازل ویکتوریا، مادموازل مانیا و خانم‌های دیگر در صحنه خواهند آمد. از جمله اکتورها مسیو قستانیان، مسیو آرمیناک، شاه نظریان، مسیو ماردیرسیان، مسیو آقاسیان و آقایان دیگر که در فن خود مشهورند، به صحنه می‌آیند.

برای شکوه و عظمت نمایش و حسن جریان آن مسیو قستانیان عهده‌دار رژیسوری شده و تمام پرده‌ها در تحت مراقبت‌نامه ایشان خواهد بود.

۱- جریده حقیقت، ش ۵۱، ۱۰ حمل ۱۳۰۱، ص ۲.

۲- این نمایشنامه نوشته آ. هاروتیان است و توسط ماطه‌ؤس خان ملیکیانس ترجمه شده. نمایشنامه مزبور در سال ۱۳۷۰ در انتشارات نمایش به چاپ رسیده است.

ارکست نمایش را موسیقی‌دان مشهور (مسیو واتیناک) برعهده گرفته است، سازهای مشارالیه با رقص آرتیست شهیر مادام آقابایوف، جان وروان شنوندگان و بینندگان را به ترنم خواهد آورد. پیس (دیوار اشکبار) که ترجمه ماطاوس خان نویسنده شهیر ایرانی است به منفعت روزنامه ملی ستاره ایران و بهای دوام آن. از ساعت هشت به صحنه می‌آید. دوستداران اوراق لایزال ستاره می‌توانند از اداره بلیط نمایش را تحصیل کنند.

شب نمایش هم درب گراند هتل به فروش می‌رسد.^۱

[اعلان شماره ۲۶]

امشب

دفعه اول به زبان فاسی

در سالن گراند هتل لیله جمعه دهم نوامبر مطابق بیستم ربیع‌الاول در تحت ریاست مسیو قوستانیان به اشتراک گل صبا خانم و مادموازل آسیا و سایر اکثر و اکثریس‌های معروف

اپرت معروف موسوم به انوش یا شیرین

که از زبان ارامنه به فارسی ترجمه شده است و از تألیفات مخصوص مسیو اوهانس طومانیان که یکی از شعرای معروف ارامنه است، می‌باشد به توسط مسیو قوستانیان تبدیل به اپرت شده و در پنج پرده به معرض نمایش گذارده خواهد شد.

در این اپرت مادموازل آسیا رقص معروف به «لالا ولکزنیکای قفقازی» می‌کند. ارکستر مخصوص این اپرت مشتمل بر دوازده نفر می‌باشند، در تحت ریاست مسیو واقیناک. در هنگام عروسی در پرده دوم، سازهای جدید الورود از پیروز مشغول خواهند بود و نزد سالن دسته موزیک مخصوص مترنم خواهد بود. ساعت ۷ و نیم بعد از ظهر شروع خواهد شد.

قیمت بلیط‌ها: از ۴۰ قران الی ۴ قران، لژ درجه اول ۲۰۰ قران، لژ درجه دوم ۱۵۰ قران.

بلیط‌ها در خیابان لاله‌زار مغازه برادران کریانف، مغازه انگلیس، مغازه سلیقه، مطبعه بوسفور، مطبعه فاروس، دفتر گراند هتل و در شب نمایش در درب گراند هتل به فروش می‌رسد.
رژیسور قوستانیان^۱

[اعلان شماره ۲۷]

اعلان

در سالن گراند هتل

چنانچه نمایش آنوش یا شیرین بنا بود در ۲۰ ربیع‌الاول داده شود معهذا نمایش فوق تأخیر افتاد حالیه نمایش مذکور در عصر دوشنبه (لیله سه‌شنبه عزه ربیع‌الثانی) ساعت ۸ بعدازظهر داده خواهد شد.

فروش بلیط‌ها قبل از وقت در خیابان لاله‌زار مغاز کریانف، مغازه سلیقه، مغازه انگلیس، مطبعه فاروس مطبعه بوسفور، و شب نمایش هم درب گراند هتل به فروش می‌رسد.^۲

[اعلان شماره ۲۸]

امشب در سالن گراند هتل

لیله روز دوشنبه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱ به زبان فارسی

دو نمایش در یک شب. مشهدی عباد آرشین مال آلان

اپرت در سه پرده اپرت در چهار پرده

توسط مسیو قسطنیان - مادام گل صبا خانم و سایر آکتر و آکتریس‌ها به معرض نمایش گذارده خواهد شد. رل‌های مشهدی عباد و سلطان بک را مسیو سیمونیان دارا خواهد بود و مادامازل آسیا رل آسیا را دارا خواهد بود. رل رستم بیک را مسیو الیکو دارا خواهد بود. فراموش

۱- جریده شفق سرخ، ش ۸۷، ۱۷ عقرب ۱۳۰۱، ص ۴.

۲- جریده قانون، ش ۳۶، ۴، ۲۶ عقرب ۱۳۰۱، ص ۳.

بمنفعت جریده با شهامت قانون اپرت دکتور ریاضی دان در چهار پرده

اثر فکر شاهزاده احمد میرزا با بهترین مقامات موزیکی و لفربب ~~سکه~~ آقای سلطان ابراهیم خان رئیس موزیک فوج آهن ایجاد و ترکیب ~~سکرده~~ اند در لیه ۲۴ بجادی الاولی با جالب ترین طرزی در سالن کرازد هل توسط بهترین و داهترین آکتریس اکتور ها بمرض نمایش گذارده میشود

مسادام آقا باب آرنیست مشهور درامایش این اپرت شرکت داشته و آقای میرزا بدرضا خان هنری رژیموری و رول مهم را عهده دار هستند - ارکستر با شکوه در تحت ریاست و ~~تعداد~~ اداره مسبو واتر مترنم خواهد بود . صاحبان قریحه ادبی و ذوق موسیقی حضور در این نمایش را مغمم شمرده روح و دماغ خود را از شنیدن نعمات دلکش و نظاره ~~اعکار~~ های آرنیستی محفوظ خواهند ساخت

۱۰ - - ۱

مطبعه « فاروس » طهران

نفرمائید که این اپرت‌ها بهترین و شیرین‌ترین تصنیف‌های حاجی بکف معروف است که تماماً جالب توجه صنعت پروران می‌باشد. فراموش نفرمائید که فلاسفه گفته‌اند خنده موجب حفظ الصحه و تفریح قلب است. فراموش نفرمائید که با پرداختن قیمت یک بلیط تماشاچیان محترم می‌توانند از تماشای این دو پیس معروف محظوظ شوند.

فراموش نفرمائید که قیمت بلیط‌ها به کلی مناسب و از برای دو نمایش فروخته می‌شود. قیمت بلیط‌ها: از سه تومان تا سه قران، لژ درجه اول ۱۵۰ قران، لژ درجه دوم ۲۰ قران، بلیط‌ها قبلاً فروخته می‌شود. لاله‌زار مغازه برادران کریانف، مغازه انگلیس، مغازه سلیقه، مطبوعه فاروس، شب نمایش در گیشه تاتر گراند هتل.

چون در یک شب دو نمایش هست در ساعت هفت بعدازظهر بدون دقیقه تقدم و تأخر شروع می‌شود و ساعت دوازده تمام می‌شود.

رژیسور قسطنطیان^۱

[اعلان شماره ۲۹]

شب خنده در سالن گراند هتل

لیله دوشنبه ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۴۱ به زبان فارسی

دو نمایش در یک شب اصلی و کرم اپرت اخلاقی در پنج پرده

جوان پنجاه ساله اپرت خنده‌دار در سه پرده

توسط مسیو قسطنطیان و مادام گل صبا خانم و مسیو سیمونیان، مادموازل آسیا و مسیو الیکوو سایر آکتریس‌ها به معرض نمایش گذارده خواهد شد. رل کرم را مسیو قسطنطیان و رل اصلی را مادام گل صبا خانم دارا خواهند بود.

فراموش نفرمائید که با پرداختن قیمت یک بلیط آقایان محترم می‌توانند از تماشای این دو پیس معروف محظوظ شوند. فراموش نفرمائید که قیمت بلیط‌ها به کلی مناسب و از برای ده

نمایش فروخته می‌شود.

قیمت بلیطها از ۳ تومان تا ۳ قران، لژ درجه اول ۲۰۰ قران، لژ درجه دوم ۱۵۰ قران، بلیطها قبلاً فروخته می‌شود. لاله‌زار مغازه برادران کریانف، مغازه سلیقه، مغازه انگلیس، مطبوعه فاروس، شرکت اروپا، شب نمایش در گیشه تاتر گراند هتل.

چون در یک شب دو نمایش داده می‌شود، در ساعت شش و نیم بعد از ظهر بدون دقیقه تقدم و تاخر شروع شده و ساعت دوازده تمام می‌شود.

در خاتمه متذکر می‌شود که اگر شخصی مطابق بلیط خود صندلی اختیار نکند قیمت صندلی‌هایی که مطلقاً اشغال کرده است به عنوان جریمه باید بپردازد.

رژیسور قسطنطیان^۱

[اعلان شماره ۳۰]

اطلاع

[اپرت‌های] نمایش اصلی و کرم - جوان پنجاه ساله

که بنا بود امشب داده شود نظر به پارهای ملاحظات و پیش آمدها به تأخیر افتاده و در ليله جمعه سوم شهر جمادی الاولی مطابق ۳۰ قوس داده خواهد شد. آقایانی که بلیط امشب را خریداری فرموده‌اند البته شب جمعه تشریف خواهند آورد که نمایش مزبور بسیار جالب توجه می‌باشد.^۲

[اعلان شماره ۳۱]

به زبان فارسی

در ليله جمعه ۳ جمادی الثانی

۱- همان، ش ۹۹، ۲۰ قوس ۱۳۰۱، ص ۴.

۲- همان، ش ۱۰۱، ۲۵ قوس ۱۳۰۱، ص ۴.

در سالن گراند هتل

«اپرات و اوپرت»

اصلی و کرم و جوان پنجاه ساله

که بنا بود در ليله دوشنبه ۲۸ ربیع الثانی داده شود در ليله جمعه ۳ جمادی الاول بدون هیچ تأخیر و مسامحه داده خواهد شد. بشتابید برای خرید یک بلیط و دیدن دو نمایش. قیمت از ۳۰ قران الی ۳ قران.

بلیطها در محل های ذیل قبلاً بفروش می رسد: لاله زار، مغازه برادران کریانف - مغازه لنکیس - مغازه سلیقه - مطبعه فاروس - شرکت اروپا. شب نمایش از ساعت ۴ بعد از ظهر در گیشه تأتر گراند هتل. شروع نمایش ساعت ۱۲ نصف شب تمام خواهد شد.^۱

[اعلان شماره ۳۲]

اعلان

نمایش عالی باشکوه

یک عروس و سه داماد

در تحت نظر یک عده از جوانان فاضل و دانشمند به منفعت تأسیس یک مجله علمی در شب چهارشنبه ۲۰ جمادی الثانی در سالن گراند هتل به توسط اکثر و اکثریهای معروف مسیو قستانیان و گل صبا خانم و مادموازل آسیا که مسیو واقیناک، هم متصدی ارکست نمایش می باشد به معرض نمایش گذاشته خواهد شد.

صد و بیست، عایدی خالص این نمایش متعلق به دارالایتام تهران خواهد بود.

محل فروش بلیط: قبل از نمایش: لاله زار، مطبعه تمدن ناصریه، مغازه بن مارشه.

شب نمایش: در گراند هتل.^۱

[اعلان شماره ۳۳]

به منفعت معارف بنی اسرائیل در عید مشروطیت ایران

نمایش بسیار عالی تاریخی از اردشیر پادشاه ساسانی و استر یهودیه به ملکه ایران که به السنه مختلف ترجمه شده و به کرات در تاترهای بزرگ اروپا و آمریکا بازی شده است در ليله ۱۵ جمادی الثانی در سالن گراند هتل به زبان فارسی و با ارکستر مخصوص جلوه‌گر می‌شود. در پرده اول و آخر مادموازل مری می‌رقصد. تا بلیط‌ها تمام نشده، بشتابید.

محل فروش بلیط مغازه گلستان، خیابان لاله زار^۲

[اعلان شماره ۳۴]

نمایش عالی قوزی

اولین اپرتی است که به زبان فارسی داده می‌شود. در سه پرده و دارای ۲۵ آهنگ جدید موسیقی. ریاست ارکستر با آقای هنری است که شخصا آهنگ‌های موسیقی را با نظم درآورده و ترکیب نموده‌اند. نمایش در ليله ۱۴ خواهد بود. قیمت بلیط از ۲ قران تا دو تومان است. بلیط‌های بالاتر فروخته شده.

پرده اول: طفولیت قوزی یا عهد چلقوزی او

پرده دوم: قوز بالا قوز

پرده سوم: قوزی سر قوز افتاد

۱- همان، ش ۷۶، س ۲، ۲۶ جدی ۱۳۰۱، ص ۴.

۲- روزنامه رعد، ش ۱۶۴، س ۱۰، ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۸ قمری، ص ۴.

چون خیلی دیدنی و تماشایی است ليله ۱۴ را فراموش نفرمائيد.^۱

[اعلان شماره ۳۵]

اپرت دکتور ریاضی‌دان

اعلان: برای تاسیس و به منفعت قرائت‌خانه سعدی در ليله شنبه ۱۶ بزج دلو نمایش معروف دکتور ریاضی‌دان، اپرت ادبی و مضحک در چهارپرده، نتیجه افکار آقای میرزا ابراهیم خان رئیس موزیک بریگاد مرکزی و معلم ویلون کمپوزیتور اپرت مزبور و اثر قلم شاهزاده احمد میرزا خسروانی مصنف پیس فوق‌الذکر در سالن گراند هتل به معرض نمایش گذارده خواهد شد. اوزان اشعار اپرت فوق به کلی جدید و از بهترین آهنگ‌های موسیقی ایرانی و فرنگی توسط کمپوزیتور مذکور که در شب نمایش ریاست قسمت موسیقی نیز به عهده ایشان محول است، ترکیب گردید.

در اکت چهارم تصنیف جدید در بیات اصفهان که آقای میرزا ابراهیم خان ترکیب نموده ر آقای مزین الممالک سپهری اشعار آنها را سروده‌اند، خوانده خواهد شد.^۲

[سند شماره ۵]

تجدید حیات موسیقی

چهار پرده اپرت نتیجه فکر بدیع آقای سلطان ابراهیم خان رئیس موزیک بریگاد مرکزی پریشب باشکوهی فوق‌العاده به موقع نمایش درآمد. مقام‌های دلکش و سبک پسندیده‌اش شوری در دل ارباب ذوق و معرفت افکند. و چند ساعت متوالی حضار شیفته را قرین نهایت مسرت و حیرت نمود و بالاخره هوش فطری صنعت‌کاران ایرانی را ثابت و مدلل ساخت.

۱- روزنامه ایران، ش ۷۸۲، ۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۹ قمری، ۲۵ عرّب ۱۲۹۹، ص ۱.

۲- روزنامه ایران، ش ۸۲۳، ۱۳ جمادى الاول ۱۳۳۹ قمری، ص ۴.

زحمات آقای سلطان ابراهیم‌خان در تصنیف این اپرت و خصوصاً پافشاری و استقامتی را که در نمایش و اجرای آن به کار برده‌اند قابل تمجید و تقدیر است و کرارا از ایشان شنیده شده است که تحمل این زحمات و کشمکش با موانع بی‌شمار فقط برای آن است که موسیقی ایران دارای اساس علمی شود و روزی پایه جدیدی استوار گردد.

این شاهکار پسندیده حقیقتاً فکر مصنف را کاملاً می‌پروراند و البته تاریخ موسیقی ایران از این به بعد اوراق تازه‌ای به خود می‌بیند و اسم ایشان را با مساعدت و تشویق اهل ذوق و دانش در صفحات خود باقی و پایدار می‌گذارد. مساعی آقایانی که در تالیف پیس و ترتیب ارکستر با ایشان مشارکت کرده‌اند در خور تمجید است.^۱

میرزا حسن خان ناصر^۲

[سند شماره ۶]

[مقاله] تیاتر و موسیقی

در شماره ۸۳۲ «مورخ ۱۷ دلو جریده شریفه ایران» راجع به اپرت فارسی «دکتر ریاضی‌دان» که نتیجه افکار بکر آقای میرزا ابراهیم‌خان رئیس موزیک بریگاد مرکزی و اثر قلم شاهزاده احمد میرزا خسروانی است و در لیله شنبه ۱۶ دلو نمایش داده شد، از طرف فاضل محترم آقای میرزا حسن خان ناصر شرحی به عنوان تمجید درج شده بود.

۱- حسن ناصر خود یکی از هنرمندان بزرگ تئاتر دوره مشروطیت در گیلان است. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: طالبی، فرامرزی، نمایشنامه‌نویسان گیلان، فصل‌نامه تئاتر، ش ۱۵، پائیز ۱۳۷۰.

زحمات آقای میرزا ابراهیم خان در ایجاد آهنگ‌های جدید و ترکیب موسیقی اپرت و مهارت آقای خسروانی در سرود و تصنیف‌ها، البته بیشتر از اینها باید مورد تقدیر و تقدس واقع شود، زیرا می‌توان گفت اپرت «دکتر ریاضی‌دان» اولین اپرت فارسی است که از فکر و قلم متفکر و نویسنده ایرانی تراوش نموده و به قول فاضل محترم (آقای ناصر) صفحه جدیدی برای تاریخ صحنه تیاتر ایران گشوده است. قبل از این چندین دفعه «اپرت» در رشت و تهران و شاید در قزوین به موقع نمایش گذاشته شده، اما این اپرت‌ها یا ترکی آذربایجانی و یا ترجمه بوده است و به واسطه عدم آشنایی کامل مترجمین به زبان فارسی آن قدر رغبت عامه را کسب نکرده‌اند. ولی هیچ کدام از این اپرت‌ها به اندازه اپرت دکتر ریاضی‌دان در نظر ایرانیان با قدر و قیمت نیستند. چون این اپرت اصلاً به زبان فارسی نوشته شده است.

در ممالک به غیر از ایران رسم است هر موقعی که تیاتر جدید به معرض نمایش گذاشته می‌شود فردای شب نمایش نویسندگان و اشخاص با اطلاع از فن تیاتر نواقصی را که مشاهده می‌کنند در جراید اشاعه می‌دهند تا مصنف پیس رفع معایب را نموده و پیس جدید را تکمیل کند. متأسفانه هنوز در مملکت ما این رسم معمول نیست.

از نقطه نظر علاقمندی به این نمایشات ملی که یگانه تصفیه‌کننده اخلاق فاسد است به آقایان مصنفین و موسسین پیس‌های جدید پیشنهاد می‌کنم حین دادن نمایش ولو اینکه مجانی هم باشد چند عدد بلیط به اداره روزنامجات معروف و خدمت نویسندگان و شعرای نامدار فرستاده ایشان را برای تنفید به سالن تیاتر دعوت نمایند. این مسئله غیرقابل انکار است. تماشاچی بصیر بهتر از بازی‌کنندگان نواقص را درک می‌کند. اگرچه در بودن آقای میرزا حسن خان ناصر و سایر آقایان نویسندگان، به این جانب نمی‌رسد که از خود نظریاتی ابراز دارد، چون آقای ناصر از اظهار نواقص خودداری فرموده بودند بنابراین اینجانب فقط و فقط به حکم

احساسات قلبیه، مختصر نواقصی را که به نظر قاصر بنده رسیده ذیلاً" عرضه می‌دارد تا اگر قابل توجه واقع شود سپس مزبور برای دفعات دیگر مکملاً" به معرض تماشا در آید:

۱- گمان ندارم مصنف محترم هم مسبوق نباشد براینکه: غالباً" نویسندگان اپرت کثرت عده اعضای نمایش را در نظر گرفته مجلس را طوری قرار می‌دهند که در خواندن سرودها و تصنیف‌ها مخصوصاً" در آخر هر پرده در رنگ‌ها عده مشترک باشند و این ترتیب زحمت شاعر را بهتر جلوه‌گر می‌سازد و اثرات موسیقی دو مقابل می‌شود. در اپرت (دکتر ریاضی دان) برای افزودن چندین نفر زمینه هست مثلاً" دکتر ریاضی دان (دکتر صفی) زن و دختر و یا کلفت لازم دارد. همچنین خانواده قلیل افندی نباید منحصر به یک دختر باشد. ممکن است به عنوان زن کلفت و یا نوکر چند نفری افزود.

۲- حسن تیاتر و اپرت این است که حرف و یا شعر و یا تصنیف به طور واضح گفته و خوانده و شنیده شود. در این اپرت مادام آقابایف با اینکه فارسی زبان نیست مع‌هذا واضح‌تر از سایرین و مطابق موسیقی می‌خواند و می‌توان گفت به اسلوب (اپرا) آشنایی دارد. شاهزاده احمد میرزا که میرزا جعفر شده بود گذشته از بعضی جزئیات، خوب از عهده برآمدند.

دکتر ریاضی دان با اینکه خوب بازی می‌کرد اما سرودی که می‌خواند آنقدر مفهوم نمی‌شد و سیمای دکتر سیمای یک نفر مرد هفتاد ساله را نشان نمی‌داد، قدری جواتر به نظر می‌آمد. خلیل افندی نیز از حیث وضعیت و سیما برای پدر فروغ تناسب نداشت. پدر فروغ که یک دختر تقریباً" بیست ساله است باید قدری مسن‌تر باشد اما خلیل افندی اشعار و حرف‌ها را واضح ادا می‌کرد. مقبل خان نوکر دکتر اگر سفیدپوست شود شاید برای ازدواج مریم خانم مناسبتر به نظر بیاید. زیرا به آسانی حاضر شدن دختر میرزا جعفر که می‌خواست زن پسر دکتر گردد برای مقبل سیاه نوکر

دکتر کاملاً طبیعی نیست.

۳- عقیده بنده این است: برای اینکه پاره از خوانندگان کاملاً آشنایی به اپرت ندارند موقع شروع به خواندن بدواً موسیقی یک مصراع از شعر را زده بعد خواننده موسیقی را تعقیب کند. چون در شب نمایش دیده می‌شد گاهی خواننده و گاهی موسیقی چند دقیقه منتظر هم می‌شدند و در نتیجه در مجلس فاصله پیدا می‌شد. موسیقی چون کاملتر است خوانندگان را بهتر می‌تواند اداره نماید. اگر موسیقی قبلاً شروع کند دیگر خواننده خارج از موسیقی نمی‌خواند و معطل نمی‌شود.

۴- تصور می‌کنم که به جای فحش بی‌غیرت که روزنامه فروش به میرزا جعفر می‌گفت الفاظ دیگری گفته شود. بهتر است. چون صحنه تیاتر در حکم کلاس مدرسه است. هر اندازه از این فحش‌ها پرهیز نمایند به نظر بنده و هم عقیده‌های بنده پسندیده‌تر است.

۵- مصنف محترم در پرده چهاردهم که آخر مجلس است آنقدر مذاکرات و اشعار ایجاد نکرده، مجلس را به ساز و آواز گذاشته بود. اگرچه ساز و آواز و آن غزل‌هایی که خوانده شد، خیلی مطلوب بود، اما آخر مجلس باید شلوغ‌تر و مکمل‌تر شود. خصوصاً آخر مجلس که منتهی به عروسی گردد. اگر مصنف محترم بعضی تصنیف‌ها و رنگ‌های مناسب و رقص در اهل مجلس ایجاد کند، مطلوب‌تر خواهد بود. ساکت نشستن اهل مجلس به طور عادی (مثل تماشاچی‌ها) و گوش دادنشان به ساز و آواز بالاخره تماشاچی را کسل می‌کند.

اینها نواقص ظاهری بود که عرض شد، مسلمی است وظیفه شعرا و فضلا نامدار است که در زمینه اصل اپرت و نواقص علمی آن قلم فرسایی فرمایند. ممکن است همین اظهارات من هم تنقید شود.

تماشاچی^۱

[اعلان شماره ۳۶]

به منفعت روزنامه با شهادت قانون**دکتر ریاضی‌دان****اپرت در چهار پرده. پس از سه سال**

در ليله جمعه ۲۴ جمادی الاول در سالن گراند هتل با بهترین طرزی به معرض نمایش گذارده می‌شود. پیس طیب ریاضی‌دان اثر فکر و قلم شاهزاده سلطان احمد میرزا خسروانی است و آهنگ‌های شیرین و جالب توجه آن را آقای سلطان ابراهیم خان رئیس موزیک فوج آهن ایجاد کرده‌اند. جوان‌های باذوق و آقایانی که مایل هستند شاهکارهای آرتیستک را مشاهده نمایند غیر از شب نمایش حکیم ریاضی‌دان موقعی دیگر نخواهند دید.

این نمایش با مساعدت زبردست‌ترین آکترهای شرکت کمدی به معرض نمایش گذارده می‌شود. عجالتا^۱ بلیط‌های نمایش دکتر ریاضی‌دان در اداره روزنامه قانون فروخته می‌شود.

[اعلان شماره ۳۷]

به منفعت جریده با شهادت قانون**اپرت دکتر ریاضی‌دان در چهار پرده**

اثر فکر شاهزاده احمد میرزا خسروانی با بهترین قطعات موزیکی دلفریب که آقای سلطان ابراهیم خان رئیس موزیک فوج آهن ایجاد و ترکیب کرده‌اند در ليله ۲۴ جمادی الاولی با جالب‌ترین طرزی در سالن گراند هتل توسط بهترین و ماهرترین آکتیسیس و آکتورها به معرض نمایش گذارده می‌شود.

آرتیست شهر مادام آقابایوف (پری) در این نمایش شرکت دارند. آقا میرزا سید رضاخان هنری یک قسمت از رژیم‌سوری و رول مهم را عهده‌دار هستند - آرکستر یاشکوه در تحت ریاست واداره مسیو واقنباک مترنم خواهد بود. البته صاحبان قریحه ادبی و ذوق موسیقی حضور در این

اعلان

نمایش تمام اهلی و ستاخیز سلاطین ایران در خرابه های مدائن که نتیجه فکر و فبق آقای میرزاده عشقی است در ایله دوشنبه ۶ شهر ربیع الثانی با بهترین طرزی در سالون کراند هتل بهمرض نمایش گذارده میشود

محل فروش بلیط مطبه تمدن دفتر کراند هتل

ماهالی طهران را به حضور شب نمایش دعوت میکنیم زیراکنده از اینکه این اولین ایرانی است که بزبان فارسی نوشته شده بی نهایت جالب توجه و دیدنی است و قطعاً عتک از خرید بلیط و دیدن یک سلسله حقائق تاریخی بر حسب منصب قانون

نمایش را مقتنم (مغتنم) شمرده روح و دماغ خود را از شنیدن نعمات دلکش و نظاره شاهکارهای
ارتیستیک مخلوط خواهند ساخت.^۱

۱۵-۵

[اعلان شماره ۳۸]

اپرا رستاخیز سلاطین ایران

اعلان

نمایش تمام آهنگی «اپرا» رستاخیز سلاطین ایران در خرابه‌های مداین به منفعت جریده
هفتگی قرن بیستم.

برای آنکه یک کلمه دیگر بر کلمات اجنبی در زبان پارسی اضافه شود «اپرا» را نمایش
آهنگی ترجمه نمودم. اپرا کمتر در مشرق زمین دیده شده، به خصوص در ایران که کمتر اسمش
هم شنیده شده. اپرا غیر از تاتر و یا اپرت است. چه که پیدا کردن موضوع و ترتیب منظومات
موزون آن قوه فکری و طبع خدادادی فوق العاده‌ایرا به غایت محتاج است.

این گوینده به رسم نمونه در موضوع خرابه‌های مداین و رستاخیز سلاطین سلف ایران،
اپرایی تهیه دیده‌ام که نمایش آن در اصفهان باعث بسی شگفت و حیرت تماشاچیان گردید.
متخصصین و ادباء صاحب ذوق این فن تصدیق دادند که از هر حیث این نمایش تمام آهنگی
آراسته است و قصوری در آن نرفته.

این نمایش تمام آهنگی یک افتخار ادبی را نیز برای پارسی زبانان در مشرق زمین اثبات
می‌نماید چه که اول اپرای مطبوعی که در این اقلیم مشهود بیگانگان می‌گردد همانا زبان پارسی
است.

این نمایش در لیله یکشنبه ۲۹ شهر شعبان المعظم ۱۳۳۹ [۱۸ ثور] در سالن گراند هتل به
وسیله زبردست‌ترین آرتیست و موسیقی‌دان معروف این شهر به معرض نمایش گذارده خواهد

شد.

محل فروش بلیط فعال^۱: خیابان لاله زار دفتر گراند هتل، مغازه درخشان: خیابان ناصریه، کتابخانه خلخالی و مغازه اطمینان، بازار: مغازه آقای مدیر صنایع، در دفتر قرن بیستم نیز فروخته خواهد شد.

ر. میرزاده عشقی^۱

[اعلان شماره ۳۹]

اعلان

نمایش تمام آهنگین رستاخیز ایران در خرابه‌های مدائن که نتیجه فکر رفیق آقای میرزاده عشقی است در لیله دوشنبه ۶ شهر ربیع الثانی با بهترین طرزی در سالون گراند هتل به معرض نمایش گذارده می‌شود.

محل فروش بلیط مطبوعه تمدن دفتر گراند هتل.

ما اهالی طهران را به حضور شب نمایش دعوت می‌کنیم زیرا گذشته از اینکه این اولین اپرایی است که به زبان فارسی نوشته شده بی‌نهایت جالب توجه و دیدنی است قطعاً عفاک* از خرید بلیط و دیدن یک سلسله حقایق تاریخی برحسب مذهب است.^۲

[اعلان شماره ۴۰]

نمایش‌های عشقی

شب چهارشنبه ۲۴ ذی‌قعدة [۲۹ سرطان] نمایش‌های ذیل در گراند هتل:

۱- اپرای نمایش تمام آهنگی رستاخیز سلاطین ایران در خرابه‌های مدائن که در نزد عموم

۱- روزنامه ایران، ش ۸۸۴، ۱۲ نور ۱۳۰۰، ص ۴.

*- عفاک به معنای مماطلت کردن حق کسی است.

۲- جریده قانون، ش ۶، ص ۱، اول عقرب ۱۳۰۰، ص ۴.

معروف است به تصنیف‌های: اکنون که مرا وضع وطن در نظر آمد.

۲- نمایش نیمه آهنگی «اپرت» خنده‌آور سرنوشت بچه گدا و عاشق اشتباهی متضمن یک سلسله تصنیف‌های تازه اثر طبع میرزاده عشقی. محل فروش بلیط عجالاً فقط دفتر جریده شفق سرخ و دفتر گراند هتل. مغازه روشنایی و مغازه سیگار فروشی حسین زاده اسکندر زاده.

آثار طبع جوان عشقی معروف محتاج تفریط نیست. مخصوصاً اپرای مشهور رستاخیز سلاطین ایران و اشعار حساس ایشان را کاملاً معرفی می‌نماید. نمایش دکتر نیکوکار حاوی اشعار شیرین و تصنیف‌های بدیع به مراتب بهتر و بیشتر جالب توجه ذوق‌های سرشار و قلب‌های حساس خواهد بود. گویا این نمایش برای تأسیس جریده قرن بیستم داده خواهد شد.^۱

[اعلان شماره ۴۱]

برای آخرین دفعه

به خواهش عده کثیری از رفقا

شب جمع ۴ ربیع الثانی

برای آخرین دفعه در سالن گراند هتل.

اپرا رستاخیز سلاطین ایران

اپرت بچه گدای معشوق و دکتر نیکوکار

اثر فکر شاعر شهیر میرزاده عشقی با تصرفات تازه و ادبیات نوینی که تا آن شب شنیده نشده است به موقع نمایش گذارده خواهد شد.

محل فروش بلیط دفتر جریده شفق سرخ، مغازه روشنایی، مغازه لعل، مغازه آذربایجان!

[سند شماره ۷]

رستاخیز سلاطین ایران

یک مرتبه دیگر پیس باشکوه رستاخیز به عرضه نمایش گذاشته شد. تعریف اشعار قشنگ و منظره هیجان‌خیز رستاخیز را در دورترین قطعات ایران شنیده بودم. با کدام اسباب می‌توان سطوت ایران کهن را به یاد اولاد امروزی آن آورد. به جز با چنین نمایشی؟

تاریخ مشعشع ایران یک ملت زحمتکش را نشان می‌دهد که با شجاعت و اخلاق پاک خود باعث افتخار تمدن دنیا هستند. سلاطین ایران سیروس، داریوش، انوشیروان و خسرو پرویزند که به مردانگی و جوانمردی و عدالت نسبت به خودی و بیگانه مشهور آفاقند.

نمایش رستاخیز از بهترین وسایلی است که می‌توان قلب‌های حساس را به رقت آورد. در خرابه تیسفون (مداین) سلاطین ایران سر از خاک برداشته برای بهبودی اوضاع ایران دعا می‌کنند. زردشت در میان این پادشاهان عالی‌جاه برای سعادت ایران التماس می‌کند. اگر آن دقایقی را که سلاطین غیور زانو زده و دعا می‌کردند را به خاطر بیاورید، اگر به نظر بیاورید که روان پاک زردشت و ارواح ایران‌دوستان مسلمان زردشتی از دور و نزدیک در اوقات ستایش پروردگار به چه عجز و تضرعی برای اعاده ترقی و تعالی ایران التجا می‌کنند، باز قلب شما به رقت می‌آید. در پایان پرده رستاخیز، مصنف محترم در صحنه نمایش حاضر شده خرابه طاق کسری را با تهران مقابله [کرده] و باز مردم را متأثر ساخته. آقای عشقی با یک صدای

گرفته می‌گفتند: «من آن خرابه هزار ساله را آبادتر از ایران کنونی دیدم.»

برج ایفل ز منادید گل گل وا

گل به سر مقبره ناپلئون می‌ریزد

تخت جمشید ز بی‌حسی ما بر سر ما

خشت با سرزنش از سقف و ستون می‌ریزد

پرده ماتم شاهان سلف عشقی دید

کانچه در پرده بد از پرده برون می‌ریزد

من با قلبی مملو از تأثر و صمیمیت به آقای عشقی مصنف فاضل و حساس رستاخیز تبریک می‌گوئیم و خیلی خوشوقتم که استاد معظم شاعر بزرگوار آقای ملک الشعراء بهار و یگانه نویسنده زبردست آقای دشتی در خاتمه نطق ایشان هر کدام دسته گلی تقدیم آقای عشقی نمودند و آقایان تماشاچیان با دست زدن‌های پرشور و شغف این قدردانی را استقبال نمودند.

م. پ^۱

[اعلان شماره ۴۲]

[اپرت - نمایش - قرائت خانه]

رفع اشتباه

اعلانی در جریده ایران و بعضی از جراید دیگر خوانده می‌شود که نمایش حاجی طرار و عاقبت جوان بی‌علم اثر قلم این گوینده به مورد نمایش گذارده خواهد شد. اولاً لازم است که این اشتباه را رفع نمایم. این گوینده در تحت عنوان حاجی طرار و عاقبت جوان بی‌علم اساساً پیسی ننوشته‌ام. در چندی قبل چند نفر از جوان‌های با ذوق آمدند و اجازه اپرت بچه گدا و یک پرده

نمایش حلواء الفقرا را از من گرفتند. اینک معلوم می‌شود که اسم این دو نمایش را عوض کرده‌اند و من هیچ به این اسم عوض کردن موافق نبوده‌ام. چه آثار فکری این گوینده باید همان اسمی را داشته باشد که سلیقه من برای آن معین کرده است.

و نیز لازم است که اطلاع دهم خود این گوینده در این نمایش هیچ نظارت و دخالتی ندارم. فقط از من اجازه خواستند که این دو پیس مرا بازی کنند و قرائت خانه تأسیس نمایند. من هم اجازه دادم.

ر. میرزاده عشقی^۱

[اعلان شماره ۴۳]

آخرین گدائی

با آنکه هیچ میل نداشتم نمایش «رستاخیز سلاطین ایران» به منفعت بنده تجدید بشود ولی از آنجائی که پرمقروض و پریشان شده‌ام و نیز خیال دارم که از ایران خارج بشوم و چندی در خارج زندگی نمایم این نمایش را به منفعت و مباشرت خودم در آینده نزدیکی به معرض عموم خواهم گذارد. از عموم آقایانی که نسبت به این گوینده حسن توجه دارند و از زندگانی فقیر و بیچاره من اطلاع دارند متوقع هستم که با من کمک کنند بلکه طوری بشود که زندگی من بیش از این مخلوط با عزا و بی‌نوائی نباشد و شاید بتوانم گریبانم را از دست این محیط... خلاص نموده چندی در خارج از این سرزمین زندگانی نمایم و این آخرین گدائی خواهد بود که من در مملکت گدا بجا می‌آورم.

ر. میرزاده عشقی

با اینکه اپرای تمام آهنگی رستاخیز سلاطین ایران در خرابه‌های مدائن در تهران و سایر ولایات ایران مکرر به معرض نمایش گذارده شده است. معذالک موقعیت ادبی و ملی و وطنی آن

همیشه محفوظ و بیننده از مشاهده یک منظره مهم تاریخی فرسوده نخواهد شد.

(قانون)^۱

[اعلان شماره ۴۴]

نمایش باشکوه

تجدید عظمت ایران - به منفعت قرائت خانه فردوسی

پیس در چهار پرده با ارکست

شب جمعه ۲۲ شعبان در سالن گراند هتل بتوسط بهترین اکر و اکریس‌های تهران داده می‌شود شب ۷ حمل یکی از شبهای پرشعف و سرور تاریخی ایران است که فرشته سعادت تجدید عظمت ایران را بشارت می‌دهد و علاقه‌مندان به این آب و خاک را بزنگانی جدید و بدوره تجدید افتخارات و عده و نوید می‌دهد. این پیس که بقلم یکی از جوانان حساس ایرانی نوشته شده اوضاع ادوار گذشته را در نظر مجسم نموده نتیجه حقیقت و صمیمیت را مشهور می‌دارد. کسانی که مایلند معارف دوستان را تشویق نمایند و آنها را به حس فداکاری دعوت کنند و از شرکت در این مجمع مسرور شوند. تا تمام نشده بلیط‌های نمایش را از محل‌های ذیل خریداری نمایند.

مغازه پارسی - خیابان لاله‌زار - کورس لیمتید سبزه میدان - داروخانه جاوید حسن‌آباد - حجره ارباب رستم بهمن‌آبادیان بازار تیمچه ماهوت فروشها قرائت خانه فردوسی ناصریه.

هیئت ترقی خواهان زردشتی^۲

[اعلان شماره ۴۵]

برگزاری نمایش

۱- جریده قانون، ش ۲۰، س ۳، ۲۵ دلو ۱۳۰۲، ص ۴.

۲- همان، ش ۲۵، س ۳، ۱۷ حوت ۱۳۰۲، ص ۴.

(در ليله سه‌شنبه ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰)

به منفعت جریده قانون

نمایش باشکوه

پریچهر و پریزاد

آپیویه لریک یا درام تاریخی مخلوط با موزیک

به زبان فارسی در پنج پرده

اثر فکر دقیق آقارضاخان کمال

قسمت موزیکی پیس مزبور با نهایت دقت به اشتراک چند نفر موسیقیدان ماهر ترکیب شده است و بمساعدت بهترین و یا برترین آکتور و آکتریسهای آرامنه بمعرض نمایش گذارده می‌شود. تقریباً سی نفر از زن و مرد در این نمایش شرکت می‌کنند.

رل پریچهر توسط آرتیست مشهور تحصیل کرده اروپا مادام آقابایوف

و رل شاه توسط استاد ماهر مسیو طریان بازی می‌شود.

ارکستر در تحت ریاست مسیو واقیناک با بهترین طرزی اداره خواهد شد.

محل فروش بلیط نمایش فوق عجالتاً خیابان ناصریه اداره جریده قانون^۱

[اعلان شماره ۴۶]

برای دیدن یک چنین نمایش مهم عجله کنید هم از موزیک هم از آواز هم از تأثر محظوظ خواهید شد.

به منفعت جریده قانون

پریچهر و پریزاد

آپیویه لریک (یا درام تاریخی مخلوط با موزیک)

در پنج پرده به زبان فارسی

اثر فکر دقیق آقای رضاخان کمال

در ليله سه شنبه ۱۳ ربیع‌الثانی با بهترین طرزی به معرض نمایش گذارده می‌شود. برای ترتیب یک چنین نمایش که از هر حیث می‌تواند در این فضل رتبه اول را دارا شود منتها سعی و کوشش به عمل آمده قسمت‌های موزیکش که عبارت از کور، دئو، سلو، فلودگلاسیون است به تصدیق ارباب فن از بهترین موزیک‌ها و همچنین آرتیست‌های ماهری که در آن شرکت می‌کنند از لایق‌ترین اشخاص متخصص در این فن مانند مادام آقابایوف و مسیو طریان و یک عده دیگر انتخاب شده‌اند در این نمایش سی نفر از زن و مرد شرکت می‌کنند و مخصوصاً قسمت قابل توجه البسه می‌باشد که با مبالغ خطیری برای یک چنین نمایشی تهیه شده و تقریباً همه کس می‌توانند در آن شب از عادات و رسومات دوره ساسانی مطلع گردد. علاوه بر تمام این قسمت‌ها دیدن یک چنین نمایش برای اشخاص دانشمند میدان مبارزه ادبی تهیه می‌نماید و به آن موقعی برای انعقادات منطقی می‌دهد.

ارکستر در تحت ریاست مسیو واقیناک با بهترین طرزی اداره می‌شود.

قیمت غیر از لژ ۵۰ الی ۳ قران

محل فروش بلیط خیابان ناصریه اداره جریده قانون

خیابان لاله‌زار اداره جریده شریفه ایران

خیابان پست‌خانه جریده شریفه اتحاد - لاله‌زار مطبعه روشنائی^۱

[سند شماره ۸]

مقالات وارده

مادام آقابایوف و مسیو دریان

گذشته از مساعدت‌های فوق‌العاده که آن دو آرتیست لایق برای نمایش پرچهر و پریرزاد به عمل آوردند مهارت شایان تمجید ایشان نیز تصنیف ناچیز حقیر رازینت

۱- جریده قانون، ش ۱۱، س ۱، ۱۶ قوس ۱۳۰۰، ص ۲.

داد. باید اعتراف نمود که اگر گمراهی ایشان نبود نمایش مزبور چندان رونقی نمی‌یافت. اینک اینجانب در مقابل آنهمه لطفی که از طرف آن دو وجود محترم ابراز شد تأثر «پریچهر و پریرزاد» را بسرکار علیه مادام آقابایوف و یک درام بزرگ تاریخی دیگر موسوم به «زردشت» را که در تألیف آن مدت‌ها صرف شده‌اند. به جناب مسیو دریان برسم یادگار تقدیم می‌نمایم تا به این وسیله ارادت خود را به آن ذوات محترم ثابت کرده باشد. خاتمه از خانمها و آقایانی که مرحمت کرده در نمایش «پریچهر و پریرزاد» شرکت جسته‌اند قلباً اظهار تشکر می‌نماید.

رضا کمال

آقای مدیر محترم جریده فریده قانون پس از تقدیم ارادت تصدیق می‌دهد: اگر تاکنون به جواب تنها مقاله وارده دایره انتقاد تأثر «پریچهر و پریرزاد» که به امضای آقای جاهد درج فرموده بودید موفق نشدم برای این بود که چنانکه حضرتعالی مسبق هستید گرفتاری‌های اداری و شخصی به بنده کمتر مجال می‌دهند که به این قبیل چیزها پردازم. ولی چون اول دفعه‌ای که پس از درج مقاله مزبوره خدمت رسیدم جواب آنرا شفاهاً به عرض رساندم مستدعیم لطف نموده آنچه در این خصوص معروض شد در جواب آقای جاهد مرقوم فرمائید تا ایشان سکوت راجع به انتقاد خود را حمل به عاجز بودن این جانب نمایند. حضرت عالی بواسطه سابقه کامل در این موضوع اختیار تام دارید که از ابراز این لطف بنده را قرین امتنان فرمائید.

رضا کمال^۱

قرائت‌خانه خپام

سه روزه از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ و از ۲ تا ۶ بعد از ظهر - متروحه و
آقایان کرام را بقرائت کتب ادبی، علمی، تاریخی، روان و کلبه جراید داخله
و خارجیه دعوت مینمایند

دفتر قرائت‌خانه خپام

۳ - ۳

[سند شماره ۹]

از مقالات وارده

پریچهر و پریزاد

من خود یکی از تماشاکنندگان این تیاتر باشکوه بودم هنوز پرده بالا نرفته بود رضاخان کمال نویسنده آن پهلوی من نشسته بود حالت ساکت و حزن‌انگیزی داشت یک نفر شخص حساسی مثل او که می‌توانس (می‌توان) بنام (احساس مجسم) نامید البته از پیشرفت اثر خود در خیال باشد واقعا چقدر محجوبیت داشت ابتدا کلمه راجع به نمایش نمی‌گفت تنها منکه خود را به دوستی صمیمی او مفتخر می‌دانم فهمیدم چقدر قلب این شاعر حساس در تزلزل است زیرا به من گفت: عزیزم یقین دارم این اثر من جلب توجه نخواهد کرد جواب دادم باید دید بالاخره پرده بالا رفت پریچهر در میان صحنه نمودار شد (رول پریچهر را مادام آقا بایایوف بازی می‌کرد) در دست خود دسته گلی داشت پس از اجرای مقدمات نمایش و قسمت‌های عاشقانه بخت‌آزمایی شروع شد یعنی پریچهر و دختران اطراف او فال گرفتن آغازیدند.

آه چه منظر ساده‌لوحی بود هر کدام از دختران شعری لطیف و عاشقانه خواند و دست فرا برده از میان دامن پر از گل یکی از میان گلی برمی‌داشت.

[سند شماره ۱۰]

آقای مدیر محترم

اثراتی که از مشاهده پریچهر و پریزاد در من تولید شد مرا تحریک می‌کند که به پاس خدمات متصدیان عرض تشکر تقدیم دارم - بدون تردید این پیس از بهترین پیس‌هایی بوده که در سالون گراند هتل به معرض نمایش گذاشته شده و مخصوصا

مهارت آرتیست‌های محترم به قدری برشکوه و ابهت آن افزوده بودند که هر ذی‌حسی را متأثر می‌کرد. مسیو طریان رول شاه را بازی می‌کرد آن ژست‌ها آن حرکات به موقع و آن زبردستی‌های غیرقابل وصف شهادت می‌دادند که بازی‌کننده رول شاه از بهترین آرتیست‌ها است. قلم بنده قاصر است از اینکه طرز بازی کردن آبابوف را تشریح کرده تمجید نمایم همین قدر می‌نویسیم که اگر منصف باشیم تصدیق خواهیم کرد که این آرتیست ماهر برای جامعه ما زیاد است. کدام یک از آنها را می‌توان تنقید کرد؟ آیا قطعات اخلاقی و مهارتی که بازی‌کننده آن بخرج داد فراموش شدنی است؟ این نمایش روح انسانیت را زنده کرده و ثابت نموده که ما هم دارای فکر و دارای احساسات هستیم. من از طرف خود وعده از دوستانم تشکرات قلبیه را خدمت آقای کمال و آرتیست‌های محترم تقدیم داشته و به شما تبریک می‌گویم که در سایه جدیت و فداکاری عملاً نشان دادید:

ایرانی زنده و حساس است.

دوست شما: ف. خ.^۱

[سند شماره ۱۱]

شعر و موسیقی

تحفه ادبی به آقای رضاخان کمال به مناسبت نمایش پریچهر و پریزاد شعر و

موسیقی یا موسیقی و شعر!

باید این جمله را بهر دو صورت نوشت چه نه می‌توان شعر را بر موسیقی و نه

موسیقی را بر شعر ترجیح داد و برای اینکه این دوشیزگان هیچ یک آزرده خاطر

نشوند ادب حکم می‌کند که هر جا این جمله (شعر و موسیقی) را می‌نویسند فوراً

معکوس آن را هم در مقابل می‌نگارند! اگر کسی بخواهد شعر و یا موسیقی را

تحریف کند! یا باید هیچ نگوید و یا باید خیلی دامنه سخن را وسعت دهد: هیچ نگوید برای اینکه انسان در مقابل بدیهیات ساکت است و هر چه را که همه می دانند نباید تعریف کند. هیچ نگوید برای اینکه خاموشی، خود در این موقع ادب و فروتنی است و فروتنی نسبت به آن دو آلهه زیبا و این دو موجود ملکوتی از دایره نطق خارج نمی باشد. یا باید خیلی دامنه سخن را وسعت دهد. زیرا که شخص در وقتیکه می خواهد دماغ سرشار و قلب مملو از چیزی را خالی کند و بنوک قلم بیاورد مثل کسی است که آب دریا را با قطره چکان برون می کشد. راست است که ترجمان احساسات و زبان واسطه فکر و مباشر گنجینه، دماغ است ولی فقط تا آنجا که یارایی باشد شعر و موسیقی هر دو زبان طبیعت اند و انسان هم ایندو قوه را فقط از طبیعت گرفته است ولی چون طبیعت منشأ این دو قوه آسمانی است و انسان به درجه آن قوت تقریر و ادای ایندو زبان را ندارد انسان فقط ایندو زبان را ناقص حرف می زند و طبیعت قطعاً کامل تر از همه ماها آنها را ادا می کند. بعضی عوالم در طبیعت است که از کودک خوردسال گرفته تا پیر فوتوت سال خورده همه کی آن را می ستاید بعضی نواها و آهنگ ها در طبیعت است که طبایع متضاد و سلیقه های مختلف را جلب می کند آهنگ مرغها، نغمه جویبارها - صدای باد همه در این حالت آنان اینها تمام لحن های موسیقی و اوزان شعر هستند. سکوت خود، آری خاموشی هم یک لحن موسیقی و یک وزن شعری است که فقط عده قلیلی می توانند آهنگ آترا درک کنند. این آهنگ نوائی است که از کلیه نغمه های دلفریب تشکیل یافته: در خاموشی شخص حساس نغمه قلب خود را می شنود صدای احساسات او بگوشش می خورد. آهنگ زندگانی خود را درک می کند فریاد ضمیر خود می شنود و بالاخره حس می کند که آواز طبیعت و صدای موجد از اندرون او ظنین انداز است!

اشخاصی که متفکراند در این حالت و در بین نغمات خاموشی الحان فکر خویش را هم درک می نمایند! این است نغمه خاموشی!

پس خاموشی یک دستگاه موسیقی و یک کتاب شعر است که تمام الحان و اوزان در آن ثبت شده‌اند گفتیم که شعر و موسیقی هر دو توأم‌اند! حال باید گفت لازم و ملزوم یکدیگر نیز هستند:

موسیقی بدون شعر گنگ است. احساسی است که زبان ندارد. شعر هم بی موسیقی زبانی است که روح ندارد. بدنی است که قلب ندارد و بالاخره پیکری است که هنوز روح در آن ندمیده است. مکرر امتحان کرده‌اید که یک غزل را برای، شما خوانده‌اند فقط لذتی از آن برده‌اید بواسطه ملایمات لفظی و نوازش‌های معنوی بوده است. اثر آن در دفاع شما آنقدر پایدار نبوده است چه به محض اینکه غزل به آخر رسید یا فکر دیگری از دماغ شما پیدا شد اثر شعر از مخیله شما بیرون رفته است ولی اگر شعر را در پرده موسیقی برای شما بگذارند یکی معانی دقیقی و یک ملایمات دلربای دیگر از آن درک می‌کنید. بگذریم از آن شاعر یا ادیبی که از شنیدن شعر بی موسیقی حظ می‌برد او حجاجی است که از نظاره مجسمه ناتمام و طراحی شده کیف می‌برد زیرا که او فقط به قوه قریحه و ذهن خود مسرور می‌شود. موسیقی هم بی شعر همان غزل است که بدون لحن موسیقی خوانده می‌شود تجربه کرده‌اید که اگر آوازی را برای شما بنوازند و قوال یا خواننده نباشد اشعار را با آن مطابقت دهد بزودی کسل می‌شوید شما را خواب می‌گیرد ولی اگر شعر و موسیقی را با هم توأم کنند به محض اینکه مضراب از کار افتاده و تار ساز ساکت ماند تا زمانی سکوت دوام دارد. خواهی نخواهی همان لحن با همان اشعار در دماغ شما ساری است و متصل همان را درک می‌کنید مثل آن است که باز هم با گوش خود می‌شنوید. نوازنده و موسیقی دان هم که از لحن‌های موسیقی بدون کمک شعر مسرور می‌شود مثل همان حجاج است و یا بالاخره مثل معلمی است که از فرط ممارست دیگر پیش خود محتاج نیست فلان مسئله فیزیک را با استعانت به ادوات و تجربه حل کند. دامنه شعر و موسیقی مثل دامنه احساسات و تفکرات فوق‌العاده وسیع است ولی

اگر در کنه مطلب وارد شویم می‌بینیم که تمام الحان موسیقی و اوزان شعر یکی هستند موسیقی و شعر مثل گلوله است که چون آنرا قابلیت اتساع باشد و به کشش درآوریم هزاران خط از آن می‌توان ساخت و یا بالاخره مانند آن سلول است که عده لایتناهی از موجودات را تولید می‌کند ولی در حقیقت امر یک گلوله و یک سلول بیش نیست با نوت‌های موسیقی و اوزان شعر هم در حقیقت نفس یکی بیشتر نیستند به همین جهت است که طبیعت محزون باز هر چه باشد از موسیقی جدا و از شعر سروانگیز متأثر می‌شود. و غربی هر چه با موسیقی یا شعر شرقی آشنا نباشد باز از آن لذتی می‌برده. موسیقی و شعر در حالتی که دارای طبایع مختلفه نیستند طبیعت‌های متضاد را پسند می‌آیند و هر کس را به مذاق خود ذوقی می‌بخشند! زیرا که هر دو زبان و ترجمان طبیعت‌اند و طبیعت همه در هر دفاعی قوه قاهر و مهم‌ترین عامل است. عالم موسیقی و شاعر هر دو آثار خود که کار می‌کند: هم کاری نمی‌کند و هم خیلی کار می‌کنند! کاری نمی‌کنند برای اینکه فقط پیروی از طبیعت می‌نمایند و آنچه را که طبیعت می‌گوید تکرار می‌کنند منتها به زبانی که ما درک می‌کنیم زیرا که ما زبان طبیعت را نمی‌فهمیم ولی زبان شعر و موسیقی قابل فهم ما است.

خیلی کار می‌کنند برای اینکه ترجمان احساسات عنصر بی‌زبان واقع می‌شوند. احساسات را که خود به هیچ زبانی در نمی‌آید آنها به زبانی در می‌آورند که ماها همه می‌فهمیم. در نمایش پرچهر و پریرزاد شاعر و موسیقی‌دان و آکتورها یعنی به عبارت مختصرتر آرتیست‌های این تأثر که غیر از شعر و موسیقی چیزی بوده این مهارت خارق‌العاده و مافوق قدرت را به ظهور رسانند یعنی مترجم احساسات طبیعت که عامل زندگی و روح اجتماع است واقع شدند و برای حضار چیزی را به زبان موسیقی و شعر که همه ما می‌فهمیم ترجمه کردند که به هیچ زبان در نمی‌آید.

سعید نفیسی - عضو دانشکده^۱

[اعلان شماره ۴۷]

بافتخار

آرتیست مشهور مادام آقابابوف

پریچهر و پریزاد

بخواهش عده‌ای از آقایان محترم در ليله سه شنبه ۱۱ ج ۱ باشکوه زانداالوصفی تجدید خواهد شد.

محل فروش بلیط: مدرسه آرامنه دفتر گراند هتل مطبعه
فارس^۱

[اعلان شماره ۴۸]

نمایش پریچهر و پریزاد

که قرار بود شب جمعه ۲۷ ربیع الاول به منفعت جریده ملی ستاره ایران داده شود به واسطه کسالت مادام آقابابوف به ليله پنج شنبه ۳ ربیع الثانی مطابق اول قوس ۸ ساعت بعد از ظهر موکول گردید.

(ستاره ایران)^۲

[اعلان شماره ۴۹]

پریچهر و پریزاد

با شکوه و تجمل فوق العاده بجای ليله جمعه ۲۵ شوال در ليله دو شنبه ۲۸ شوال در سالون گراند هتل به اشتراک آرتیست شهر مادام آقابابوف پری به معرض نمایش گذارده می شود. چون

۱- همان، ش ۱۹، س ۱، ۱۳، جدی ۱۳۰۰، ص ۲.

۲- جریده شفق سرخ، ش ۹۰، ۲۴، عفر ۱۳۰۱، ص ۳.

عایدات این نمایش برای مصرف خیری اختصاص داده شده است آرتیست شهر (پری) مجانا^۱ عهده‌دار رل پریچهر شده‌اند.

۵-۱

[سند شماره ۱۲]

نمایش پریچهر و پریزاد

آقای رضاخان کمال، من یک نفر تماشاچی نمایش پریچهر و پریزاد هستم که شب اول قوس به منفعت جریده شریفه ستاره ایران داده شد.

شنیدم که شما یک زمان دور افتاده را از میان قرنهای فراموش شده بیرون کشیده و اسناد تاریخی در تیاتر خود نمایش داده‌اید. وقتی که شنیدم مطلب راجع است به خواب معروف انوشیروان که اغلب مورخین به آن اشاره کرده‌اند، بیشتر مایل شدم. زیرا که تصور نمی‌کردم یک جوان ایرانی بتواند تاریخ مملکت خود را به رنگ نمایش درآمی درآورد.

شما عهد آن پادشاه عادل را انتخاب کرده بودید که هر ایرانی به آن افتخار می‌کند. و یک واقعه زیبایی از عهد او را اختیار نموده‌اید که کمتر شبیه دارد. خلاصه آن شب در صورتی که مردم مشغول بودند با نطق آقامیرزا مایل ضدیت کنند و در صورتی که تماشاچیان از اثر بی‌نظمی اداره‌کنندگان نمایش به مسندهای بالا دست هجوم می‌آوردند، من در میان آن همه هیاهو نظرم به شاهکاری بود که به این شیرینی از زیر قلم شما بیرون آمده است. فی الحقیقه جریده محترم ستاره ایران هم از یک ماه قبل از نمایش، اعلانات شیرین جالب توجهی می‌کرد و بر آتش اشتیاق دامن می‌زد. چند بار نوشته بودند که این تیاتر منحصر به فرد اثر فاضل جسور آقای رضاخان کمال است و بیش از پیش مشتاق شده بودم.

۱- جریده قانون، ش ۴۶، س ۳، ۵ جوزا ۱۳۰۳، ص ۴.

منتظر بودم که جریده شریفه ستاره ایران فردای نمایش بیش از سابق از شما تعریف و از تیاتر ترویج خواهد کرد، ولی متأسفانه در صفحه اول آن نامه محترم انتقاداتی را مطالعه کردم. این مطلب را من بد نمی‌دانم و هرگز شکایت نمی‌کنم که چرا یک جریده که نمایش به منفعت او بوده و تاتری که به او منتسب شده است در عوض هر پاداشی انتقاد کند.

آری من بد نمی‌دانم و اصراری در جواب دادن به آن ندارم زیرا که هر کسی عقیده‌ای دارد و در گفتن عقیده انتقاد خود آزاد است اما چون شما را یک جوان عصبانی می‌دانم و می‌ترسم از این جریده رنجه خاطر شوید و اگرچه متانت شما را می‌دانم، مبادا به یک جریده محترمی حمله نمائید ناچارم که افکار خود را برای شما بنویسم تا بدانید که اگر نویسنده آن شرح ستاره ایران تیاتر شما را نپسندید من و یک عده هم پسندیده‌ایم و اگر تیاتر شما در این ظلمت‌کده چند قلب دوست برای خود تهیه کرده باشد، اجر شما پرداخت شده است. من عقیده خودم را می‌گویم و کاری با دیگران ندارم زیرا که من هم عقیده دارم و در گفتنش باید آزاد باشم. قلم من لایق تشویق شما نیست، اما نویسندگان از تمجید کوچکترین اشخاص هم مسرور می‌شوند. به شما ایراد گرفته‌اند که چرا جنازه پریزاد را نمایش داده‌اید و این مخالف تیاتر قرن بیستم است. شما از این ایراد رنجه نشوید. زیرا که البته تیاترهای عظیم و پسندیده که دنیای متمدن رقیق‌الطبع امروزه را مات و مبهوت داشته است، مطالعه کرده‌اید. مثلاً سربریده حضرت ذکریا را در تیاتر مشهور سالمه نویسنده انگلیسی اسکار وایلد و زهر خوردن و به سختی جان سپردن قدقورا را در درام مصنف فرانسوی - ساردو - و کشته شدن دزدمونا و انتحار اتللو در تیاتر بی‌نظیر شکسپیر انگلیسی و ظهور و ذفیله پری رویان معدوم در تیاتر «مرد و گل» اثر روان‌بخش هانری باتای و قتل مادر مهربان به دست پسر خود در فاجعه با شکوه لوکوس بورژیا تألیف

ویکتور هوگو را دیده‌اید. اگر این نمایش‌ها در تیاترهای رقت‌انگیز - تراژدی - علامت وحشی‌گری است، پس تمام این نویسندگان عالم متمدن باید وحشی باشند. اگر وحشی هستند، شما هم به وحشی بودن افتخار کنید. زیرا که آن وقت در معنی کلمه حرف هست. آقای کمال اگر شما وحشی هستید پس ویکتور هوگوی مهربان و شکسپیر بزرگ رؤف باید آدم‌خوار باشند.

راجع به فال گرفتن و خیر دادن پیره زن از غیب هم به عقیده من انتقاد ایشان وارد نبود زیرا که شما مورخ و نمایش‌دهنده یک عهدی بوده‌اید که به بالاتر از اینها اعتقاد داشته‌اند. البته تیاترنویس باید همان‌طور که لباس اشخاص را تقلید می‌کند، اخلاق و رفتار آنان را نیز منعکس نماید. خیلی مضحک بود اگر شما انوشیروان موقر را نشان می‌دادید که رقص می‌کند. به خیال اینکه پادشاه جوان بلژیک روزی با خانم‌ها رقص کرده است. درباریان قرن اول بعد از هجرت را با فکل و کروات از آخرین مد پاریس نمایش می‌دادند، زیرا که فلان آکتر در تیاتر کمدی فرانسه با آن لباس ظاهر شده است. نه عزیزم، هیچ متأسف نباشید و به هیجان نیائید. انتقاد خوب است و بی‌انصافی و قدرناشناسی بد. شما قدرشناس باشید و انتقاد را هم بپذیرید و اگر نقصی دارید، تکمیل کنید و اگر دیگران نقصی در شما می‌بینند رأی آنها را هم محترم بشمارید.

امیدوارم در تعقیب خدمات ملیه خود سعی کنید این فن شریف را تکمیل نمائید. مخصوصاً همین نمایش پریچهر و پریزاد را در چندین دفعه دیگر نمایش دهید که قدر آن هر چه بیشتر دیده شود، بیشتر شناخته می‌گردد. آری نمایش بدهید و جراید ملی را محترم شمرده و کمک نمائید و ارادت مرا هم بپذیرید.

یک نفر تماشاچی

انتقاد نردبان تکامل و اصلاح است و تا در هر موضوعی انتقاد و بحث مثبت و منفی روی ندهد آن موضوع کامل و خالی از عیب نخواهد بود. به عقیده ما نخست جوانان منورالفکر و جراید وزین باید این باب را گشود. و انتقادهای مختلف را بپذیرند و انتقاد خالی از شائبهٔ غرض را ترویج نمایند. سعی کنند در انتقاد جنبه شخصی طرف مقابل جریحه‌دار نشود و در عین حال سطور انتقاد نیز به خودستایی آلوده نشود. اگر این نکات در انتقادات ملحوظ شود با همه جهل و فساد اخلاقی که بر این محیط حکم فرما است، تأثیرات نیکو خواهد بخشید.

در انتقادی که در جریده شریفه ستاره ایران از پیس (پریچهر و پریزاد) شده بود، تا یک درجه محسوس این نکات ملحوظ افتاده و ما هم تصور نمی‌کردیم کمال فاضل از آن مکدر شود. الحال که نویسنده محترم فوق ملاحظاتی در اطراف انتقادات جریده محترمه ستاره ایران ایراد کرده‌اند، ما هم نظریات خود را به طور خلاصه ذکر می‌کنیم:

۱- راجع به نمایش دادن پریزاد ما هم انتقاد داریم، ولی برخلاف نویسنده محترم ستاره ایران به عقیده ما منظره جسد بی‌روح پریزاد چندان موحش نبود. برای نشان دادن یک منظره که حاکی از سفاکی و خودسری سلاطین سلف است، می‌بایست سطح سن خونین و پیکر بی‌روح پریزاد با دشنه خون‌آلود جلااد و قیافه متشنج و جامه سرخ پر از خون نمایش داده شود و یک منظره خیلی دردناک‌تر و مولم‌تری بوده باشد.

۲- راجع به فالگیری و نفرین پیره‌زن و بالاخره مؤثر واقع شدن و منتهی گردیدن به این نتیجه شوم، غرض نویسنده بیان خرافات و موهوم‌پرستی عصور^۱ تاریک جاهلیت است، ولی لازم است که به وسیله وقایع مندرجه در پیس، عدم صحت آنها

برای دیدن يك چنین نمایش مهم مجله کنید هم از موزيك
هم از آواز هـ از تاتر محفوظ خواهید شد

بهمنهت جزیده قانون

پریچهر و پریانك

ابویه ابريك (یادرام تاریخی محفوظ با موزيك)

در پنج برده

بزرگان فارسی

اثر فکّر دقیق آقای رضا خان کمال

در ایله سه شنبه ۱۳ ربیع الثانی با بهترین طرزی بمرض نمایش گذارده میشود
برای ترتیب يك چنین نمایش که از هر حیث میتواند در این فصل رتبه اول را
دارا شود متها سعی و کوشش به عمل آمده قسمتهای موزیکش که عبارت از کور
- دثو - ساو - فلودگلاسیون است به تصدیق ارباب فن از بهترین موزیکها و همچنین
آرتیستهای ماهری که در آن شرکت میکنند از لایق ترین اشخاص متخصص در این
فن مانند مادام آقاابوف و مسیو طربان و يك عده دیگر انتخاب شده اند در این
نمایش سی نفر از زن و مرد شرکت میکنند و مخصوصاً قسمت قابل توجه البسه
میباشد که با مبالغ خطری برای يك چنین نمایش تهیه شده و تقریباً همه کس
میتوانند در آن شب از عادات و رسومات دوره ساسانی مطلع گردد
علاوه بر تمام این قسمتها دیدن يك چنین نمایش برای اشخاص دانشمند میدان
مبازره ادبی تهیه مینماید و بانها موقی برای انعقادات منطقی میدهد
ارگستر در تحت ریاست مسیو واقیناک با بهترین طرزی اداره میشود

قیمت غیر از از ۵۰ الی ۳ قران

مـل فروش بلیط خیابان نصربه اداره جزیده قانون - خیابان لانه زار
اداره جزیده شریفه ایران - خیابان پست خانه جزیده شریفه اتحاد - لانه زار مطبعه روشنائی

پوستر نمایش «پریچهر و پریزاد»

نشان داده شود و بفهمانند که ظهور آن نتایج برحسب صدقه و اتفاق بوده است.



در هر حال فضل و حساسیت آقای کمال و این پیس قابل تمجید است. البته ما نمی‌توانیم بگوئیم این پیس‌هایی که امروز در ایران نوشته می‌شود از هر حیث کامل و بدون نقص می‌باشد، ولی نسبت به حالت حاضره و طفولیت این فن، آثار قلمی آقای کمال قابل تحسین است.

همچنان که پای کوبیدن‌ها و دست زدن‌های بی‌مورد تماشاچیان، آن غوغا و جنجالی که برخلاف ادب و نزاکت در مقابل نطق آقای مایل مشهود گردید و همچنانی که گراند هتل پول زیاد از نمایش دهندگان می‌گیرد و در اثنای چهار ساعت نمایش، چندین مرتبه چراغ‌های برق روشن و خاموش می‌شود و اینکه مثلاً از اصل چراغ ندارد و یا اینکه بعضی اوقات که نمایش دیرتر از موقع تمام می‌شود، تفضلاً نیم ساعت مردم را از روشنایی چراغ برق مستفیض نمی‌فرمایند، همه اینها به ما می‌فهماند که فن نمایش در مراحل طفولیت خود می‌باشد. پیس‌هایی هم که نوشته می‌شود خالی از نقص نیست، ولی در مورد تحسین یا تمجید یک نگاشته باید این مقتضیات را هم در نظر گرفته و آن وقت اعتراف کنیم که کمال، مستحق تمجید است و پیس او هم خالی از انتقاد نیست. البته باقی الجملة اصلاحاتی بهتر خواهد شد و اگر یک پیس دیگر بنویسند، بهتر از اولی خواهد شد و پس از نوشتن چند قطعه از این قبیل و تشویق ارباب فضل ما هم دارای نویسندگان خوبی خواهیم شد.

شفق سرخ^۱

[اعلان شماره ۵]

به یادگار فقید دانشمند

خواب شاه

اپرت الاهی یا خدای زن ترجمه فقید دانشمند آقا مجتبی طباطبایی رادر لیله غره ربیع الاول منتظر باشید. مخصوصاً قسمت موزیک که آن هم آثار فقید مزبور است.

دفتر روزنامه شهاب^۱

[سند شماره ۱۳]

[اپرت] نماش الهه

پرده که ما را مدتی از دیدار صحنه تیاتر مانع بود بالاخره بالا رفت و باغی دلگشا ظاهر شد. در کنار آبشارها و میان درختان گل‌های رنگارنگ شکفته و هر یک به نوبت خود نظر بینندگان را جلب می‌نمود. یک موزیک ملایمی به تقلید صدای نسیم بهاری در میان ساخسار مترنم بود. پروانه آسمانی رنگی بر گرد گلها و فواره که در وسط صحنه جستن می‌کرد، در گردش بود.

شاه در این چمن وارد شد و میل کرد بر روی تخت خوابی که در زیر سایه درختان نهاده شده بود، استراحت کند، ندیم او را منع کرد که این مکان تفرجگاه پریان است بیم آن می‌رود که وجود شاه را گزندی برسانند. شاه نشیند و خوابید.

شاه در خواب دید که الهه عشق به او عاشق شده و از مکان آسمانی خود فرود آمده خود را به او سپرده است و هر یک از این گل‌های رنگارنگ نیز به شکل دختری ماه پیکر در اطراف او به خواندن و رقصیدن شروع کرده‌اند. ناگاه الهه‌ای به شکل دلریا وارد شد و گل‌ها بر او گرد آمدند. یک خوانندگی هم صدایی نمایشگاه را به اهتزاز

درآورد. شاه زنان حرمسرای خود را به ندیمی و خادمی او محکوم کرد. لشکریان و اهل مملکت از این که شاه خود را اسیر زنی غریب و از جنس دیگر ساخته است به خشم آمدند. وزرایی که از کار معزول شده بودند، عصیان کردند و برادر شاه را برانگیختند تا سلطنت را از شاه منتزع کند، غوغا بالا گرفت و اجتماعات خطرناک گشت. بالاخره مجبور شد بنا به نصیحت ندیم خاص خود الهه عشق را از نزد خود براند و وزرای معزول را منصوب کند.

وداعی که الهه عشق از معشوق خود می‌کند و با درد و رنج بسیار صحنه را ترک می‌گوید، به قدری دردناک بود که شاه خود را با کاردی که در کمر داشت به قتل رسانید و صدای طنین‌انداز الهه که با آندوه تمام

(باد خزانی رسید وقت جدایی رسید)

گویان دورتر و دورتر می‌شد، در تاتر پیچید و ما را با حزن و تأثر بسیار به ختم حکایت آگاه ساخت. چون شاه خود را به قتل رسانید الهه یک بار دیگر ظهور کرد. دسته‌گلی به پاداش وفاداری او بر روی سینه‌اش گذارد. ندیم شاه پیش آمد و او را بیدار کرد. شاه از این خوابی که دیده بود بسیار اظهار عجب کرد و از آن محل موخس بیرون رفت.

چنان که از خلاصه حکایت ملاحظه می‌شود این نمایش چندان مفصل و دارای آنتریک‌ها و دسیسه‌های حیرت‌انگیز نبود. ولی زیبایی صحنه و موزیک ساده، مطلب را جبران می‌کرد. عشق ساده و اصلی که سزاوار ملکه بود. عشقی که مخلوط به شعر و موسیقی و شوق ظهور کرده و با ناکامی و بیم و آندوه ادامه یافته و بالاخره با حدت و خودکشی به اتمام رسید و جز دسته‌گلی از آثار خود چیزی باقی نگذارد. گل‌ها در مکالمه و در آواز مقصود خود را نمی‌فهمانیدند. البته ما هم جز زیبایی آنها انتظار استفاده کلامی نداشتیم، زیرا که سخن پریان و حوریان و یا آواز پروانه‌ها و

گل‌ها را بشر خاکی نباید بفهمد و آنان نیز فارسی را نباید خوب حرف بزنند. الهه عشق چنگ برگرفت و حکایت تشبیهی برای اهل حرم خواندن گرفت و چنین گفت: چوپانی گوسفندان خود را در دامنه کوهی می‌چراند. چون به بالا نگرست قله برف آگین کوه را با آسمان خاکستری رنگ متحد دید، پنداشت که از این کوه ممکن است به آسمان صعود کرد. از نشیب کوهسار بالا رفت و به فراز آن رسید. دید که صفحه خاکستری رنگ بالاتر و دورتر می‌شود و پای بشر بر آن نتواند رسید، چون میل فرود آمدن کرد برف و یخ او را هلاک کرد و به قعر دره‌ها افکند.

البته خداوند عشق از این حکایات بسیار در نظر دارد. زیرا که خودش آسمانی است و عشاق را سراب مانند به سوی خود کشیده و خود دامن کشان دورتر و دورتر می‌رود تا اینکه عاشق را نومید و به قعر ورطه پشیمانی و ناکامی پرتاب سازد. این است سرنوشت بشر و این است عاقبت عشق.

مادام آقابایوف این را بازی می‌کرد و آواز صاف و روشن ایشان هر نوع ابهامی که در مکالمه دختران دیگر بود را رفع می‌کرد و در حقیقت توضیح می‌داد که در اطراف او چه می‌گذرد.

این نمایش که در شب دوشنبه گذشته در سالن گراند هتل به منتفعت جریده شهاب داده شد. بسیار نکاتی دارد که لایق ذکر است و بسیار نواقص دارد که در ایران رفع آنها را انتظار نباید داشت و همین قدر که ترکیب کننده آن مرحوم آقا مجتبی طباطبایی توانسته است از عهده برآید بسیار شایان تقدیر است. اگر آقا میرزا سعیدخان نفیسی ابتدای پرده دوم شرح حال و فضایل آن جوان ناکام را با مهارت و فصاحت مخصوص خودشان بیان نکرده بودند، حق بود که این مقاله صرف شمردن فضایل آن فقید شود ولیکن ایشان به وجه اکمل و وظیفه جوانان و رفقای سوگوار او را ادا کردند و دیگر جای سخن نیست.

به جریده شهاب نیز باید تبریک گفت که اگرچه از قسمت فروش بلیط و استفاده مادی دورماند و شاید ضرری نیز متوجه شده باشد ولیکن استفاد معنوی که از اختصاص یک چنین نمایشی به خود یافته‌اند، چندان کم قیمت نیست.

رشید یاسمی^۱

[اعلان شماره ۵۱]

کنسرت عالی اروپایی

نمایش باشکوه الاله

به منفعت آرتیست شهیر مادام آقابایف (پری)

اپرت در چهار پرده

تصنیف آرتیست شهیر مادام آقابویف (پری)، ترجمه فقید دانشمند، مرحوم طباطبائی، با تغییرات و تکمیلاتی که در اصل پیس و آهنگ‌های آن داده شده با بهترین طرز، توسط ماهرترین اکترواکتریس‌های ایرانی و ارمنی، در لیله جمعه ۲۹ جمادی الثانیه، در سالن گراند هتل به معرض نمایش درمی‌آید. صاحبان ذوق موسیقی و قریحه ادبی، به حضور در نمایش فوق دعوت می‌شوند.

قیمت بلیط: از ۳۰ تا ۵ قران

محل فروش بلیط: منزل مسیو آقابایف، خیابان علاءالدوله، نمره ۵

حجره مدیر الصنایع بازار

دفتر گراند هتل

مغازه کریانف، لاله‌زار، جنب هتل بلوار^۲

۱- همان، ش ۸۱، اول عقرب ۱۳۰۱، صص ۳ و ۴.

۲- جریده قانون، ش ۸۲، س ۲، س ۲، ۵ دلو ۱۳۰۱ - ص ۴.

[اعلان شماره ۵۲]

لیله جمعه ۲۹ جمادی الثانی

به افتخار آرتیست شهیر، مادام آقابابوف (پری)

کنسرت عالی اروپایی، در یک پرده

اپرت الاله

اثر فکر و قلم مادام آقابابوف (پری)

با تغییرات و تکمیلاتی که در اصل پیس و آهنگ‌های آن داده شده است با بهترین طرزى توسط ماهرترین آما توره‌های ایرانی و ارمنی، در لیله جمعه ۲۹ جمادی الثانی در سالن گراند هتل به معرض نمایش گذارده خواهد شد.

قسمت‌های برجسته موسیقی، که اثر فکر استادان ماهر این فن است، با رقص معروف الاله، فوق‌العاده بر شکوه و تجمل این نمایش افزوده است. صاحبان ذوق موسیقی و قریحه ادبی البته چنین شب‌نشینی باشکوهی را غنیمت خواهند شمرد.

قیمت بلیط: از ۳۰ تا ۵ قران

محل فروش: مغازه برادران کریانف

مدیر النصایع بازار

دفتر گراند هتل

منزل مسیو آقابابوف^۱

[اعلان شماره ۵۳]

رَبَّةُ النُّوعِ كُلِّ

بواسطه کسالت ناگهانی خانم محترمه، مادام آقابابوف، اپرت الاله ربه النوع گله‌ها، در لیله

دوشنبه، سوم رجب، به معرض نمایش گذارده خواهد شد.^۱

[اعلان شماره ۵۴]

لیله دوشنبه ۲۳ رجب

اپرت الاله

بنا به تقاضای عده‌ای از آقایان محترم نمایش باشکوه الاله با همان محسنات سابق در

لیله ۲۳ رجب به اشتراک آرتیست شهیر پری مادام آقابابوف

به معرض نمایش گذارده خواهد شد. البته صاحبان ذوق و قریحه ادبی، این شب باشکوه را غنیمت خواهند شمرد.

قیمت بلیط: لژ اول: ۱۵ تومان

لژ دوم: ۱۲ تومان

صندلی: از ۳۰ تا ۵ قران

محل فروش بلیط: منزل مسیو آقابابوف

[اعلان شماره ۵۵]

جشن گل‌ها و خدای گل، آلاهه

نظر به مسافرت، مادام آقابابوف پری حاضر شده‌اند که نمایش آلاهه را که اثر فکر آرتیست

شهیر پری و به توسط فقیه مرحوم آقا مجتبی طباطبائی و آقارضاخان شهرزاد ترجمه شده است

در تحت ریاست عالییه هیأت متحده مطبوعات، با بهترین ترانه‌های موسیقی و نواهای کاملاً

مشرق زمینی در لیله شنبه ۱۴ اسفند در سالن گراند هتل به منصفه نمایش بگذارند. آقایان

حساس و علاقمندان به آثار ادبی را به شرکت در جشن گل‌ها که رل مهم آلاهه را شخص

۱- همان، ش ۹۵، س ۲، دلو ۱۳۰۱، ص ۳.

۲- همان، ش ۱۰۸، س ۲، ۱۶ حوت ۱۳۰۱، ص ۴.

آرتیست پری عهده دار خواهند بود دعوت می‌نمائیم.

از خریداری بلیط این نمایش باشکوه غفلت نکنید که محروم خواهید ماند.^۱

[اعلان شماره ۵۶]

اعلامیه برگزاری اپرت الهه در مدرسه دخترانه زرتشتیان برای خانمها

اپرت الهه روز جمعه ۷ اردیبهشت [فردا شب] در مدرسه خترانه زرتشتیان برای خانمهای

محترمه در ساعت ۵/۳۰ بعدازظهر نمایش داده خواهد شد. محل فروش بلیط مغازه بن‌ار لاله‌زار

شب نمایش در خود سالن نمایش.^۲

[اعلان شماره ۵۷]

نمایش باشکوه الهه

درام موزیکال در سه پرده تألیف مادام آقابایف پری

در سالن گراند هتل

لیله ۱۷ خرداد ساعت هشت و نیم بعدازظهر

آقایانی که این نمایش را ندیده‌اند البته تعریف آن را شنیده و مایل هستند که برای یک

دفعه تماشا کنند.^۳

[اعلان شماره ۵۸]

اپرت بی‌نظیر الهه

در سالن گراند هتل

۱- جریده ناهید، ش ۵۱، ص ۵، ۸ اسفند ۱۳۰۴، ص ۸.

۲- اطلاعات، ش ۴۷۵، ۶ اردیبهشت ۱۳۰۷، ص ۴.

۳- روزنامه ایران، ش ۲۴۰۵، ۱۲ خرداد ۱۳۰۶، ص ۳.

یک شب فراموش نشدنی

که اثر قلم مادام پری آقابایوف و ترجمه مرحوم آقا سید مجتبی طباطبایی است برای بیست و پنجمین دفعه در روز دوشنبه ۷ بهمن ساعت ۷ بعدازظهر توسط یگانه آرتیست شهر، ستاره شرق مادام پری آقابایوف در سالن گراند هتل به معرض نمایش گذارده خواهد شد.

قیمت بلیط: از ۱۰ قران الی ۳۰ قران. از تک صندلی ۵ قران به بالا.

محل فروش بلیط: لاله‌زار مغازه بن‌ارو، مغازه بلوار

ناصریه مغازه آذربایجان و دواخانه شریف

شاه آباد دواخانه سیروس

و شب نمایش درب‌گیشه گراند هتل^۱

[سند شماره ۱۴]

«الله»

دیشب نیز یک اشتباه من رفع شد زیرا من فرض می‌کردم تنها کسی باشم که تا حال اپرت الله با وجودی که چندین بار داده شده است ندیده باشم و این اشتباه تا درب گراند هتل و بلکه درب دخول سالن با من بود ولی تعجب کردم وقتی که دیدم از هر که می‌پرسم این اپرت را دیده‌اید؟ جواب می‌دهد چندین مرتبه و با وجود این وقتی که (به) سالن داخل شدم صندلی خالی دیده نمی‌شد.

ازدهام جمعیت برای خرید بلیط ورود به سالن تعریف‌های اطرافیان مرا شیفته و پریشان تماشای الله یا جشن گلها کرده که حوصله صبر کردن نداشتم و بعلاوه نیم ساعت دیر هم شروع و بر بی‌حوصلگی من و امثال من بیشتر افزود و پرده بالا رفت سن از هر حیث زیبا و مجلل بود منظره فواره و حرکت گلها که از دوشیزگان زیبا ساخته بودند مسرت‌بخش و مفرح بود.

الهه را پری بازی کننده مشهور بازی می‌کرد و اگر دفعات قبل هم با این خوبی بازی می‌کرد که راستی مردم حق داشتند هر کدام چند بار برای تماشای الهه حاضر شوند.

رل را چه کسی بازی می‌کرد تا حدی طبیعی نبود و مخصوصاً صدای او که فوق‌العاده مرتعش و کوتاه بود ندیم‌پیر را بازی‌کننده آن خوب بازی کرد ولی صدای او پیرتر از چهره او بود با وجود این با رشادت مخصوصی آمد و رفت می‌کرد و حرکات او بطبعیت نزدیک بود از همه بهتر باغبان الهه بود که گویی برای این بازی خلق شده بود. پروانه‌های کوچک منظره قشنگی بمن داده بودند ولی در موقع طواف دود گلها پر جال و جنجال می‌کردند و حال آن چه معروف است هرگز نشنیدم ز پروانه صدائی همین است نمایش‌های خوب و اپرت‌هایی که جنبه ادبی و صنعتی آن زیاد باشد کهنه شدنی نیست و قابل توجه خواهد بود.

۱. دهلوی^۱

[اعلان شماره ۵۹]

میرزا مراد

اپرت جدید در چهار پرده

بپرسید کی است میرزا مراد میرزا مراد پسر مشهدی عباد معروف است. پدر را دیده پسر را فراموش نکنیم.

بشتابید تا بلیط‌ها تمام نشده

فراموش نکنیم که این اپرت از اثر فکر یک جوان ایرانی است که در پنج‌شنبه نمرده^۲ یقعه در سالن گراند هتل به معرض نمایش گذارده می‌شود.

آواز و رقص و موزیک تماما" جدید و جالب است.^۱

[اعلان شماره ۶۰]

نمایش عالی

میرزا مراد یا پسر مشهدی عباد

اپرت در چهار پرده

لیله پنجشنبه ۲۷ ذیحجه در سالن گراند هتل با رقص‌هایی که توسط لوری خانم با رنگ‌های جدید چهارگاه و بیات اصفهان به عمل می‌آید. بی‌اندازه جالب توجه است. بلیط‌ها خیلی ارزان. به نظامیان ردیف‌های ۱۶۰ نصف تخفیف داده می‌شود. بلیط قبلاً در مطبوعه فاروس و مغازه درخشان به فروش می‌رسد.^۲

[اعلان شماره ۶۱]

نشتابید عجله لازم نیست

به قول (میرزا مراد پسر مشهدی عباد) اگر اشرفی دارید شرافت اگر اسکناس دارید لیاقت و بالاخره اگر پول و ذوق استماع ساز و آواز خوب و حالت تفریح و خنده دارید می‌توانید از تأثر خوبی استفاده کنید.

میرزا مراد پسر مشهدی عباد

اپرت جدید در چهار پرده زبان فارسی

تصنیف یک جوان ایرانی

آما تورهای ایرانی و اکتریس‌های ارامنه در لیله سه‌شنبه ۱۵ ذیقعه ۸ ساعت و نیم بعد از ظهر

۱- روزنامه ایران، ش ۹۳۰، ۱۴ سرطان ۱۳۰۰، ص ۴.

۲- همان، ش ۹۶۸، ۶ سنبله ۱۳۰۰، ص ۴.

در سالون گراند هتل به معرض نمایش گذارده می‌شود.
رقص سوری خانم یا رنگ چهارگاه بی‌اندازه جالب توجه است.
ارکستر این نمایش در تحت ریاست مسیو واقیاک اداره خواهد شد.

قیمت بلیط

لژردیف اول ۱۲ تومان - لژردیف دوم ۱۰ تومان - صندلی از بیست قران الی پنج قران لژ بالا
۶قران - برای محصلین ۳قران ایستاده ۴قران

محل فروش بلیط

امشب درب گراند هتل^۱

[اعلان شماره ۶۲]

اپرا

کاهه آهنگر

لیله پنج شنبه دوم شهر شوال در سالن گراند هتل اولین نمایش باشکوه و عظمت تاریخی در زبان فارسی در تحت مدیریت غلامرضا شریف‌زاده به اشتراک متجاوز از شصت نفر از بهترین آکتورها و آکتریس‌های ماهر قفقازی و ایرانی جلوه‌گر خواهد شد. نیروی آهنین روح مقاومت ایرانیان باستان و ثبات و عزم مردان ادوار با عزت و شرف ایران در انتظار تماشاچیان محترم مجسم می‌گردد.

رقص‌ها و اجرای مراسم آئین جم بالبسه فاخر قدیم به طرزى که تاکنون در صحنه‌های تأثرهای تهران نظیر نداشته به معرض نمایش گذاشته و سرودها و رقص‌ها با نواهای فرحبخش شرقی مجری خواهد شد. برای این نمایش رخت‌های مخصوص مطابق تصاویر تاریخی تهیه و تدارک شده است.

قیمت بلیط: از پنج قران الی پنجاه قران و قبلا^۲ در خیابان لاله‌زار مغازه روشنایی و مطبعه

نمایشهای عجم لازم نیست

بقول (میرزا مراد پسر مشهدی عباد) اگر اشرفی دارید شراقت اگر اسکنان دارید ایامت و باقت و بالاجره اگر یول و ذوق استماع ساز و آواز خوب و حالت تفریح و خنده دارید میتوانید از آثار خوبی استفاده کنید.

میرزا مراد پسر مشهدی عباد

پرت جدید در چهارپرده زبان فارسی

تصنیف بک جوان ایرانی

آمانود های ایرانی و آکریس های ارمانه در ایله سه شنبه ۱۵ ذیحجه ۸ ساعت و نیم بعد از ظهر در سالون کراند هتل بمعرض نمایش گذارده میشود رقص سوری خانم یارنک چهارگانه بی اندازه جالب توجه است ارکستر این نمایش در تحت ریاست میو و آتپاک اداره خواهد شد

قیمت بلیط

از ردیف اول ۱۲ تومان — از ردیف دوم ۱۰ تومان — صندوق از بیست قران الی پنج قران از بالا ۶ قران — برای محصلین ۳ قران ایستاده ۴ قران

کحل فروش بلیط

امشب درب کراند هتل

ایران، در خیابان ناصریه مغازه اطمینان و مغازه رضوان و در شب نمایش در گراند هتل به فروش می‌رسد.^۱

[اعلان شماره ۶۳]

در سالن گراند هتل، لیله سه‌شنبه ۲۱ حمل ۱۳۰۱

کاوه آهنگر

نمایش تاریخی در پنج پرده، دفعه دوم به زبان فارسی
در تحت مدیریت غ. شریف‌زاده به اشتراک شصت نفر از اکتور اکتوریس‌های قفقازی و
ایرانی با جالب توجه‌ترین طرزی به معرض نمایش گذارده خواهد شد.

قیمت بلیط: از سه قران الی ۴۰ قران

شروع به نمایش از ساعت هشت بعدازظهر

محل فروش بلیط: مطبوعه مدرن، ناصریه مغازه آذربایجان، دفتر گراند هتل، هر شب درب
گراند هتل.

رژیسور غ. شریف‌زاده مدیر مسئول جهانگیر - مصور رحمانی^۲

[اعلان شماره ۶۴]

لیلی و مجنون

اثر ادیب مشهور فضولی در شش پرده

و موسیقی شناسان معروف ع. و ج. حاجیکلی داستان مزبوره را به شکل اپرا - درام
درآورده‌اند. در تحت مدیریت ع. شریف‌زاده و اشتراک هیأت اکتورال اپرای آذربایجان، داستان
عشق با تمام نکات دلفریب خود و موسیقی سامعه‌نواز شرق در سالن گراند هتل، شب پنج‌شنبه

۱- روزنامه ایران، ش ۹۰۷، ۱۳ جوزا ۱۳۰۰، ص ۴.

۲- جریده حقیقت، ش ۵۵، ۱۷ حمل ۱۳۰۱، ص ۴.

۲۹ ذیقعهٔ اولین دفعه در تهران جلوه‌گر خواهد شد.
البسه و تزئینات مخصوص برای این نمایش تهیه شده است.
قیمت بلیط از پنج تومان تا پنج قران. قبلاً در مغازه روشنایی در خیابان لاله‌زار به فروش می‌رسد.^۱

[اعلان شماره ۶۵]

یک زن و دو شوهر

مرجان بیک - منت - کبلا قباد

اثر عزیز بیک اپرانویس مشهور قفقاز - آثار ادبی آقای چاهد.
اپرت - علمی - اخلاقی - ادبی - اجتماعی - تماشائی
مركب از چهارده قسمت آهنگ‌های دلکش قفقازی
در تحت نظر و مدیریت رژیسور و اکتورهای سلطنتی ترکستان ر. (آرش) و اشتراک (همای)
(تیلی) به همت اکتورهای کارآزموده

در سالون فاروس

شب ۳ شنبه ۱۸ دلو هفت بعد از ظهر شروع می‌شود. بلیط از سه تومان الی ۳ قران
وسایل تفریح قطار^۲ و حضار از هر جهت فراهم است.
در فواصل پرده‌ها موزیک قفقازی مترنم خواهد بود.

[اعلان شماره ۶۶]

نمایش عالی به منفعت مریض‌خانه بلدی

عواید این نمایش برای تکمیل لوازمات مریض‌خانه بلدی که مختص فقرا شهر است، در

۱- روزنامه ایران، ش ۹۴۷، ۵ اسد ۱۳۰۰، ص ۴.

۲- قطار در معنی: «اطلاق برجمعی از هر چیز کنند.»

تحت نظارت عالیہ حضرت آقای ممتازالملک به مصرف خواهد رسید.

مقایسه اوضاع صحی امروز با دیروز (در یک پرده)

حیلہ عشاق یا ارادہ عشق (در سه پرده)

اشعار اپرت از افکار آقای جاہد و ارکست آن توسط آقای رضاخان مترنم خواهد بود. لیلہ شنبہ بیستم شوال مطابق ۲۷ جوزا در سالن گراند هتل در تحت مدیریت رئیسور تاتر سلطنتی ترکستان (ر. آرش) و یک عدہ آکترها و آکتریس های ماهر داده خواهد شد. قیمت بلیط: غیر از بلیطهای خصوصی از ۳۰ قران الی پنج قران است. محل فروش بلیط: لالہ زار مغازہ آقا محمود ارباب و دواخانہ پاریس، چراغ گاز، دواخانہ غرب و دواخانہ نظامی، ناصریہ مغازہ اطمینان و کتابخانہ خلخال، بازار حجرہ مدیر الصنایع و مغازہ جواهری گوہری

مدیر مسئول دکتر احیاءالدولہ شیخ^۱

[اعلان شماره ۶۷]

اپرت در چهار پرده

عروس ناکام

تصنیف ابراهیم خواجہ نوری

درام تراژیک

اپرت در چهار پرده

اپرت (عروس ناکام) کہ بهترین معرف مفاسد عادات و اخلاق اجتماعی ما است و از اسم آن

می توان به موضوع اخلاقی آن پی برد، عنقریب به معرض نمایش گذارده خواهد شد.^۲

۱- جریدہ حقیقت، ش ۹۱، ۱۵ جوزا ۱۳۰۱، ص ۲.

۲- جریدہ نامہ جوانان، ش ۱، ۱، ۲۶ سنبلہ ۱۳۰۲، ص ۴.

[اعلان شماره ۶۸]

نمایش باشکوه

در سالون گراند هتل ليله بیست و چهارم ربیع‌الاول هشت ساعت بعد از ظهر بتوسط آرتیست معروف مسیو رویا - اکتوریس مشهور مادام آقابایوف و سایر اکتربیسهای اروپایی.

سالمه

پروگرام در چهار قسمت: ۱- یک پرده کم‌دی بتوسط اکتورهای ایران
 ۲- اپرای روسی ۳- رقص معروف هفت حجاب (سالمه) ۴- کنسرت ایرانی:
 پیش درآمد - آواز تصنیف بیات ترک و رقصهای مشرق زمینی
 قیمت بلیط از ۱۲۰۰ قران الی ۴ قران
 محل فروش - علاءالدوله منزل مسیو رویا - لاله‌زار مطبوعه مدرن - شب نمایش درب گراند
 هتل^۱

[اعلان شماره ۶۹]

نمایش باشکوه عالی**هوم پاشا در سه پرده کنسرت و بالت****به منفعت مؤسسات شهاب**

(قرائت‌خانه، کلاس‌های اکابر، روزنامه)

به توسط آرتیست شهیر مادام آقابایوف و عده‌ای از بهترین آکترها و اکتربیس‌های اروپایی در ليله ۲۸ شهر جاری در سالن گراند هتل به معرض نمایش گذاشته خواهد شد.
 محل فروش بلیط: خیابان لاله‌زار، دفتر اداره شهاب و دفتر مطبوعه مدرن.
 شب نمایش درب گراند هتل به فروش می‌رسد.^۲

۱- جریده فانون، شماره ۹، س ۱، ۲ قوس ۱۳۰۰، ص ۴.

۲- جریده شفق سرخ، ش ۵۹، ۱۸ اسد ۱۳۰۱، ص ۲.

[اعلان شماره ۷۰]

نمایش باشکوه دیوانه مزاحم

به منفعت مجله ارمغان - شب جمعه بیست و ششم شعبان - در سالن گراند هتل.

اپرت در دو پرده

بیس از شاهکارهای «مولیر» و ترانه‌های موسیقی و اشعار دلفریب آن اثر طبع هنرزای آقای هنری است.

آرتیست شهیر ایران: مادام آقابابوف (پری)

شکوه این نمایش را دو چندان می‌کند.

محل فروش بلیط:

مغازه یک کلام - کتابخانه ترقی - سلمانی برادران - لاله‌زار آقای میرزا عبدالحسین خان

عکاس - شب نمایش درب گراند هتل.^۱

[سند شماره ۱۵]

در اطراف نمایش اپرای کارمن

پس از یکی دو هفته انتظار بالاخره ليله چهارشنبه گذشته به واسطه جزئی آشنایی به زبان روسی و عشق به موسیقی اروپایی برای تماشای اپرای کارمن در ساعت مقرر در سالن گراند هتل حاضر شدم. جمعیت سالن روی هم رفته از یک عده جوانان تربیت شده ایرانی و اروپایی تشکیل یافته بود برخلاف سایر نمایشات کاملاً مراعات انتظام سالن از طرف عموم به عمل آمد. به قول آقای عمیدالملک حسابی، خوشبختانه یا بدبختانه (کریم شیرة) معهود از فیض حضور خود، کلمات

نغزش* جمعی را محروم نموده بود.

در موقع مقرر نمایش شروع و پرده اول عبارت از یک قسمت کنسرت اروپایی بود که به واسطه انتخاب قسمتهای موسیقی اروپایی که کاملاً^۱ به مذاق ما آشنا بود، دلنشین واقع شد. مخصوصاً^۲ خانم محترم آقابایوف تنها خواننده ماهر ما، همانطور که سابقاً^۳ آوازهای ایرانی ایشان مرا فریفته نموده بود. در قسمت نغمات اروپایی بیش از پیش مجذوب و مفتونم ساخت. بالاخره یقین کردم که خانم مشارالیهها با (تالانت) بزرگی که دارند به زودی موقعیت مهمی را در بین آرتیستهای دنیا احراز خواهند نمود.

آهنگهای دلکش موزیک که از زیر پنجههای ماهرانه اساتید فن خارج می شد، بر نشاط و خرمی حاضرین می افزود. بعد از اختتام این قسمت نمایش کارمن شروع شد. اینک لازم است که مختصری از تاریخچه این اپرای معروف را به عرض قارئین محترم برسانم.

نویسنده اپرای کارمن (مریمه) از نویسندگانی قرن ۱۹ و معاصر با (ویکتور هوگو) بوده و اصلاً^۴ از جزیره کرس و هم وطن ناپلئون کبیر است. ولی از آنجایی که زندگی او در فرانسه شروع شده و همان جا ختم می شود، جزء نویسندگان فرانسه محسوب می شود. بدو^۵ کتاب رمانی به اسم کارمن نوشته و بعدها آن را به رشته نظم درآورد. از آن طرف بیزه که اجدادش اسپانیولی بوده ولی شخصاً^۶ در فرانسه نشو و نمو می نمود، نواها و آهنگهای این بیس را ترکیب نموده و برای اولین دفعه در پاریس به معرض نمایش گذارده شد. ولی از آنجایی که از ابتدا چندان جالب توجه واقع نشد، در صبح همان شب بیزه خودکشی نمود. انتحار این موسیقی دان ماهر کم کم عموم را متوجه این اپرا نموده و پس از مدت کمی که بیش از ۱۰، ۱۴، ۱۵ سال نمی شد، اپرای کارمن شهرتش به سرحد کمال رسیده و در رتبه طراز اول

*- در اصل علامت سنوآل و تعجب.

اپراهای دنیا قرار گرفت.

اپرای کارمن یکی از شاهکارهای جاوید ادبیات اروپای جدید است و کمتر کسی است که اسم این اپرای معروف را نشنیده باشد و هر چند هم که در صنایع مستظرفه وارد نشده باشد. قسمت‌های موسیقی کارمن در هر جای دنیا پراکنده و مثل سرودهای ملی ملل بزرگ به گوش هر کس رسیده است.

این اپرا با اشکال بزرگی که به نمایش گذاردن آن داشت، یعنی نبودن سالن مناسب، بازی‌کن‌ها و خوانندگان ماهر و بالاخره نبودن هیچ قسم وسایل، چنان که آشکار است در نتیجه زحمات آرتیست زبردست ایران مادام آقابایوف پری، برای اولین دفعه در تهران به صحنه نمایش گذارده شد. بازی‌کننده‌های این نمایش هر یک از رل خود به خوبی از عهده برآمده و مخصوصاً آرتیست شهیر مادام آقابایوف که با آشنایی [چند کلمه ناخوانا] رفتار موقرانه مشارالیها حقیقتاً^{*} بعید می‌دانستیم که از عهده رل کارمن که به کلی برخلاف رل‌های ایشان بود، برآیند!!^{*} ولی مهارت و زبردستی ایشان در رل کارمن به من فهماند که مدت‌ها در اشتباه بوده و راستی خانم مشارالیها در صنعت خود از هر جهت توانا و قادر می‌باشند. یعنی در همان موقعی که در اپراها و اپرت‌ها رتبه بازی‌کننده اول را حائز هستند، در سایر قسمت‌های تأثر مقام ارجمندی را نیز دارا می‌باشند. در پایان نمایش دسته‌گل‌های متعددی نثار مقدم آرتیست مشهور مادام آقابایوف پری شده و پرده در میان کف زدن‌های متوالی و فریادهای احسنت و (براوو) مادام آقابایوف پائین آمد.

این بود مختصر توصیف کارمن که در نتیجه زحمات و خدمتی که مادام آقابایوف در پیشرفت صنعت تأثر در ایران برداشته‌اند، برای اولین دفعه به معرض [چند کلمه ناخوانا].^۱

*- در اصل علامت تعجب.

[اعلان شماره ۷۱]

عدالت شاه**و رقص زنانه در سالن تئاتر جدید التاسیس بلدیة طهران****عدالت شاه****اپرت و ارکستر عالی برای اولین دفعه****در تیاتر جدید البناى بلدیة**

اپرت عدالت شاه یکی از مهمترین پیسهائی است که از اشعار و غزلیات شعرای نامی و مفاخر ایران از قبیل سعدی و حافظ و موسیقی خالص ایرانی بوسیله آرتیست‌های قابل ترکیب و مبالغ هنگفتی برای تهیه لباسهای فاخر و تزئینات دیگر بمصرف نمایش گذارده خواهد شد در این نمایش که دارای رقص‌های ایرانی و آوازهای دلکش است رل عمده به عهده آرتیست شهیر مادام پری آقابابف محول و کسانیکه نمایشات این خانم محترمه را دیده‌اند می‌دانند که اپرت عالی عدالت شاه آنهم در تیاتر مزین بلدیة چقدر جالب توجه و باشکوه خواهد بود شب نمایش روز ۴ شنبه ۲۳ آبان ساعت ۷ بعدازظهر.

محل فروش بلیط لاله زار مغازه بن‌ار ناصریه مغازه گل بهار
خیابان قوام السلطنه لوازم التحریر فروشی اسدالله‌خان
شب نمایش درب ورود بلدیة (جامعه بارید)^۱

[اعلان شماره ۷۲]

بشارت**نمایش عالی خسرو و شیرین**

اگر خواسته باشید شکوه و جلال دربار سلاطین ساسانی را تماشا کنید.

اگر خواسته باشید منظره زیبای بیستون و عشق بازی خسرو و شیرین را ببینید. اگر خواسته باشید آواز دلکش یاربد و اشعار نمکین نظامی و حافظ را بشنوید. بشتابید تا تمام نشده بلیط‌های نمایش خسرو و شیرین (تالیف میرزا سیدعلی خان شیخ‌الاسلامی) را که در نقاط ذیل به فروش می‌رسد خریداری نمائید.

سیزه میدان مغازه اساسی - تیمچه حاجب‌الدوله - حجره پاریسیان و همه روز درب سالن گراند هتل.^۱

[سند شماره ۱۶]

اپرت خسرو، شیرین و فرهاد

من که تنها تفریح حضور در نمایش‌ها و تاترهای است که اخیراً در تحت توجه عدهٔ بیش از پیش داده می‌شود، از انتقاداتی که این یکی دو روز در اطراف سردی سالن زردشتیان که در نمایش ستاره شرق چند شب قبل اسباب زحمت فراهم نموده بود، نزدیک بود از تماشای نمایش شیرین، خسرو و فرهاد و کنسرت جامعه یاربد که دیشب در سالن زردشتیان به معرض نمایش گذارده شده محروم بی‌بهره بمانم.

اولاً سالن دیشب برخلاف شب پیش فوق‌العاده هوایی گرم و مطبوع داشت و فقط چیزی که اسباب زحمت بود ازدحام جمعیت بود که شاید مانند من به وعده‌های جامعه یاربد امیدوار بوده و حاضر نشده بودند از حضور در این نمایش خودداری کنند و بهتر است در آینه نمایش‌دهندگان رعایت این نکته را نموده و به اندازه مکان بلیط به فروش رسانند.

وضعیات دکور که برای پرده کنسرت تهیه شده بود ثابت می‌کرد که مقصد کارکنان آن دخل صرف نبوده بلکه فراهم نمودن رضایت تماشاچیان و مدعویین بوده

است. زیرا به تصدیق عموم منظره کنسرت دیشب تاکنون در صحنه تاتر و موسیقی ایران بی نظیر بوده است. قسمت نمایش فوق العاده جالب و وضعیات لباس که حقیقتاً با مخارج هنگفتی تهیه شده بود، مورد تعجب حاضرین گردیده بود.

بازیکنان پرده اول و دوم مخصوصاً خسرو، هرمز و شاپور بی نهایت مهارت به خرج داده و آتیه تاتر ایران را روشن نشان دادند. در پرده دوم اضافه بر اهمیت و شکوهی که خواننده شهیر به صحنه داده بود، رل شیرین قابل تمجید و بازیکننده آن خانم «م. سیران ملکونیان» که یکی از خانم‌های ارامنه است، بود. و واقعاً خواندن پانصد خط شعر نظامی و حافظ در صحنه برای کسی که زبان اصلی آن فارسی نیست، فوق العاده سخت و با وجود این، خانم مزبور در کمال صراحت لهجه از عهده رل خود برآمدند. و من دور از انصاف دیدم که به نوبه خود از مشارالیه‌ها تشکر نمایم.

در پرده آخر منظره بیستون و فرهاد کاملاً جلب توجه عموم را نموده بود و چنان بازیکننده این رل روح عشق و حقیقت وفا را در صحنه ظاهر ساخت که تا مدتی پس از انتحار و جان دادنش از طرف تماشاچیان بی اختیار به وسیله کف‌زدن‌های متمادی تشویق گردید.

اسمعیل دهلوی^۱

[سند شماره ۱۷]

نقد و بررسی اپرت خسرو شیرین

این تاتر دیشب در سالون گراند هتل داده شد.

اپرت خسرو و شیرین اقتباس از شاهکارهای ادبی نظامی شاعر شهیر ایران است که بنظم و نثر درآمده و تشکیل اپرت زیبایی داده بود.

نمایشاتی که از طرف جامعه بارید داده می‌شود اصولاً خیلی خوب تنظیم و بمعرض استفاده مردم گذارده می‌شود ولی اگر پاره نواقصی هم که در کارشان وجود دارد رفع کنند البته می‌توان نسبت به این جامعه بیشتر امیدوار بود.

یکی از چیزهایی که در هر نمایشی که این جمعیت می‌دهد دیده می‌شود حضور جمعیت در سالون بیش از تعداد صندلی است این قضیه از دو حال خارج نیست یا جامعه بارید بیش از مقدار صندلی می‌فروشد و یا اینکه بعضی‌ها بدون بلیط داخل سالون می‌شوند.

قسمت اول را سابقاً خود جامعه بارید تکذیب می‌کرد ولی در هر صورت این دو وضعیت موجب بی‌انتظامی سالون و سلب آسایش مردم می‌گردد که بایستی رفع شود.

دیشب هم کثرت جمعیت باعث شده بود که نه فقط هیچ صندلی خالی در سالون یافت نشود بلکه صندلی‌های اضافی در راهروها و گوشه کنار گذاشته بودند و در لژها هم بجای ۴ صندلی ۶ صندلی قرار داده شده و کسی نمی‌توانست برای نفس کشیدن از سالون خارج شود. اگرچه سالون گراند هتل با این که اکنون چندین سال است مورد استفاده اهالی شهر طهران قرار می‌گیرد و سابقاً تمام تاترها در این سالون داده می‌شود و حالا هم یک قسمت مهم از تاترها را اینجا می‌دهند صاحب این هتل و سالون بدبختانه هنوز درصدد برنیامده است یک راه نفس‌کشی برای تماشاچیان تعبیه نماید و سالون تفریح و سالون بوفه آن عبارت از دالان و راهروی باریک متعفن است که بهتر است اشخاص از جای خود تکان نخورده و نشستن چند ساعت روی صندلی را با وجود اینکه کسالت‌آور است براین تفریح در این دالان کثیف و باریک ترجیح دهند. بوفه سالون گراند هتل هم در همین راهرو گذاشته شده که وقتی چند نفر جلوی آن می‌ایستند راه عبور بکلی مسدود می‌شود و گردش در این راهرو با داد و فریادی که مشتریان بوفه برای خریدن آجیل و شیرینی راه

می‌اندازد حقیقه فرح بخش است!

سابق بر این گردشگاه تماشاچیان تأثر صحن گراند هتل و ایوان وسیع آن بود. بوفه مجلل و خوبی هم در همین حیاط وجود داشت که اکنون صورت کافه رستوران را پیدا کرده است ولی معلوم نیست علت اینکه درب آن را بروی تماشاچیان بسته‌اند و کسی نمی‌تواند نه داخل صحن مهمانخانه شده که از هوا استفاده کند و نه در این کافه رستوران نرود چیست؟

در هیچ کجای دنیا جز سالون گراند هتل درب خارج سالون بروی جمعیت بسته نمی‌شود البته بستن درب سالون نمایش پس از شروع تأثر لازم است زیرا باید تماشاچی موظف باشد در سر دقیقه حاضر شود همانطور که اداره کنندگان تأثر این وظیفه را دارا می‌باشند. اما بستن درب بزرگ سالن هیچ معنی ندارد. اشخاصی که از توقف در داخل سالون خسته شده‌اند و راه حیاط و رستوران گراند هتل هم بروی آنها مسدود شده و نمی‌خواهند در این دالان متعفن بمانند قطعاً میل دارند اقلاً داخل خیابان شده و این فاصله‌های طولانی و عجیب بین پرده‌ها را در خیابان راه بروند یا از کافه قنادی‌های خیابان استفاده کنند.

ولی متأسفانه همینکه نمایش شروع شد بجای اینکه درب‌های داخلی سالون بسته شود درب بزرگ را می‌بندند و در مواقع تنفس درب مزبور را بکلی قفل می‌کنند که می‌باید کسی خارج شود.

آیا این رویه را جز نسبت به محبوس هیچ سراغ دارید در جای دیگر اعمال کنند؟! تماشاچی بدبخت مبالغی پول داده وقت خود را تلف کرده برای تفریح دماغ و استفاده روحی و معنوی تأثر آمده عدم انتظامات و عدم وجود تاترهای خوب بجای خود اینچنین اجباری بیشتر او را کسل و خسته می‌کند.

البته این معایب مربوط به نمایش دهندگان نیست یک قسمت همه مربوط بصاحب سالون است یک قسمت را هم گردن خود تماشاچیان می‌گذارند و

می‌گویند بازکردن درب بزرگ موجب خواهد شد که عده بی‌بلیط و یا با بلیط‌های عوضی و تبدیلی وارد شوند ولی آیا فکر ایرانی هنوز بجائی نرسیده است که کنترولی برای این کار تهیه نمایند و بدین وضع خاتمه دهند؟

از این قسمت که بگذریم بیک عیب دیگری می‌رسیم که از وقتی خانمها در تأترها شرکت کرده‌اند پیدا شده است. بعضی از خانمها هنوز معنی تأتر رفتن را نفهمیده‌اند و نمی‌دانند که در اینگونه مجالس عمومی که جمعیت زیادی هست باید خیلی ساکت و آرام منظم و مرتب بود کاملاً رعایت آسایش مردم را نمود. اساساً تأتر نشانه تمدن و تجدد یک ملت است و در تأتر باید خیلی باوقار و متین بود متأسفانه بسیاری از خانمها نسبت بحفظ این اصول بی‌علاقه و لاقید هستند. اطفال شیرخوار خود را بتأتر می‌آورند و در موقعی که آرتیست در سن آواز می‌خواند صدای جیق (جیغ) و گریه بچه شیرخوار هم یکمرتبه از داخل سالون بلند می‌شود و بدیهی است هر قدر بخواهند طفل را آرام کنند فریادش بیشتر بلند می‌شود. و این قضیه سلب آسایش همه را خواهد کرد و اگر یکنفر خارجی در تأتر باشد اسباب خجلت و شرمساری است که خانمها بهیچوجه رعایت حفظ انتظامات این گونه مجالس عمومی را نمی‌نمایند.

اینها یک قسمت مربوط به مردم بود که دخالت ادارات مربوط هم مؤثر می‌باشد زیرا از دخول زن‌هایی که با اطفال شیرخوار می‌خواهند وارد سالون شوند باید حتماً جلوگیری کرده وسایل آسایش مردم را در مدت تأتر از حبس نجات داد. و همه اینها کارهایی است که باید از طرف مدیران سالون، هیئت‌های تأتر و مأمورین دولت مشترکه بعمل آید همه خود را شریک در رفع این نواقص و سایر نواقص موجوده نمایند.

اما قسمت تأتر دیشب -

یک نکته اینست که جامعه باربد بهیچوجه رعایت و توجه نمی‌کند و آن این

است که قسمت مهم این جمعیت برای شنیدن ارکستر و آهنگ‌های جدید جامعه بارید می‌آیند زیرا این جمعیت اساساً روی ساز موجود آمده و حقیقه از نواهای روح‌بخش جامعه بارید به هم استفاده می‌شود و ساز خود آقای اسمعیل‌خان مهرتاش وجد مخصوصی بحضار می‌بخشد ولی بدبختانه این قسمت را بهیچوجه هیئت مزبور رعایت نمی‌کنند.

ارکست و ساز جامعه بارید فقط در هر یکساعت فاصله در مواقع لزوم یعنی موقعی که وضعیت سن (اقتضاء) نماید؛ اشعاری گفته شود یا رقص باشد شنیده می‌شود والا در فاصله‌ی ممتد پرده‌ها که موقع سرگرم ساختن محبوسین است هیأت ارکست جاهای خود را خالی گذاشته و پی‌کار خود می‌روند و پس از یک ساعت همین که موقع بالا رفتن پرده می‌شود دوباره در جاهای خود حاضر می‌شوند. تئاتر خسرو و شیرین در سه پرده بود اگر قسمت‌های اخیر پرده سوم، آواز ادیب رقص لورتا، سازهای قدیمی ایران (ستور، کمانچه، نی) را از تأثر حذف کنیم تاترهای لیلی و مجنون و عدالت جامعه بارید مجلل‌تر و بهتر از تأثر دیشب بود.

بازی‌کنان تأثر خسرو و شیرین همه از آرتیست‌های ماهر بودند. ملوک خانم ضرابی هم دیشب رل شیرین را در عهده گرفته بود که البته نمی‌توان بهتر از این انتظار داشت زیرا اولین دفعه بود که یک رُل مهمی داشت و نسبتاً خوب از عهده برآمد اما باز یک نقصی که بنظر می‌رسید این بود که هنوز معمول نشده است پروگرام تأثر را طبع و بین حضار توزیع کنند - پروگرامی دست مردم داده می‌شود ولی ناقص است زیرا شعری که در سن خوانده می‌شود کسانی که جلو نشسته‌اند درست نمی‌شنوند چه رسد به اشخاصی که دور هستند. در اپرت اغلب حکایات و داستان‌ها را بشعر می‌خوانند در صورتی که هیچکس نمی‌فهمد این قسمت در تأثرهای وزیر رعایت می‌شود و باید اشعار حتماً طبع و بین مردم توزیع گردد که وقتی خواننده شروع

بمنفعت جریده ملی آسیا

نه ایش شاه عباس کبیر

پس شاه عباس کبیر که البته برای صاحبان ذوق سرشار مستفی از وصف است در اواخر حمل توسط بهترین التور و اکثریهای شهد و ماه، بمنفعت جریده ملی آسیا به مرض نمایش گزارده می شود و عجاتقا مرکز فروش بلبطها تا اطلاع ثانوی شب نمایش در نقاط ذیل است

۱ سرجهه کوجه، برزا محمود وزیر - مفازه، پیکو فروش - غلام حسینخان

لغری

۲ سرجهه مفازه سلمالی برق

۳ خیابان نکارستان جنب، غارت مسعودیه - دفتر روزانه، آسیا

۴ الصریه دارالتجاره کاشانی

۵ ناصریه، مفازه، یک کلام

۶ لاله زار، مفازه، تغلیس

۷ لاله زار، مفازه، کراند، شایگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۸ بازار حیره اگهی مدیر الصلاح جامع علوم انسانی

۹ سبزه میدان، تجارتخانه کورس اخوان

این پس کرانها در غالب قطعات، تمدن دبا به، مرض نمایش گزارده شده و از مفاقت بید مردمین صاحب ذوق خود را به محل نمایش رساننده و در این تعلقاتی ذیقیت بهره مند مبعند و البته جای است که اهالی محترم تهران از خریداری بلبط هریخ تموده و این شب سعادت مند تا از دست نهند

مکتب روزانه، آسیا

بخواندن کرد مردم بفهمند چه اشعاری خوانده شد و دست بی‌جهتی که می‌زنند بفهمند برای چیست؟ آیا برای خود شعر است یا برای صدای خواننده؟

فاصله‌های پرده بطوری که ذکر شد زیاد بود البته تهیه دکور مجلل دربار پادشاه، یا کوه بی‌ستون فرهاد، یا باغ و گردشگاه شیرین مشکل است ولی اگر بجای این تجلیل به اصل تأثیر بپردازند یعنی مطول‌تر نمایند و از فاصله‌های بین پرده‌ها بکاهند بهتر است اگر از روی ساعت کسی حساب می‌گیرد فاصله این سه پرده بیشتر از خود تأثیر بود یعنی ساعت ۸ نمایش شروع و یازده و نیم ختم شد یکساعت و نیم خود تأثیر بود و دو ساعت فاصله پرده.

ما چون اطمینان داریم که جامعه بارید علاقمند شرقی تأثیر می‌باشد و میل دارد اگر نواقصی در کارشان وجود دارد رفع نمایند این بود که بجای بحث در رُست و حرکات فلان آرتیست بحث خود را روی کلیات قرار دادیم اینرا هم اقرار می‌کنیم که اگر می‌خواستیم در جزئیات مذاکره کرده و از بازی اکترها و اصل تأثیر حرف بزنیم چندان نواقصی در آن دیده نمی‌شد زیرا بوسیله یک عهده اشخاص ماهر اداره شده بود.^۱

[سند شماره ۱۸]

نقد و بررسی اپرت لیلی و مجنون

آقای مدیر محترم - اجازه می‌خواهم قبل از اینکه شروع به انتقاد در اطراف بازی، بازی بازی‌کنان اپرت لیلی مجنونی که شب ۱۸ اردی‌بهشت در سالن زرتشتیان بمعرض نمایش گذارده شده بنمایم در خصوص وضعیت سالن آن شب چند سطر عرض نمایم.

اولاً مثل اینکه اولیاء این نمایش فراموش کرده بودند که موضوع نمایش آنها

موضوع جالب و بااهمیتی است! و از این که جمعیت زیادی ازدحام خواهد کرد و برای ورود سالون چه بوسیلهٔ پول و چه بوسیلهٔ اجاق^۱ داخل خواهند شد یک عده کنترلرهایی که بتوانند جلوگیری از بی‌تریبی و بی‌نظمی بنمایند تهیه ندیده بودند. اغلب دیده می‌شد اشخاصیکه دارای بلیط سه تومانی یا بیشتر بودند بیجا مانده و جای آنها را با اضافه راه‌روها عدهٔ که معلوم نبود با چه بلیط و از کجا داخل سالون شده‌اند تصاحب کرده بودند معلوم است با سابقهٔ که مردم به موضوع لیلی و مجنون و تا حدی به مهارت بازی‌کنان این اپرت داشتند رضا نمی‌شدند که صرفنظر کرده برگردند و اگر جلوگیری از فروختن بلیط توسط مأمورین محترم نظمیه نمیشد ممکن بود نمایش بتأخیر افتد.

امید است چه اولیا محترم نظمیه چه اشخاصی که عهده‌دار نمایشی هستند از بی‌تریبی و بی‌نظمی سالن‌ها مخصوصاً^۲ مثل سالن شب ۱۸ اردیبهشت جلوگیری کنند.

اما موضوع نماش

خود پیس آنچه دیده شد دارای نواقصی است که باید من بعد از این که مسلماً تجدید خواهند کرد رفع نمایند مثلاً^۳ خوب بود اول نشان می‌دادند که این مجنون شوریدهٔ دیوانه مانند دیگران عاقل و دارای زندگانی آبرومندی بوده است آتش عشق بعدها هستی او را سوخته و سرگردان بیابانش نموده است نه اینکه از اول او را شوریده نشان دهند.

دیگر اینکه لیلی وقت بیرون آمدن از قبر و تجلی در مقابل مجنون بی‌جان مانند شب عروسی توالت نکرده باشد بلکه وضعیت عالمی را غیر از عالم ظاهری از حیث قیافه و لباس نماید.

البته این گونه معایب رفع خواهد شد و شاید خود نمایش‌دهندگان ملتفت شده

۱- اجاق در اینجا به معنای «چهارپایه چوبین» است.

باشند ولی بازی‌کنان این اپرت صرفنظر از قاصدی که در پرده دوم خبر عروسی لیلی را به مجنون با این سلام با لهجهٔ سرد و بیروچی داد بقیه فوق‌العاده از عهدهٔ رل خود برآمدند خصوصاً لیلی و مجنون!

لیلی در هر موقع با ژست‌های خود مردم را متأثر می‌ساخت و بعلاوه بازی خود را تا آخرین دقیقه خصوصاً وقت مردن و تسلیم بجان که بهترین نقطه حساس بازی او بود به آخر رساند و بخوبی از عهده برآمد ایکاش موقع تجلی در مقابل مجنون در پردهٔ آخر بهتر و خوشتر از خاک بیرون می‌آمد.

رل دوم را مجنون عهده‌دار بود!

حقیقهٔ بازی‌کننده آن روح عشق و جنون امجم^۱ ساخته و از طرز بازی خود سن ایران را امیدوار ساخت. اولاً مثل این که او مجنون، با اندام نحیف و جیهه، فدایی خلق شده بود و بعد چه در پرده اول و چه در پرده آخر که جان خود را فدای عشق و معشوق کرد با کمال مهارت تماشاچیان را تکان داده و من که در سالن بودم شهرت می‌دهم اگر قدری بیشتر استعداد و مهارت خود را بکار می‌برد رل اول را در کمال آسانی می‌برد.

بعد از مجنون پدر مجنون بخوبی از عهده رل خود برآمد.

و راستی نمی‌شود حدس زد که بازی‌کننده آن جوان بوده بقدری خوب رل یک پیر دل شکسته را ایفا نمود که چندین مرتبه مورد تحسین واقع شد. بعد از پدر رل ابن‌السلام حائز اهمیت بود.

در خاتمه شنیدیم یکی دو دسته گل به لیلی و بازی‌کنان دیگر تقدیم شد و از قراری که می‌گفتند مادام پری یک قلم خودنویس طلا بیازی‌کنندهٔ رل مجنون بعنوان تشویق و جایزه تقدیم نموده بودند.

ع. ناصری^۱

[سند شماره ۱۹]

اپرت لیلی - مجنون

اپرت لیلی و مجنون برای دفعه دوم در شب جمعه سیزدهم در سالن گراندهتل نمایش داده شد. اگر قارئین محترم در خاطر داشته باشند در انتقادی که بعد از نمایش اولی این اپرت در ایران منتشر نمودم دو چیز عمده در کلیات این پیس مورد انتقاد واقع شده بود یکی نقصان آن از حیث اینکه حیات عاشقانه مجنون از وسط شروع شد و دیگر اینکه این پیس بایستی مبدل به اوپرا باشد. قصان اولی تا حدی در این نمایش رفع و با اضافه پرده دیگر بر آن حیات اولیه مجنون و لیلی را از رفتن بمکتب خانه نشان می‌داد و اصلاحات دیگری که در پرده ابن‌السلام داده شده بود خیلی بموقع و خوب و مخصوصاً حرف‌های بیربطی که در انتقاد نمایش اولی متذکر شده بودم در رل ندیدم ابن‌السلام مرتفع شده بود.

اما قسمت دوم که لازم است این پیس از شکل اپرت خارج و به اوپرا مبدول گردد هنوز صورت عمل بخود نگرفته و امیدوارم در آتیه این نظر نیز عملی گردد. برای توضیح نظر خود خاطر کارکنان جامعه محترم بارید را که این دفعه این نمایش مهم تحت سرپرستی جامعه بمعرض تماشا درآمد متذکر می‌سازد اولاً اصل و مبدأ این پیس که خمسه نظامی است اوپرا یعنی منظم می‌باشد.

و ثانیاً لزوم تدوین اوپرا گذشته از پیس لیلی و مجنون برای تئاترهای ایران گمان می‌کنم لازم بگفتن نباشد زیرا ترویج اوپرا در ایران هم موجب تنظیم و ترقی موسیقی گردیده و هم آهنگ‌های دلنواز این مملکت که در تمام دنیا به واسطه قشنگی امتیاز دارد از حالت بی‌ترتیبی امروزه خارج شده و رفته رفته روی اساس

علمی قرار می‌گیرد مخصوصاً در پیسهائی مانند لیلی و مجنون ممکن است یکدسته از نعمات و آهنگها را داخل کرده و مورد اصلاح قرار دارد.

بهرحال نمایش شب جمعه بطور کلی می‌توان گفت اولین نمایش ادبی بود متأسفانه بواسطه نبودن سالن بزرگ‌تر و وسیع‌تری و تنگی جا عده زیادی از دیدن آن محروم ماندند امیدوارم در سایه توجهات کارکنان بلدیة طهران این قضیه عمده رفع شده و بطوری که شایع است هر چه زودتر از طرف بلدیة اقدام ساختن سالن بزرگی که جنبه فنی هم در ساختن آن کاملاً مراعات شده و دارای سن کاملی مطابق حوائج امروزه باشد بعمل می‌آید تا این بی‌نظمی‌هایی که مردم در گرفتن جا عجله کرده و اسباب رنجش عده‌ای را فراهم می‌نمایند رفع گردد.

تکمیل این نمایش از دو جهة بود یکی این که در تحت رژیسوری یکی از بهترین و عالم‌ترین آکتورها آقای کرمانشاهی که مدت‌ها در قفقاز و روسیه در این فن زحمت کشیده است داده می‌شد. دیگری این که مباشرت دادن آن را جامعه محترم باربد (چنان که نگارنده در نمایش اولی هم عقیده خود را در این باب نگاشته و لزوم سرپرستی چنین جمعیتی را برای دادن این نمایش متذکر شده بودم) عهده گرفته بود. این نمایش برخلاف معمول درست سر ساعت هفت و نیم شروع گردیده بود اول که مکتب‌خانه را نشان می‌داد گذشته از زیبایی دکور بسیار خوب ترتیب داده شده بود.

آقای حسینعلی خان شاهرخی که رول معلم را بازی می‌کردند رول خود را خوب بازی کردند با اینکه از قرار معلوم مشاورالیه اولین دفعه بود که وظیفه آکتوری انجام می‌دادند معذک نقصانی نداشتند. امیدوارم که در آتیه یکی از بهترین آکتورهای ما باشند منظره مکتب‌خانه خوب بود اگر شاگردها بیشتر شلوغ کرده و داد قیل زیاد می‌کردند ارائه منظره مکتب‌خانه هیچ قضائی دیده نمی‌شد همچنین هر که آخر پرده اول قدری گرم‌تر و پرچنجال‌تر بود بهتر می‌شد.

در پرده دوم مادموازل لورتا که رول لیلی را بازی می‌کرد، آقای میرحسن‌خان شباهنگ که رول مجنون را عهده‌دار بود و آقای ر.ح که پدر مجنون بودند هر سه خوب بازی می‌کردند مخصوصاً پدر مجنون فوق‌العاده طبیعی خوب و کاملاً احساسات پدری یک پدر مصیبت زده را نشان می‌داد باید آقای میرحسن‌خان شباهنگ را نیز تقدیر نمود که در این دفعه خوب پیشرفت کرده بود.

در پرده سوم آقای روح ندیم ابن‌السلام قدری خوب بازی کرد که دیگر توضیح لازم نیست نه در حرفها و نه در ژستهای ایشان کمترین فضائی دیده نمی‌شد. آقای میرمحمدعلی خان در یابیگی که رول ابن‌السلام را عهده‌دار بودند بمراتب بهتر از دفعه اول بازی کرد. ژستهای لیلی کاملاً خوب بود رقصهای زنهای حرمسرای ابن‌السلام مطابق رقصهای شرقی و نقصانی نداشت.

در پرده چهارم لیلی بقدری خوب بازی کرد که بهتر از آن انتظار نمی‌رفت اما مادموازل بلانش با اینکه حرف زدنش خوب و سلیس بود متأسفانه حرکات و ژستها و طرز ادای حرف‌های مادرانه چندان خوب نبود البته در آتیه اصلاح خواهد نمود. پرده پنجم چون یکی از پرده‌های بسیار عالی از حیث بنظر بوده و توأم با موزیک بود و مجنون هم حرفی نداشت لذا در اینجا چیزی نمی‌شود گفت جز اینکه مجنون قدری در ابراز حرکات عاشقانه و مجنونانه یا بواسطه اهمیت منظره و یا بجهت دیگری سست بود که البته در نمایش سوم این سستی رفع خواهد گردید زیرا شبیه‌ای نیست که توجه کامل مردم باین نمایش جامعه محترم بارید را به تکرار آن متنها تا پانزده روز دیگر مجبور خواهد کرد بطور خلاصه می‌توان بازی‌کنان شب جمعه را در پیس لیلی و مجنون بدرجات بطریق ذیل محسوب داشت:

پدر مجنون در درجه اول، لیلی در درجه دوم، مجنون در درجه سوم، ابن‌السلام در درجه چهارم الی آخر چون کسیکه رول پدر مجنون و ندیم ابن‌السلام را بازی می‌کرد یکنفر بود لذا در درجات فوق رول ندیم بشماره نیامده والا در درجه دوم

محسوب می‌گردید.

در خاتمه مجدداً خاطر نشان می‌نماید که گورهای این بیس فوق‌العاده قشنگ و کمترین قصائی در آن دیده نمی‌شد اگر هم قصائی منظور شود مربوط به تنگی جا و کوچکی سن و قلت لوازم می‌باشد والا در ترتیب آنها هیچگونه ایرادی را نمی‌شود قائل شد.

و لازم می‌دانم که زحمات جامعه محترم بارید را در دادن این نمایش و سایر نمایشات فنی که می‌دهند تقدیر نمایم.

این مقاله در یکی از ادارات جراید محترم از روز شنبه مانده و بعلمی از درجش خودداری شد لذا بطبع آن در جریده شریفه اطلاعات مبادرت گردید.

«علی صادقی»^۱

[اعلان شماره ۷۳]

شب خنده

با اپرت گلرخ بانضمام کنسرت مدرسه عالی موسیقی و تا رتتهای آقای وزیر ی روز یکشنبه ۲۸ دیماه ساعت ۷ بعدازظهر در سالون گراند هتل دیده می‌شود.
صندلیهای بهتر را قبلاً می‌توانید از کتابخانه ابن سینا - مغازه بن‌ار - کمپانی حکاک - (چراغ برق لاله‌زار) حسن‌زاده ناصریه خریداری فرمائید.^۲

[سند شماره ۲۰]

نقد و بررسی اپرت گلرخ

پیشرفت تیاتر و کنسرت از شب‌نشینی وزیر معلوم بود.

۱- همان، ش ۱۳۱۰، ۲۰ آذر ۱۳۰۹، ص ۲.

۲- همان، ش ۱۲۳۵، ۲۱ دی ۱۳۰۹، ص ۲.

از چندی باینطرف بلیط نمایش‌های طهران را تهیه کرده بامید کسب اطلاع و برای تعیین عیار روحیات اخلاقی و صنعتی اهالی پایتخت به نمایشات حاضر می‌شدم.

در تمام این فصل تیاترهای عریض و طویلی بمعرض نمایش گذارده شد که هر کدام دارای عیوب فراوانی بوده که جداگانه شرح داده‌ام.

ولی این دو پیس اخیر که بتوسط آماتورهای مدرسه عالی موسیقی بازی شده هر کدام بنوبه خود جنبه اخلاقی و صنعتی خود را محفوظ داشته و بعلاوه طرز تقسیم آنها بطوری بود که برای عامه تماشاچیان مطلوب واقع گردیده بود. و همچنین موقع شروع آن مطابق با پروگرام نمایش بود در صورتیکه اغلب نمایشات این نکته را فراموش کرده‌اند، پس گلرخ که از حیث فانتزی در درجه اول نمایشات امساله واقع شده بود مزایای صنعتی هم داشت بعلاوه بازی گلرخ و سروش منظره جهنم (گرچه قدری خارج خوانده شد)،

با موزیک رقص رجن حسن، حاجی و جبار همه اینها بی‌نیاز از توصیف بودند. خانم بازیکن گلرخ بخوبی حرفهای خود را ادا نمی‌کردند. شاید رل خود را حفظ نبودند زیرا اغلب آوازها را از ضرب انداخته یکی دوتا، را هم غلط خواندند.

دیگر نکاتی که قابل انتقاد است آقا میرزا رل خود را خوب ایفاء نمود در مقابل روشنائی سن و طول آن قدری دو از جمعیت بازی می‌کردند چنانچه در موقع خواندن اشعار حرکات ایشان در سالن نمایان بودید و جهت اولاً کمی چراغ سن و ثانیاً دوری از جلوی سن. خانم گلرخ که در اغلب از نمایشات امسال شرکت داشته‌اند بهتر است از خواندن در اپرتها صرف‌نظر کرده فقط رلهای دراماتیک (جدی) را قبول نمایند زیرا از حیث گیرندگی صدا ایشان کاملاً مستعد برای رلهای جدی هستند.

حاجی آقا حرکات و گریم و میمک صورتشان کاملاً خوب بود ولی قدری

زننده بازی می‌کردند و از طبیعت خارج شده و سبک گریماس و بوف درآمده بودند در تکرار ژستهای خود هم خیلی مصر بودند ولی از عهده خواندن و ضرب موزیک را بموقع گرفتن مخصوصاً خنده موزیکال بخوبی برآمدند ایشان هم از بازی‌کن‌های خوب امسال بشمار رفته و در اغلب بازیهای مختلف که از ایشان دیده‌ام صنعتی و با روح تیاتری بوده و بازی کرده‌اند. سروش خیلی خوب خواند در حرف زدن استعدادی تیاتری ندارند. شاید هم این غفلت از رژیسور تیاتر بوده.

دکراسیون جهنم بسیار زیبا بود رقص مادموازل مهین از همه بهتر و قابل تمجید است مخصوصاً استعداد ایشان در شناسایی ضرب موزیک بسیار قابل تقدیس است از کنسرت و ساز آقای وزیری چون اطلاعات کافی از این صنعت ندارم نمی‌توانم اظهار عقیده کنم و به اشخاص مطلع واگذار می‌کنم فقط قابلیت خانم خواننده را تقدیس می‌کنم.^۱

«محسن شاهوند»

[اعلان شماره ۷۴]

اعلان برگزاری اپرت مهر و وفا کشف سر عظیم - مدال طلا - گلدان نقره

در اپرت عالی «مهر و وفا»

که ليله یکشنبه اول بهمن در گراند هتل نمایش داده می‌شود.

علاوه بر محسناتی که قبلاً اعلان شده است سر عظیمی مخفی است تماشاچیان دقیق و هوشمندان نکته‌سنج می‌توانند با توجه فوق‌العاده سر مزبور را کشف نمایند - بکاشفین سر به ترتیب ذیل جایزه داده می‌شود.

۱- کاشفین باید سر مکشوف را در پاکت سربسته که روی آن نوشته شده باشد (راجع به سر

- ۱- عظیم مهر و وفا) در ظرف ۲۴ ساعت بعد از نمایش تسلیم مؤسسه آزاد نمایند.
- ۲- بعد از ۲۴ ساعت پاکت قبول نمی‌شود مگر آنکه ثابت شود در وقت مقرر پاکت تسلیم پست‌خانه شده و علت تأخیر وصول جریان پستی است.
- ۳- اولین کاشف یعنی کسیکه زودتر کشف و مطلب را به مؤسسه آزاد خیابان ناصریه تسلیم نماید یک گدان نقره داده می‌شود.
- ۴- کسانی که سر مزبور را نظماً مرقوم و ارسال دارند یک مدال طلا داده می‌شود.
- ۵- بکاشفین دیگر که در موعد معین مطلب را داده باشند ۵ قران تادیه می‌شود کلیه جایزه‌ها در شب نمایش که بعد از اپرت مهر و وفا داده می‌شود حضور کلیه واردین و مدیران جراید تقسیم و نتیجه در جراید طبع و منتشر می‌شود.^۱

[اعلان شماره ۷۴]

برگزاری اولین اپرا در ایران در سالن زردشتیان به زبان ارمنی

شب دوشنبه اول دی‌ماه اولین اپرا در ایران

شکار لالوار

در ۴ پرده و یک پتین درآمد به زبان ارمنی

موزیک، آواز، رقص، مناظر طبیعی، آداب و رسوم دهقانی

توسط سی نفر بازی خواهد شد.^۲

[سند شماره ۲۱]

نقد و بررسی اپرای شکار لالوار

۱- همان، ش ۴۰۹، ۲۷ دی‌ماه ۱۳۰۶، ص ۴.

۲- روزنامه اطلاعات، ش ۱۲۱۶، ۲۹ آذر ۱۳۰۹، ص ۴.

دیشب نمایش اوپرای شکار لالوار بزبان ارمنی در سالن زرتشتیان بمعرض تماشاگذارده شد.

موضوع آن بطور خلاصه زمینه معاشقه بود که مابین یک پسر و یک دختر از اهالی کوهستانی واقع شده و با اینکه پسر درباره دختر فداکارئیهایی هم نشان داده و جلب توجه پدر پیر دختر را نیز کرده بود معذک چون پیرمرد قبلاً قول زناشویی دختر خود را به کسی دیگر داده و نمیخواست برخلاف قول خویش رفتار نماید بوصلت این دو عاشق راضی نبود و مخالفت می کرد تا اینکه عاشق و معشوق برای نیل مقصود قصد فرار نموده در شبی که در میعادگاه حاضر و خیابان فرار داشتند پدر دختر از قضیه فرار مستحضر شده برای حفظ احترام قول خود کمین کرده و هر دو عاشق را هدف تیر قرار داده و می کشد.

خلاصه فوق مطابق ترجمه ایست که در شب نمایش توسط یکی از رفقای ارامنه شده و اگر اشتباهی در این قسمت بوده باشد بواسطه عدم آشنایی بزبان ارمنی است و البته خرد نخواهد گرفت.

اما در خصوص منظره، دکوراسیون و طرز ایفای رلهای آکتور و آکتریس یک نواقص اساسی دیده نشد مگر اینکه ژستهای پیرمرد پدر دختر در پرده اول که با آن حالت مجذوب سر قبر دو عاشق حاضر شد قدری عدم تناسب دیده می شود و در سایر پردهها ژستهای مشارالیه مطابق روح رول خود بود و در پرده سوم و قیتکه دختر در مفارقت پسر آلام درونی خود را ظاهر می نمود یکنوع ساختگی و یا نقصانی در ابراز احساسات درونی وی ظاهر بود با وجود این در پرده ۲ و ۴ و ۵ فوق العاده خوب بازی کرد در ژستهای پسر کاملاً روح عاشقی جلوه داشت چون مهم ترین رلهای بعهدہ این ۳ نفر بود و سایر قسمتها سرودهای دسته جمعی و رقصهای کوهستانی و مناظر ادبی بوده و همه آنها خوب و قابل توجه بودند. از قرار معلوم مؤلف پیس فوت کرده و ترتیب نغمات آن از طرف آقای کالاندریان که

رژیسوی نمایش را هم عده‌دار بود بعمل آمده بطور تحقیق آقای کالاندریان از ایرانی‌هائی است که در مملکت بلغار تحصیل و تربیت دیده و یکی از موزیسن‌های قابلی می‌باشد و موزیک اوپرای لالوار را خود ایشان اداره می‌کردند.

بهرجهت این اوپرا قابل تماشا بوده و گویا خیال دارند ترجمه فارسی آن هم اقدام کنند و البته در صورت موفقیت قابل استفاده عموم خواهد گردید.

با اینکه نگارنده بزبان ارمنی آشنا نمی‌باشم با وجود این چون روح شرقی در این اوپرا کاملاً جلوه داشت و اغلب نغمات آن مطابق لحن شرقی ترتیب داده شده بود در نظر من بسیار خوشایند و جالب دقت بود.

اوضاع دوره‌های گذشته و جریانات تأسف‌آور سابق مانع از اختلاط و امتزاج سایرین با ارامنه که یک عده منور از هموطنان ما را تشکیل می‌دهند بود و چون موانعی که برای اکثریت در طی طریق تمدن وجود داشت برای این اقلیت هموطنان موجود نبود آنها در امور نمایش و سایر زندگانی اجتماعی از سایرین جلو افتاده و در مجالس آنها روح اجتماع و سوسپته بیشتر جلوه می‌کند بنابراین عقیده دارم که حضور یافتن در شب‌نشینی‌های ایرانی‌های ارمنی زبان موجب استفاده سایرین خواهد گردید.

بعلاوه چون همه ساکنین ایران زبان فارسی را که ریشه اصلی سایر زبانها و زبان رسمی مملکتی است می‌دانند در صورت اختلاط و امتزاج هموطنان ارمنی نیز خود را محتاج بدادن نمایش بزبان ارمنی نخواهید دید.

در خاتمه موفقیت آقای کالاندریان را در ترتیب نغمات اوپرای کالوار و اداره نمایش تبریک گفته و خاطر نشان می‌نماید که اگر برخلاف شب گذشته من بعد در موقع شروع نمایش تخلف نشود بهتر خواهد بود زیرا در روی بلیط‌های نمایش لالوار ساعت نه شروع را معین نموده ولی در ساعت ده و بیست دقیقه کم شروع شد و البته اگر در شبهای بلند زمستان این قبیل نمایشات را که دو ساعت ونیم طول

جریان آن می‌باشد در ساعت ۷ بعد از ظهر شروع نمایند در دو و نیم تمام شده و استراحت تماشاچی‌ها نیز تأمین می‌گردد.

علی صادقی^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی